

الله الرحمن الرحيم

شناخت حضرت مهدی (عج)

۲۰۴/۱

پژوهشکده تحقیقات اسلامی
نمایندگی ولی فقیه در سپاه



نمایندگی ولی فقیه در سپاه

نام کتاب: شناخت حضرت مهدی (عج) کد: ۲۰۴/۱
تهیه کننده: پژوهشکده تحقیقات اسلامی
نویسنده: احمد حیدری - علی رضا علی نوری
ناشر: معاونت تربیت و آموزش عقیدتی سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه
حروفچینی و صفحه آرایی: پژوهشکده تحقیقات اسلامی
چاپ: مرکز چاپ نمایندگی ولی فقیه در سپاه
تاریخ انتشار: پاییز ۱۳۹۰
شمارگان: ۱۰۰۰

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۵
مقدمه.....	۷
بخش اول: آینده جهان و زمامدار آن	
فصل اول: آینده جهان.....	۱۰
دیدگاه ملل و ادیان.....	۱۰
دیدگاه قرآن.....	۱۴
فصل دوم: زمامدار آینده جهان.....	۱۶
حضرت مهدی (عج) در روایات شیعه.....	۱۶
حضرت مهدی (عج) در روایات اهل سنت.....	۱۸
دیدگاه صحابه و تابعین.....	۱۹
دیدگاه عالمان اهل سنت.....	۲۰
تردیدکنندگان.....	۲۲
پاسخ به دو مطلب.....	۲۵
چند نکته مورد اختلاف.....	۲۷
فصل سوم: ویژگی های حضرت مهدی (عج).....	۳۷
نام.....	۳۷
ممنوعیت بردن نام آن حضرت.....	۳۷
کنیه و القاب.....	۳۸
پدر و اجداد.....	۳۹
مادر.....	۴۰
سال و محل تولد.....	۴۰
خصوصیات حمل و ولادت.....	۴۰
ویژگی های جسمانی حضرت مهدی (عج).....	۴۲
ویژگی های پیامبران در مهدی (عج).....	۴۲
میراث پیامبران نزد مهدی (عج).....	۴۳
آخرین حجت الهی.....	۴۳
بخش دوم: امامت حضرت مهدی (عج)	
فصل اول: سابقه تاریخی اعتقاد به حضرت مهدی (عج).....	۴۶
استفاده از عنوان «مهدی».....	۴۶
حکایت پرسش ها.....	۴۸
اندیشه مهدویت در آینه ادبیات و شعر.....	۴۹
فصل دوم: امامت حضرت مهدی در منابع شیعی.....	۵۱
الف- روایات مربوط به تفسیر و تأویل آیات.....	۵۱
ب- روایات اهل بیت از پیامبر.....	۵۴
ج- گفتار اهل بیت درباره امامت مهدی (عج).....	۵۵
۱- امیر مؤمنان.....	۵۵
۲- حضرت زهرا.....	۵۶
۳- امام حسن.....	۵۶
۴- امام حسین.....	۵۷
۵- امام سجاد.....	۵۷
۶- امام محمد باقر.....	۵۷
۷- امام صادق.....	۵۸
۸- امام موسی کاظم.....	۵۸
۹- امام رضا.....	۵۸
۱۰- امام جواد.....	۵۹
۱۱- امام هادی.....	۵۹
۱۲- امام عسکری.....	۵۹
فصل سوم: امامت حضرت مهدی در منابع اهل سنت.....	۶۱
الف- پیامبر و دوازده جانشین.....	۶۱
ب- «مهدی» نام دوازدهمین جانشین پیامبر.....	۶۲
ج- «مهدی» از اهل بیت و عترت پیامبر.....	۶۳
د- «مهدی» از اولاد علی و فاطمه.....	۶۳

۹۳	فصل دوم: وظایف منتظران.....
۹۶	فصل سوم: در محضر امام عصر (عج).....
۹۶	عرضه هدایای پاک به محضر امام.....
۹۷	هدیه به امام، پاک کننده نفوس است.....
۹۸	اولویت خویشاوندان در صدقات.....
۹۹	نماز؛ بهترین به خاک مالنده بینی شیطان.....
۱۰۰	طور موسی برتر از میقات نماز نیست.....
۱۰۲	ردّه بر اهل غلو.....
۱۰۵	خداوند باکسی خویشاوندی ندارد.....

بخش ششم: عصر ظهور

۱۰۸	فصل اول: علائم ظهور.....
۱۰۹	علائم حتمی.....
۱۱۱	علائم دیگر.....
۱۱۳	فصل دوم: ظهور.....
۱۱۴	ویژگی های یاران حضرت مهدی (عج).....
۱۱۷	فصل سوم: شیوه حکومت امام مهدی (عج).....
۱۱۷	۱. اجرای صحیح و دقیق قوانین الهی.....
۱۱۸	۲. قضاوت به روش حضرت داوود علیّه السلام.....
۱۱۸	۳. تقسیم عادلانه ثروت.....
۱۱۹	۴. ساده زیستی.....
	فصل چهارم: ترسیمی از حکومت جهانی حضرت
۱۲۰	مهدی (عج).....
۱۲۰	پاک شدن زمین از ستمگران.....
۱۲۰	حاکمیت مطلق بر جهان.....
۱۲۱	برقراری امنیت.....
۱۲۱	پیشرفت برق آسای علم.....
۱۲۲	رشد مواد غذایی و گیاهی.....
۱۲۳	آبادانی شهرها و گسترش مساجد.....
۱۲۳	شکوفایی روحیه برادری و مساوات.....
۱۲۴	گفتاری از علی علیّه السلام.....
۱۲۶	منابع و مأخذ.....

۶۴	هـ- «مهدی» از فرزندان امام حسین علیّه السلام.....
۶۴	و- حضرت عیسی و یاری حضرت مهدی (عج).....
۶۵	ز- آخرالزمان و فشارهای حوادث.....
۶۶	ح- ظلم به اهل بیت علیهم السلام پس از رحلت پیغمبر.....

بخش سوم: حضرت مهدی (عج) واقعیت موجود

۷۰	فصل اول: حضور محسوس محدود.....
۷۰	در زمان حیات پدرش.....
۷۱	پس از رسیدن به مقام امامت.....
۷۲	آغاز غیبت صغری.....
	تشرّف افراد به حضور آن حضرت در غیبت
۷۳	کبری.....
۷۴	در موسم حج.....
۷۵	فصل دوم: طول عمر حضرت مهدی (عج).....
۷۵	امکان طول عمر.....
۷۷	وجود افراد استثنایی.....
۷۷	طول عمر در قلمرو قدرت الهی.....

بخش چهارم: غیبت

۸۰	فصل اول: راز غیبت.....
۸۰	الف- آماده پذیرش نبودن جامعه جهانی.....
۸۱	ب- بیم از کشته شدن.....
۸۲	ج- آزمایش مردم.....
۸۴	مشخص شدن راز واقعی غیبت پس از ظهور.....
۸۵	فصل دوم: آثار وجود حضرت مهدی (عج).....
۸۶	الف- وساطت فیض.....
۸۷	ب- امیدبخشی.....
۸۸	توسل به حضرت مهدی (عج) و الطاف ویژه.....

بخش پنجم: انتظار

۹۰	فصل اول: در انتظار حضرت مهدی (عج).....
۹۰	انتظار سازنده و مخرب.....
۹۲	پاداش منتظران.....

پیشگفتار

تعلیم و تربیت دینی و انقلابی کارکنان سپاه در جهت تقویت و ارتقای معرفت، ایمان و توانمندسازی و توسعه دانش و بینش آنان رسالتی است بس بزرگ که برعهده معاونت تربیت و آموزش عقیدتی سیاسی نهاده شده است.

تحقق عمده این مأموریت خطیر در پرتو نظام آموزش کارآمد و بالنده امکان پذیر می شود تا زمینه ارتقای روحی و معنوی و تقویت دانش، بینش و منش اسلامی کارکنان سپاه را فراهم آورد و پاسدارانی مؤمن، بصیر، شجاع و آگاه تربیت کند که از ایمان و معنویت، معرفت دینی و بصیرت انقلابی لازم برخوردار باشند.

چنانکه مقام معظم رهبری فرموده اند:

مسئله آموزش در همه جا مهم است ولی در سپاه از اهمیت مضاعفی برخوردار است. اگر در سپاه پاسداران آموزشهای قوی در مسایل عقیدتی سیاسی وجود نداشته باشد دیگر سپاه را به عنوان بازوی توانای انقلاب اسلامی نمی توان مطرح ساخت حرکت سپاه یک حرکت مستمر است و اگر قرار باشد این حرکت باقی بماند افراد سپاه باید آموزش دیده باشند و کسانی که این مهم را به عهده دارند شما هستید.^۱

با توجه به اجرای «نظام تربیت و آموزش عقیدتی سیاسی سپاه» از سالیان اولیه تأسیس این نهاد انقلابی و ضرورت بازنگری و بهینه سازی آن در چارچوب تدابیر فرمانده معظم کل قوا حضرت آیه الله العظمی خامنه ای (مد ظله العالی) و براساس راهبردهای تحول و تعالی سپاه، نظام

تربیت و آموزش مورد بازبینی و تجدید نظر قرار گرفت. نظام جدید گرچه به امر خطیر آموزش و تقویت دانش عقیدتی سیاسی پاسداران توجه کافی مبذول شده است اما رویکرد اصلی آن تربیت محوری و معنویت‌افزایی بوده و سرفصلهای آموزشی آن نیز بر این اساس تنظیم شده است. یکی از دوره‌های مهم آموزشی که در نظام جدید مورد توجه قرار گرفته است آموزشهای طولی پاسداران، بسیجیان و سربازان است که به معرفت‌افزایی نسبت به معارف پایه‌ای اسلام و مباحث بنیادی با رویکرد تربیتی می‌پردازد.

هم‌اکنون کلیه دوره‌های آموزشی سپاه در حال بازنگری و بازبینی است و طبیعی است که در تدوین موضوعات و سرفصلهای آموزشی، ارزشیابی، بازخوردگیری، و در نهایت اصلاح یا تغییر سرفصلهای آموزشی امری اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. کتاب حاضر تا قبل از بازنگری و تدوین متون جدید در دوره‌های طولی سپاه تدریس می‌شود.

مسئولیت تهیه و تدوین متون آموزشی مورد نیاز نمایندگی ولی فقیه در سپاه به عهده پژوهشکده تحقیقات اسلامی است. این متون با توجه به سطح معلومات، نیازها و تخصص نیروهای آموزشی، در گروه‌های تحقیقاتی پژوهشکده تدوین و پس از طی مراحل اعتباربخشی محتوایی و شکلی به تأیید نماینده ولی فقیه در سپاه و یا نماینده ایشان می‌رسد. پیشنهادها و تجربیات مربیان ارجمند و متریبان گرامی، در رفع کاستی‌های متون آموزشی راهگشا و مشوق ما در رفع کاستی‌های متون آموزشی خواهد بود.

**معاونت تربیت و آموزش عقیدتی سیاسی
نمایندگی ولی فقیه در سپاه**

مقدمه

اندیشه مهدویت و ظهور، یکی از اصیل‌ترین اندیشه‌های اسلامی است و بنیانگذار آن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است. آن حضرت، خود عقیده به ظهور حضرت مهدی (عج) را در جدول عقاید اسلامی قرار داد، به همین جهت، این موضوع به‌طور یکسان در منابع شیعه و سنی منعکس گردیده است. اهل بیت پیامبر علیهم السلام نیز این اندیشه و اعتقاد را در جامعه اسلامی تبلیغ کرده‌اند. می‌توان ادعا کرد که هیچ مسأله اسلامی همانند عقیده مهدویت و ظهور، از قطعیت و سابقه تاریخی برخوردار نیست.

حضرت مهدی (عج) به عنوان دوازدهمین جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله در روایات شیعه و سنی مطرح و معرفی شده است. این معرفی چنان دقیق و مشخص است که قابل انطباق بر فرد دیگری جز شخص آن حضرت نیست که از فرزندان فاطمه علیها السلام و امام حسین علیه السلام و نام پدرش امام حسن عسکری علیه السلام می‌باشد.

او آخرین حجت الهی از سلسله انبیا و اوصیاست که با ظهورش جهان را پر از عدل و داد می‌سازد. او هم اکنون به عنوان یک امام زنده، ولی غایب، در روی زمین زندگی می‌کند و در زمان پدرش و بعد از او در غیبت صغری و کبری مشاهده شده است.

در این کتاب ادله امامت آن حضرت، ویژگی‌های ایشان، مسأله انتظار، طول عمر، علایم ظهور، شیوه حکومت و کیفیت پیروزی ایشان مورد بحث و بررسی قرار گرفته و تمام این موارد به منابع معتبر شیعه و سنی مستند گردیده است.

امید است این اثر در تحکیم و تثبیت عقیده منتظران ظهورش مؤثر واقع شود و طول غیبت، موجب خروج آنان از صراط مستقیم امامت نگردد. اللهم عجل فرجه واجعلنا من اعوانه و انصاره.

پژوهشکده تحقیقات اسلامی

بخش اول

آینده جهان و زمامدار آن

فصل اول

آینده جهان

دیدگاه ملل و ادیان

دیدگاه‌های متفاوتی درباره آینده جهان وجود دارد؛ برخی از دریچه یأس و ناامیدی و با ملاحظه قدرت‌های اتمی که در اختیار سران ظلم و بیداد قرار دارد، می‌گویند جهان به سوی یک جنگ جهانی و فراگیر پیش می‌رود که در آن، بشریت گور خود را کنده، تمدن کنونی را از بین خواهد برد. در ظاهر، قراین و شواهد، این دیدگاه را تأیید می‌کند؛ چرا که عواطف انسانی به شدت کاهش یافته، فاصله طبقاتی بین غنی و فقیر در حال گسترش است، مفاسد اخلاقی و جنایات در میان جامعه‌ها رو به فزونی است، اختلافات و اصطکاک بین دولت‌ها روز به روز عمیق‌تر می‌شود و درگیری‌های منطقه‌ای و مرزی میان کشورها شتاب بیشتری به خود گرفته است.

از طرف دیگر، سازمان ملل که یک نهاد بین‌المللی است و با هدف برقراری صلح و امنیت در جهان به وجود آمده، نه تنها بی‌خاصیت شده، بلکه تحت سلطه قدرت‌های بزرگ جهانی در آمده است و آنان برای رسیدن به اهداف و مقاصد شیطانی خود از این سازمان استفاده می‌کنند. مواد اعلامیه حقوق بشر و قطعنامه‌های شورای امنیت و سازمان ملل که اغلب با اعمال فشار و دسیسه قدرت‌های بزرگ به تصویب می‌رسد، همیشه اهرمی در دست ابرقدرت‌هاست تا کشورهای کوچک و ضعیف را برای پذیرفتن آنچه آنان می‌خواهند، تحت فشار قرار دهند.

علاوه بر این دو جهت، حس جاه‌طلبی و روحیه استکباری و جنون قدرت در میان سران کشورها، کافی است که روزی آتش جنگ را برافروزد و تمدن کنونی را به ویرانه‌ای مبدل سازد. راسل می‌گوید:

اشخاصی هستند و از آن جمله انیشتاین که به زعم آن‌ها بسیار محتمل است که انسان، دوره حیات خود را طی کرده باشد و در ظرف سنین محدودی موفق شود با مهارت شگرف علمی خود، خویشتن را نابود سازد.^۱

نتیجه این که، براساس شواهد ظاهری، آینده جهان، تاریک و نگران کننده است. بررسی و ملاحظه مسائل فوق کافی است که انسان را نسبت به آینده بدبین و مأیوس سازد.

در مقابل، یک اندیشه و اعتقاد تا اندازه‌ای عمومی و فراگیر در میان همه جوامع و ملل وجود داشته و دارد، مبنی بر این که روزی یک منجی آسمانی ظهور خواهد کرد و صلح و عدالت را برای بشر به ارمغان خواهد آورد و بشر در سایه حکومت وی با صلح و صفا و به دور از ناهنجاری‌های ذکر شده خواهد زیست و مدینه فاضله انسانی در آن روز تحقق خواهد یافت. البته در چند و چون این اعتقاد و آن منجی بزرگ اختلاف است؛ اما مهم این است که اصل این اندیشه و اعتقاد، بین همه اقوام و ملل و ادیان، مشترک است. ما در این جا به نقل قسمتی از نظریه‌ها و اندیشه‌ها می‌پردازیم:

در کتب هندیان: در کتاب «وید» که در نزد هندیان از کتاب‌های مقدس است، چنین می‌خوانیم:

پس از خرابی دنیا، پادشاهی در آخرالزمان پیدا می‌شود که پیشوای خلق باشد و نام او منصور باشد و تمام عالم را بگیرد و به دین خود درآورد و همه کس را از مؤمن و کافر بشناسد و هر چه از خدا خواهد برآید.^۲

در کتاب «باسک» که آن نیز از کتاب‌های مقدس هندیان به شمار می‌رود، آمده است:

دور دنیا تمام شود به پادشاه عادل در آخرالزمان که پیشوای ملائکه و پریان و آدمیان باشد و حق و راستی با او باشد و آنچه در دریا و زمین‌ها و کوه‌ها پنهان باشد، همه را به دست آورد و از آسمان‌ها و زمین آنچه باشد خبر دهد و از او بزرگ‌تر کسی به دنیا نیاید.^۳

در کتاب «وشن جوک»، یکی دیگر از کتاب‌های هندیان آمده است:

در اواخر، دنیا به کسی بگردد که خدا را دوست دارد و از بندگان خاص او باشد و نام او فرخنده و خجسته باشد و خلق را زنده کند.^۴

۱- قیام و انقلاب مهدی، شهید مطهری، ص ۵۸.

۲- ادیان و مهدویت، محمد بهشتی، ص ۱۶.

۴- همان.

۳- ادیان و مهدویت، ص ۱۸.

در آیین زرتشت: در آیین زرتشت نیز بشارت و وعده‌های صریحی در این زمینه آمده است که قسمتی از آن‌ها را از کتاب «زند»^{*} نقل می‌کنیم.

ای سپیتامان زرتشت! چون زمان سر رود، این دشمنان مانند بن درختی که یک شب سرد زمستانی که برسد و به یک شب برگ بیفکند، تباه شوند.^۱

هنگام گرگان به سر رسد و هنگام میشان اندر آید.^۲

در جاماسب‌نامه که شامل پرسش‌های گشتاسب شاه از جاماسب است و او پیشگویی‌های زرتشت را برای گشتاسب نقل می‌کند، این چنین آمده است:

و هنگام گرگ بشود (سرآید) و هنگام میش اندر آید و هوشیدر (نجات دهنده) زرتشتیان به نموداری دین پدید آید و انائیه (زیان) و دروشک (دروغ) سرآید و رامش و شادی و خرمی باشد.^۳

در عهد عتیق و جدید: در عهد عتیق و جدید نیز پیشگویی‌های خوش‌بینانه‌ای درباره آینده جهان و ظهور یک منجی آسمانی به عمل آمده است که مواردی از آن‌ها نقل می‌شود.

به سبب شریران، خویشتن را مشوش مساز و بر فتنه‌انگیزان حسد مبر؛ زیرا که مثل علف به زودی بریده می‌شوند و مثل علف سبز پژمرده خواهند شد... و اما منتظران خداوند، وارث زمین خواهند شد، هان بعد از اندک زمانی شریر نخواهد بود، در مکانش تأمل خواهی کرد و نخواهد بود و اما حلیمان وارث زمین خواهند شد... صالحان وارث زمین خواهند بود و در آن تا به ابد سکونت خواهند نمود... و نجات صالحان از خداوند است و در وقت تنگی، او قلعه ایشان خواهد بود و خداوند ایشان را اعانت کرده نجات خواهد داد، ایشان را از شریران خلاص کرده، خواهد رهانید؛ زیرا بر او توکل دارند.^۴

* - این کتاب شامل یک رشته حوادثی درباره آینده ملت و دین ایران است که اورمزد (خدای خوبی‌ها) وقوع آنها را به زرتشت پیشگویی می‌کند، این پیش‌آمدها هر کدام در دوره مشخصی اتفاق می‌افتد، دوره‌های ماقبل آخر (یا آخرالزمان) هنگام تاخت و تاز اهریمن‌نژادان است تا اینکه «سوشیانس» (منجی آخرالزمان) نژاد دیوان و اهریمنان را ریشه‌کن می‌سازد.

۱ - کتاب «زند و هومن یسن» (مسأله رجعت و ظهور در آیین زرتشت)، ص ۶۰، این کتاب در اواخر دوره پادشاهی خسرو اول انوشیروان، پادشاه معروف ساسانی (۵۳۱ - ۵۷۹ میلادی) [نعت‌نامه دهخدا، ج ۸، ص ۱۱۷۱۲] یا کمی بعد از او از «اوستا» ترجمه شده است. ر. ک. همان، ص ۱۳.

۲ - همان، ص ۶۶.

۳ - همان، ص ۱۲۰، گفتنی است که توضیحات داخل پرانتزها از خود آن کتاب نقل شده است.

۴ - عهد عتیق، کتاب مزامیر داود، مزموور ۳۷.

اگر چه تأخیر نماید، برایش منتظر باش؛ زیرا که البته خواهد آمد و درنگ نخواهد نمود... بلکه جمیع امت‌ها را نزد خود جمع می‌کند و تمامی قوم‌ها را برای خویشتن فراهم می‌آورد.^۱ زیرا همچنان که برق از مشرق ساطع شده تا به مغرب ظاهر می‌شود، ظهور پسر انسان نیز چنین خواهد شد... و پسر انسان را ببینند که بر آبرهای آسمان، با قوت و جلال عظیم می‌آید و فرشتگان خود را با صور بلند آواز فرستاده، برگزیدگان او را از بادهای اربعه از کران تا به کران فلک فراهم خواهند آورد... اما از آن روز و ساعت هیچ کس اطلاع ندارد، حتی ملائکه آسمان جز پدر من و بس... لکن این را بدانید که اگر صاحب خانه می‌دانست در چه پاسی از شب دزد می‌آید، بیدار می‌ماند و نمی‌گذاشت که به خانه‌اش نقب زند؛ لہذا شما نیز حاضر باشید؛ زیرا در ساعتی که گمان نبرید پسر انسان می‌آید.^۲

کمرهای خود را بسته چراغ‌های خود را افروخته بدارید و شما مانند کسانی باشید که انتظار آقای خود را می‌کشد که چه وقت از عروسی مراجعت کند تا هر وقت آید و در را بکوبد، بی‌درنگ برای او باز کنند... لکن اگر آن غلام در خاطر خود گوید آمدن آقایم به طول انجامید و به زدن غلامان و کنیزان و به خوردن و نوشیدن و می‌گساری شروع کند، هر آینه مولای آن غلام آید در روزی که منتظر او نباشد و در ساعتی که او نداند.^۳

در آفتاب و ماه و ستارگان علامات خواهد بود و بر زمین تنگی و حیرت از برای امت‌ها روی خواهد نمود به سبب شوریدن دریا و امواجش و دل‌های مردم ضعف خواهد کرد از خوف و انتظار آن وقایعی که بر ربع مسکون ظاهر می‌شود؛ زیرا قوت آسمان متزلزل خواهد شد و آن‌گاه پسر انسان را خواهند دید که بر آبری سوار شده با قوت و جلال عظیم می‌آید و چون ابتدای این چیزها بشود، راست شده سرهای خود را بلند کنید از آن جهت که خلاصی شما نزدیک است.^۴

همان‌گونه که گذشت در کتاب‌های هندیان، زرتشت و عهدین، حکومت جهانی صالحان پیش‌بینی شده است و می‌دانیم که تا کنون چنین چیزی اتفاق نیفتاده و حکومت پیامبر اکرم ﷺ نیز بر بخشی محدود از کره زمین تحقق پیدا کرد. بنابراین با توجه به پیشگویی این کتاب‌ها باید جهان در انتظار چنین روز فرخنده‌ای بنشینند.

۱- همان، کتاب حقیق نبی، باب ۳.
۲- عهد جدید، انجیل متی، باب ۲۴.
۳- عهد جدید، انجیل لوقا، باب ۱۲.
۴- همان، باب ۲۱.

ناگفته نماند، از آنجا که به طور قطع دست تحریف در کتاب‌های ذکر شده راه یافته است، نمی‌خواهیم از آن‌ها برای اثبات مدعای خود به‌عنوان دلیل استفاده کنیم، بلکه هدف ما، در درجه اول آشنایی با دیدگاه ملل و ادیان در مورد آینده جهان و بشریت و در مرحله دوم تأیید بر مطلب است و این که اگر شیعه با توجه به وعده‌ها و پیشگویی قرآن، در انتظار تحقق یک حکومت جهانی الهی به سر می‌برد و معتقد است که آینده جهان از آن صالحان و پرهیزکاران است و بینش‌های مادی و بدبینانه نسبت به آینده تاریخ را محکوم می‌کند، در این اندیشه و اعتقاد تنها نیست و پیرو هیچ دین و مذهبی نمی‌تواند او را در این اندیشه تخطئه کند؛ بلکه از آن جا که قرآن تنها کتاب آسمانی است که مصون از هر تغییر و تحریفی است و اعتبارش صد در صد و قطعی است، دیگر کتاب‌های آسمانی تحریف شده که به نحوی مسأله ظهور و برقراری عدالت در آینده تاریخ را مطرح کرده‌اند، در طرح اصلی مسأله، دلیلی بر اعتبار پیدا می‌کنند.

دیدگاه قرآن

قرآن کریم در موارد مختلفی با تعبیرهای متفاوت به این مسأله پرداخته و با قاطعیت و تأکید اعلام کرده که جهان آینده، جهان صالحان و پرهیزکاران خواهد بود و اراده خداوند بر پیروزی یکتاپرستان و بندگان شایسته اوست. به آیه شریفه زیر توجه کنید:

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا...^۱

خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده‌اند، وعده می‌دهد که آن‌ها را به طور قطع خلیفه روی زمین خواهد کرد همان‌گونه که به پیشینیان خلافت روی زمین بخشید و دین و آیینی را که برای آنها پسندیده پا بر جا و ریشه‌دار خواهد ساخت و ترس آنان را به امنیت و آرامش تبدیل خواهد کرد، به گونه‌ای که تنها مرا بپرستند و چیزی را برای من شریک نگینند.

در هر وعده، سه رکن وجود دارد: وعده دهنده که در این جا خداوند است، وعده گیرنده که مؤمنان صالحند و سوم موارد وعده که در آیه یاد شده عبارتند از:

۱. استخلاف و حکومت روی زمین به نمایندگی از خداوند
 ۲. تمکین دین که نفوذ معنوی و حکومت قوانین الهی بر تمام پهنه زندگی است.
 ۳. تبدیل خوف به امنیت و برطرف شدن تمام عوامل ترس و ناامنی و جایگزین شدن امنیت کامل و آرامش در همه زمین، آرامش و امنیت ریشه دار و دائمی نه ظاهری و نسبی که در جهان امروز شاهد آن هستیم؛ چراکه امنیت حاکم بر جهان امروز بر اثر تعادل قوای نظامی و سلاح‌های ویرانگر میان قدرت‌های دنیاست و آن‌گاه که این تعادل بر هم بخورد، پایه‌های این امنیت کاذب و نسبی نیز فرو خواهد ریخت و در واقع می‌توان گفت که بر جهان، تعادل و حشت حاکم است نه امنیت.
- هم‌چنین در آخر آیه، هدف نهایی از تحقق حکومت واحد الهی بر پهنه گیتی، چنین ذکر شده که مردم تنها خدا را پرستند و چیزی را شریک او قرار ندهند و این هدف، راه حکومت الهی را از راه حکومت‌های غیر الهی جدا می‌کند؛ چراکه هدف نهایی در آن‌ها، برخورداری همگان از رفاه برتر و بهره‌مندی بیشتر از لذایذ مادی است.
- باید توجه داشت و عده قرآن نسبت به تحقق حکومت صالحان در پهنه زمین، نوعی پیشگویی نسبت به فراهم شدن زمینه پذیرش دین حق در سطح وسیعی نیز هست.
- از نظر روایات اسلامی نیز افراد و گروه‌های ممتازی با عنایت‌های خداوندی، موانع تشکیل حکومت واحد جهانی را از سر راه برداشته، زمینه را برای تحقق آن فراهم می‌کنند.^۱
- نتیجه این‌که از دیدگاه قرآن با وجود همه عوامل یأس‌آور ظاهری، باید نسبت به آینده خوشبین بود و در انتظار تحقق وعده الهی در مورد حکومت صالحان بر تمام گیتی نشست و عنصر بدبینی و یأس نسبت به آینده جهان را از خود طرد کرد.

۱- ر.ک: قیام و انقلاب مهدی (عج)، شهید مطهری، ص ۶۷.

فصل دوم

زاممدار آینده جهان

در مبحث پیشین معلوم شد اعتقاد به ظهور یک منجی آسمانی، میان ملل و ادیان، مشترک است و از دیدگاه قرآن، حکومت آینده جهان در اختیار صالحان خواهد بود و آنان وارث زمین هستند. اکنون می‌خواهیم روشن کنیم که در اعتقاد مسلمانان اعم از شیعه و سنی، آن منجی آسمانی - که تشکیل دهنده حکومت واحد جهانی بر مبنای دین پیامبر ﷺ است - حضرت «مهدی» (عج) است.

البته او در روایات به عنوان «قائم»، «صاحب الامر»، «دوازدهمین خلیفه پیامبر» و... نیز معرفی شده است، اما مشهورتر از همه، نام «مهدی» است. این عناوین همه یک مصداق را معرفی می‌کنند و مسلمانان این واژه‌ها و نام‌ها را فقط بر یک شخص منطبق می‌دانند که همان «مهدی» (عج) موعود پیامبر ﷺ است.

نخستین کسی که واژه «مهدی» را به عنوان نام آن منجی بزرگ به کار برده، او را به این اسم معرفی کرده، شخص پیامبر اکرم ﷺ است، به همین جهت تمام مسلمانان از هر فرقه و گروه، با نام مهدی آشنا هستند و او را به عنوان دادگستر آینده جهان و موعود پیامبر ﷺ می‌شناسند.*

حضرت مهدی (عج) در روایات شیعه

محدثان و روایان شیعی نیز، روایات مربوط به حضرت مهدی (عج) را از اهل بیت پیامبر ﷺ

* - اطلاق اسم برگزیده و لقب، امری شایع و رایج است؛ از حضرت علی علیه السلام نقل شده که فرمود:

«پیامبر مرا ابوتراب نامید و هیچ اسمی برایم محبوب‌تر از این اسم نیست.» (منتخب الاثر، صافی، ص ۲۳۴)

در این روایت لفظ اسم را در مورد کتبه به کار برده است. از این رو، هر چند در درس سوم خواهیم گفت که لفظ مهدی از القاب آن حضرت است، اما منافات ندارد که اسم ایشان شمرده شود؛ می‌توان گفت: به خاطر استعمال زیاد واژه مهدی (به معنای هدایت شده به حق) در مورد آن منجی آسمانی، این لفظ به عنوان نام آن حضرت شناخته شده و به عبارت ادبی، برای حضرتش «علم بالغلبه» گردیده است. (لسان العرب، ج ۱۵، ص ۳۵۴، دار صادر، بیروت.)

نقل کرده‌اند. بخشی از این روایات مستند به پیامبر اکرم ﷺ و بخشی دیگر سخنان خود آن بزرگواران است که به موجب حدیث ثقلین، منزلت و احادیث فراوان دیگر، مرجع رسمی امت بعد از پیامبر ﷺ هستند. اینک به ذکر چند نمونه از آن روایات می‌پردازیم.

□ جابر از امام باقر ﷺ این‌گونه نقل می‌کند:

عمر از امیرالمؤمنین ﷺ درباره مهدی و نام او سؤال کرد. امام ﷺ در پاسخ فرمود: اما اسمش را نمی‌گویم؛ زیرا حبیب و دوستم (محمد ﷺ) با من پیمان بسته که اسمش را نیاورم تا وقتی که خداوند او را برانگیزد و آن (احتمالاً زمان برانگیخته شدنش) از چیزهایی است که خداوند علم آن را نزد پیامبرش به ودیعه سپرده است.^۱

□ ابو بصیر از امام صادق ﷺ و آن حضرت از پیامبر ﷺ نقل کرده که فرمود:

مهدی از فرزندان من است، نامش نام من و کنیه‌اش کنیه من است، از نظر اخلاق و خلقت شبیه‌ترین مردم به من است، برای او غیبت و سرگردانی‌ای* خواهد بود تا این که مردم در آیین‌شان دچار گمراهی شوند. در آن زمان مهدی مانند ستاره فروزان به مردم رو می‌نماید و زمین را از عدل و داد پر می‌کند؛ آن طور که از ظلم و ستم پر شده است.^۲

□ اصبح بن نباته می‌گوید: روزی نزد امیر مؤمنان علی ﷺ آمدم، دیدم در حال فکر کردن است و بر روی زمین خط می‌کشد. گفتم: ای امیر مؤمنان! آیا (تفکر و اندوخت) به خاطر رغبت و اشتیاق به زمین است (که مالک آن شوی و فرمانت نافذ باشد؟) او فرمود:

نه، سوگند به خدا، هرگز حتی برای یک لحظه به زمین و دنیا رغبت و میلی نداشتم؛ اما به مولودی می‌اندیشیدم که بعد از من و یازدهمین از فرزندان من است؛ همان مهدی که زمین را از عدل و داد پر می‌کند، آن سان که از ظلم و ستم پر شده است.^۳

□ صفوان از امام صادق ﷺ نقل کرده که فرمود:

سوگند به خدا، مهدی شما از شما غایب می‌گردد تا حدی که فرد نادان می‌گوید: خداوند احتیاجی به آل محمد ﷺ ندارد. سپس مهدی مانند ستاره فروزان به مردم رومی آورد و زمین را از عدل و داد پر می‌کند، آن‌گونه که از ظلم و ستم پر شده است.^۴

۱- بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۳۴.

* - شاید مراد سرگردانی حضرت مهدی (عج) از نظر مسکن است که در هر زمانی در شهر و ناحیه‌ای باشد.

۲- همان، ص ۷۲.

۳- کتاب الغیبه، محمد بن ابراهیم بن جعفر نعمانی معروف به ابن ابی زینب، ص ۴۲-۴۱.

۴- بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۴۵.

□ عبدالعظیم حسنی می‌گوید: بر آقایم امام جواد علیه السلام وارد شدم و می‌خواستم از «قائم» سؤال کنم که آیا او همان مهدی است یا غیر او است. حضرت قبل از سؤال من، سخن آغاز کرد و فرمود: ای ابوالقاسم! قائم ما همان مهدی است که لازم است در غیبت او انتظارش را بکشند و در هنگام ظهورش اطاعتش کنند و او سومین از فرزندان من است.^۱

به کار بردن لقب «قائم» و «مهدی» توسط امام جواد علیه السلام درباره امام دوازدهم نشان می‌دهد که این شیعیان از همان ابتدا به تعلیم پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام می‌دانستند که این دو اسم به شخص واحدی اطلاق می‌شود و عبدالعظیم حسنی نیز برای اطمینان بیشتر همین مطلب را از امام سؤال می‌کند و امام نیز در جواب بر آن تأکید می‌ورزد.

حضرت مهدی (عج) در روایات اهل سنت

محدثان بزرگ اهل سنت در کتاب‌های خود به طور فراوان روایات مربوط به حضرت مهدی (عج) را از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده‌اند؛ بعضی از این روایات درباره نسب آن حضرت و بعضی در مورد شیوه حکومتداری و عدالت‌گستری او است و بعضی دیگر در مورد علائم و حوادث قبل از ظهور و غیر این‌ها از مسائل مربوط به آن حضرت است. در این جا به ذکر چند نمونه از آن روایات می‌پردازیم.

□ ابو سعید خدری می‌گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«مهدی» از من است. او دارای پیشانی باز و روشن و بینی کشیده‌ای است، زمین را پر از عدل

و داد می‌کند، آن سان که از ظلم و ستم پر شده است، هفت سال فرمانروایی می‌کند.^۲

□ هم او نقل می‌کند که پیامبر فرمود:

شمارا به «مهدی» (عج) مژده دهم. او در حال اختلاف مردم و (وقوع) زلزله‌ها، در میان امتم

برانگیخته می‌شود، زمین را از عدل و داد پر می‌کند، آن گونه که از ظلم و جور پر شده است.

ساکنان آسمان و زمین از او خشنود می‌شوند، ثروت را به طور صحیح تقسیم می‌کند. مردی

گفت: منظور چیست؟ حضرت فرمود: (یعنی) به طور مساوی میان مردم تقسیم می‌کند...^۳

۱- همان، ص ۱۵۶.

۲- سنن ابی داوود، با حواشی محمد محیی الدین عبدالحمید، ج ۴، ص ۱۰۷.

۳- مسند احمد حنبل، ج ۳، ص ۳۷.

□ نیز هم او می گوید: ترسیدیم بعد از پیامبر ﷺ گرفتاری و مشکلاتی داشته باشیم؛ از این رو از پیامبر ﷺ سؤال کردیم. او فرمود:

در میان امتهم «مهدی» خواهد بود که خروج می کند و پنج یا هفت یا نه سال (تردید از راوی است) زندگی می کند... سپس فرمود: مرد نیازمند نزد مهدی می آید و می گوید: ای مهدی! با عطایت بی نیازم کن. پس مهدی آن قدر مال و ثروت در دامنش می ریزد که بتواند با خودش ببرد.^۱

□ محمد بن حنفیه از پیامبر ﷺ چنین نقل می کند:

مهدی از ما اهل بیت است، خداوند کار او را در یک شب اصلاح می کند.^۲

□ عبدالله زبیدی می گوید: پیامبر ﷺ فرمود:

مردمی از مشرق زمین خروج می کنند و زمین را برای (حکومت) مهدی (عج) آماده می نمایند.^۳

□ ابو سلمه، (چوپان شتران پیامبر) می گوید: از پیامبر ﷺ شنیدم که فرمود:

شبی که خداوند مرا در آسمانها سیر داد، به من فرمود: ... ای محمد! من، تو و علی، فاطمه، حسن، حسین و امامان از فرزندان او را، از نور خود آفریدم... سپس فرمود: به طرف راست عرش توجه کن که من متوجه آن ناحیه شدم، ناگهان دیدم علی، فاطمه، حسن، حسین و فرزندان او تا مهدی را که در میان انبوهی از نور ایستاده و نماز می گزارند و مهدی در وسط آنها بود، انگار ستاره درخشانی است. خداوند فرمود: ای محمد! آنان حجت های منند و از میان عترت، مهدی انتقام گیرنده است. سوگند به عزت و جلالم، او حجت اولیایم و انتقام گیرنده از دشمنانم است.^۴

دیدگاه صحابه و تابعین

بسیاری از صحابه و تابعان، روایات مربوط به امام زمان را نقل کرده اند. شیخ عبدالمحسن العباد از

۱ - سنن ترمذی، ج ۳، ص ۳۴۳، این حدیث با اختلاف کمی در الفاظ، در مسند احمد حنبل، ج ۳، ص ۲۱ نیز آمده است.

۲ - سنن ابن ماجه، با حواشی محمد فؤاد عبدالباقی، ج ۲، ص ۱۳۶۷.

۳ - همان، ص ۱۳۶۸.

۴ - ر.ک: المهدی الموعود المنتظر، ج ۱، ص ۹۱-۹۲، به نقل از فراید السمطین، ابراهیم بن محمد شافعی، ج ۲، ص ۳۱۹-۳۲۰.

نویسندگان معاصر اهل سنت و استاد دانشگاه مدینه منوره در ضمن مقاله‌ای مفصل با عنوان «عقیده اهل السنة والاثار فی المهدی المنتظر» اسامی ۲۶ نفر از صحابه ناقل احادیث امام مهدی (عج) را جمع آوری کرده است که عبارتند از:

۱- علی بن ابی طالب ۲- عثمان بن عفان ۳- طلحه بن عبیدالله ۴- عبدالرحمن بن عوف ۵- حسن بن علی ۶- ام سلمه ۷- ام حبیبه ۸- عبدالله بن مسعود ۹- عبدالله بن عمر ۱۰- عبدالله بن عمرو ۱۱- ابو سعید الخدری ۱۲- جابر بن عبدالله و...^۱ و از تابعین نیز محمد بن حنفیه، قتاده، مکحول، سعید بن جبیر و... احادیث مهدی علیه السلام را روایت کرده‌اند.

دیدگاه عالمان اهل سنت

عالمان حدیث اهل سنت از ابتدا تا کنون نسبت به احادیث مربوط به امام زمان (عج) بسیار توجه نشان داده، آن‌ها را در ضمن دیگر احادیث یا جداگانه جمع آوری کرده‌اند. از جمله محدثان مشهور اهل سنت که نسبت به نقل احادیث مهدی (عج) کوشیده‌اند می‌توان از: ابو داود، ترمذی، ابن ماجه و نسایی در کتاب‌های «سنن» خودشان، احمد بن حنبل در «مسند» و حاکم نیشابوری در کتاب «مستدرک علی الصحیحین» نام برد.

برخی دیگر از محدثان و عالمان اهل سنت از جمله سیوطی، ابن کثیر، ابن حجر و صاحب کنز العمال نیز آثار خاص و جداگانه‌ای درباره امام زمان (عج) دارند.^۲ عده‌ای نیز تصریح کرده‌اند احادیث مربوط به حضرت مهدی (عج) متواتر می‌باشد؛ از جمله:

۱- محمد بن حسین آبری صاحب کتاب مناقب الشافعی می‌گوید:

اخبار رسول خدا درباره مهدی و این‌که از اهل بیت است و... متواتر و مستفیض است.

ابن قیّم، ابن حجر و سیوطی این سخن را از آبری نقل کرده‌اند و آن را ردّ نکرده‌اند.^۳

۲- قاضی شوکانی مؤلف نیل الاوطار گوید:

پنجاه حدیث درباره مهدی قابل توجه و اعتناست و این احادیث بدون شک متواتر هستند.^۴

۱- الامام المهدی عند اهل السنه، مهدی فقیه ایمانی، ج ۲، ص ۳۹۸. به نقل از مجله الجامعه الاسلامیه، شماره ۳، سال اول، ذوالقعدة ۱۲۸۸ ه. ق.

۲- شیخ «عبدالمحسن العباد» نام ۳۸ نفر از محدثان بزرگ اهل سنت را ذکر می‌کند که احادیث مربوط به امام مهدی (عج) را در کتب حدیثی خود نقل کرده‌اند و ده نفر از بزرگان اهل سنت که تألیف جداگانه در مورد امام (عج) دارند.

۳- الامام المهدی عند اهل السنه، ج ۲، ص ۴۰۲.

۴- همان، ص ۴۰۳؛ نظم المتناثر من الحدیث المتواتر، محمد بن جعفر الکتانی، ص ۱۴۶.

۳- شیخ محمد بن جعفر الکتانی متوفای ۱۳۴۵ ه. ق در کتابش «نظم المتناثر من الحدیث المتواتر» گوید:

حاصل آن که احادیث وارده در شأن مهدی منتظر، متواتر هستند.^۱
شیخ عبدالمحسن در باب دیگر، احتجاجات عده‌ای از عالمان اهل سنت به احادیث مهدی را جمع آوری می‌کند. ایشان بسیاری از عالمان بزرگ را نام می‌برد که احادیث مهدی را حجت دانسته، به مضامین آن معتقد بوده‌اند. از جمله قرطبی صاحب تفسیر مشهور بعد از ذکر این حدیث منسوب به پیامبر:

لَا مَهْدِيَّ إِلَّا عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ.

مهدیی جز عیسی بن مریم نیست.

می‌نویسد:

«سند این حدیث ضعیف است و احادیث نبوی که بر خروج مهدی از نسل فاطمه تصریح می‌کند، از این حدیث صحیح‌تر هستند و باید به مضمون آن‌ها حکم کرد [که دلالت دارد مهدی غیر از عیسی و از نسل فاطمه زهرا است] و...»^۲

ابن قیّم در کتابش «المنار المنیف فی الحدیث الصحیح والضعیف» بعد از بحث درباره احادیث مهدی و صحت و حجیت آن‌ها، راجع به حدیث منسوب به رسول خدا: «لَا مَهْدِيَّ إِلَّا عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ» می‌گوید:

این حدیث را فقط محمد بن خالد نقل کرده است و محمد بن حسین آبری گوید: محمد بن خالد نزد عالمان رجال و محدثان شناخته شده نیست و احادیث مستفیض و متواتر از رسول خدا دلالت دارد که مهدی از اهل بیت رسول خداست.^۳
مناوی صاحب فیض القدر در شرح جامع صغیر سیوطی می‌گوید:

خبر منسوب به پیامبر: «لَا مَهْدِيَّ إِلَّا عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ» نمی‌تواند با اخبار دال بر مهدی (از نسل فاطمه) معارض باشد.^۴

شیخ الاسلام ابن تیمیه که اهل سنت او را اهل تحقیق و روایت و درایت می‌دانند در کتاب

۱- نظم المتناثر من الحدیث المتواتر، ص ۱۴۷. ۲- الامام المهدی، عند اهل السنه، ج ۲، ص ۴۱۱.

۳- المنار المنیف فی الصحیح والضعیف، ابن قیّم، ص ۱۴۲.

۴- فیض الغدیر، مناوی، ج ۶، ص ۲۷۹.

«منهاج السنة النبویه» که از مهم ترین کتب او می باشد به صحت خروج مهدی از اهل بیت در آخر الزمان تأکید می کند.^۱

یکی دیگر از عالمان معاصر اهل سنت به نام سید محمد صدیق حسن در کتابش «الاذاعه» می نویسد:

شکی نیست در این که مهدی در آخر الزمان خروج می کند، ولی ماه و سال ظهورش معلوم نمی باشد. یقین به ظهور مهدی، نتیجه احادیث متواتری است که در این باب وارد شده و جمهور امت از گذشته تا حال بر آن اتفاق داشته اند. از این رو به مخالفت یکی دو نفر نباید اعتنا کرد. معنا ندارد در مورد خروج فاطمی موعود منتظر که ادله بر آن گواهی می دهد، شک کنیم و انکار آن جسارتی بزرگ در مقابل نصوص مشهور و فراوانی است که به حد تواتر رسیده اند.^۲

با توجه به آنچه ذکر شد، قریب به اتفاق اهل سنت اجمالاً به «مهدویت» اعتقاد داشته و منتظر مهدی موعود از اهل بیت رسول خدا ﷺ و نسل فاطمه زهرا علیها السلام هستند. عبدالمحسن العباد در قسمتی از مقاله خود چنین می آورد:

من بعضی از سخنان اهل علم را در شأن «مهدی»، که در آخر الزمان ظهور می کند، در این جا آوردم تا ثبات و یقین توای خواننده محترم زیاد گردد و مطمئن باشی که اعتقاد به خروج او در آخر الزمان راهی است که همه پیشینیان رفته اند و عدول از آن جایز نیست و بدانی که تکیه گاه اهل علم در این مسأله به احادیث وارده از رسول خدا ﷺ است؛ زیرا این مجال، مجال رأی و اجتهاد نمی باشد [از امور غیبی است] و فقط باید از طریق وحی روشن گردد.^۳

تردیدکنندگان

متأسفانه بعضی از عالمان اهل سنت، مهدی موعود را انکار یا درباره اش تردید کرده اند و احادیث وارده در شأن ایشان را جعلی یا ضعیف پنداشته اند. برخی از آنها عبارتند از:

۱. ابو محمد بن ولید بغدادی با استناد به حدیث منسوب به پیامبر: «لَا مَهْدِيَّ إِلَّا عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ»، وجود مهدی موعود را انکار کرده است. ابن تیمیّه بعد از نقل سخن او، در ردّ وی می گوید:

۱- الامام المهدی عند اهل السنة، ج ۲، ص ۴۴۹.

۲- الاذاعه، سید محمد صدیق حسن، ص ۱۴۵-۱۴۶.

۳- الامام المهدی عند اهل السنة، ج ۲، ص ۴۲۴.

اولاً سند حدیث مذکور ضعیف است و نمی‌تواند با احادیث مهدی موعود معارضه کند و بر آن‌ها غالب گردد. ثانیاً بر فرض صحت با احادیث مهدی موعود از نسل رسول خدا قابل جمع است.^۱

۲. ابن خلدون در صحت احادیث مهدی تردید کرده است. او در مقدمه‌اش می‌گوید:
در طول اعصار و قرون گذشته بین مسلمانان مشهور بوده است که حتماً در آخرالزمان مردی از اهل بیت رسول خدا به نام مهدی ظهور می‌کند و دین را تقویت کرده، عدل را اقامه می‌کند. مسلمانان از او پیروی می‌کنند و بر ممالک اسلامی مسلط می‌گردد و خروج دجال و دیگر علامات قیامت بعد از ظهور و خروج او است و عیسی علیه السلام از آسمان نازل می‌شود و او را یاری می‌دهد و در نماز به او اقتدا می‌کند. تکیه‌گاه مسلمانان در این اعتقاد، احادیثی است که امامان حدیث، در کتاب‌های خود آورده‌اند و منکران نیز درباره این احادیث سخنانی گفته و اخباری معارض آن‌ها مطرح کرده‌اند.^۲

البته خود ابن خلدون پس از ذکر روایات مربوط به حضرت مهدی - با این که وی همه روایات را جمع نکرده و فقط قسمتی را آورده است - تصریح می‌کند بعضی از آن‌ها صحیح و بری از نقد و اعتراضند:

این‌ها مجموعه احادیثی است که امامان حدیث در شأن مهدی و خروج ایشان در آخرالزمان در کتب خود آورده‌اند و این روایات همان‌طور که دیدی از نقد در امان نیستند جز تعداد کمی از آن‌ها.^۳

با توجه به این که مسأله مهدویت از امور غیبی است و برای علم به آن راهی جز نقل نیست، تردید ابن خلدون در این مسأله با اعتراف به وجود تعداد کمی - حتی یک - روایت صحیح در این مورد، بی‌جا می‌باشد.^۴

۳. ابو الاعلی مودودی نیز از جمله کسانی است که روایات مربوط به مهدی را ضعیف دانسته و آن‌ها را مطابق موازین امام بخاری ندانسته و حجت نمی‌شمرد.^۵

۱- الامام المهدی عند اهل السنه، ج ۲؛ ص ۴۲۴، برای توجیه جمع گفته‌اند: منظور از «لَا مُهْدِيَّ إِلَّا عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ» یعنی «لَا مُهْدِيَّ كَامِلًا مَعْصُومًا إِلَّا عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ»، همان، ص ۴۱۱.

۲- تاریخ ابن خلدون، ج ۱، ص ۲۶۰. ۳- همان، ص ۲۶۹.

۴- ایرادهای زیاد دیگری بر ابن خلدون گرفته‌اند که از ذکر آنها صرف نظر کردیم. ر.ک. الامام المهدی عند اهل السنه، ج ۲، ص ۴۲۴-۴۲۶. ۵- الامام المهدی عند اهل السنه، ج ۲، ص ۴۲۷.

۴. رشید رضا نیز با اعتماد بر کلام ابن خلدون، احادیث وارده در شأن مهدی را ضعیف شمرده، همه آنها را جعل شیعه می‌داند^۱ و حال آن‌که هر دو دلیل او باطل است. اولاً همه عالمان اهل سنت و از جمله ابن خلدون حداقل به صحت بعضی از روایات مربوط به مهدی گواهی داده‌اند و ثانیاً کتب روایی معتبر اهل سنت از صدر اسلام تا کنون این روایات را با اسناد معتبر و از غیر طریق شیعه نقل کرده‌اند.

۵. فرید وجدی صاحب دایرةالمعارف قرن بیستم نیز احادیث وارده در شأن مهدی را جعلی می‌داند.^۲ عبدالمحسن عباد در رد او گوید:

وقتی فرید وجدی احادیث وارده در شأن دجال را با همه کثرت آن‌ها و وجودشان در صحیحین، جعلی و از اساطیر می‌داند، پس جعلی دانستن احادیث وارده در شأن مهدی از نظر او اولی است؛ زیرا غالب آن‌ها در غیر صحیحین وارد شده‌اند.^۳

۶. احمد امین مصری نیز در کتاب ضحی الاسلام مهدویت را از اختراعات شیعیان دانسته است و اظهار می‌کند:

آن‌ها وقتی خلافت را از دست دادند با جعل این روایات به پیروانشان روحیه می‌دادند و اذهان ساده نیز در جهان اسلام این روایات را قبول کرد و نقل نمود.^۴

وقتی احمد امین همه امامان حدیث سنی و عالمان آن‌ها را در طول تاریخ افراد ساده‌ای می‌شمرد که فریب‌گرو و جعل حدیث را می‌خورند، دیگر لزومی برای جوابگویی به ادعای او وجود ندارد.

این، اسامی افرادی بود که در طول تاریخ اسلام احادیث مربوط به مهدی را انکار و یا در آن تردید کرده‌اند و مخالفت این عده قلیل در مقابل اتفاق قاطبه عالمان اهل سنت در طول تاریخ آن هم بدون استناد محکم نقلی یا عقلی هیچ ضرری به این اتفاق نظر در مورد اعتقاد به مهدی آخرالزمان نمی‌زند و باید با کلام محکم و قاطع گفت که: اعتقاد به مهدی اهل بیت که در آخرالزمان ظهور می‌کند از صدر اسلام تا به حال در بین اهل سنت مشهور بوده و عالمان و محدثان و مفسران سنی بر صحت آن تأکید ورزیده‌اند.

۱- همان، ص ۴۵۴.

۲- دایرةالمعارف قرن بیستم، فرید وجدی، ج ۱۰، ص ۴۸۰-۴۸۱.

۳- الامام المهدی عند اهل السنه، ج ۲، ص ۴۵۵.

۴- همان، ص ۴۵۹ به نقل از ضحی الاسلام، ج ۳، ص ۲۴۱-۲۴۵.

پاسخ به دو مطلب

مطلب اول: چرا احادیث مربوط به مهدی (عج) در صحیحین نیامده است و آیا این نیامدن دلیل بر عدم اعتبار آنها نیست؟ دلیل عمده افراد فوق برای انکار یا تضعیف احادیث مربوط به مهدی (عج)، نبودن این روایات در صحیحین است. آنها می‌گویند اگر این روایات صحیح و معتبر بود، در صحیحین می‌آمد.

در جواب گفته شده: اولاً؛ مضمون روایات مهدی (عج) به صورت اجمال در صحیحین آمده است.^۱ آنچه در شأن مهدی (عج) در صحیحین آمده به شرح زیر است:

۱. بخاری در صحیح در باب نزول عیسی علیه السلام از ابوهریره از رسول خدا نقل می‌کند:

كَيْفَ أَنْتُمْ إِذَا نَزَلَ ابْنُ مَرْيَمَ فِيكُمْ وَإِمَامُكُمْ مِنْكُمْ.^۲

چگونه خواهید بود آن‌گاه که فرزند مریم در بین شما نازل شود و امام شما از خودتان باشد؟

۲. مسلم در صحیح در کتاب ایمان همین حدیث را نقل می‌کند و باز از ابی هریره از رسول خدا

نقل می‌کند:

كَيْفَ أَنْتُمْ إِذَا نَزَلَ فِيكُمْ ابْنُ مَرْيَمَ فَأَمَّكُمْ مِنْكُمْ.^۳

چگونه خواهید بود آن‌گاه که فرزند مریم در بین شما نازل شود و فردی از خودتان امامت

کند؟

۳. مسلم در صحیح از جابر از رسول خدا نقل می‌کند:

لَا تَزَالُ طَائِفَةٌ مِنْ أُمَّتِي يُقَاتِلُونَ عَلَى الْحَقِّ ظَاهِرِينَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ قَالَ فَيَنْزِلُ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَيَقُولُ أَمِيرُهُمْ تَعَالَى صَلِّ لَنَا فَيَقُولُ لَا إِنْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ أَمْرًا تَكْرِمَةً لِلَّهِ هَذِهِ الْأُمَّةُ.^۴

بیوسته طایفه‌ای از امت من در راه حق پیکار می‌کنند تا روز قیامت پس عیسی بن مریم

نازل می‌شود و امیر آن گروه مؤمن به او می‌گوید: بیایید برای ما اقامه نماز کنید (امام

جماعت باشید). حضرت عیسی جواب می‌دهد: نه، بعضی از شما باید بر بعضی امیر باشد؛

زیرا خداوند می‌خواهد این امت را گرامی بدارد.

۱- ر.ک: موسوعة اطراف الحديث النبوی الشریف، ج ۶ ص ۵۲۰؛ الامام المهدي عند اهل السنة، ج ۲، ص ۴۵۹.

۲- صحیح البخاری، ج ۴، ص ۲۰۵، باب نزول عیسی بن مریم علیه السلام از کتاب الانبیاء، دار احیاء التراث العربی.

۳- صحیح مسلم، ج ۲، ص ۱۰۱، جزء اول، ص ۹۴، صحیح مسلم بشرح النُّووی، ج ۲، ص ۱۹۳.

۴- صحیح مسلم، ج ۲، ص ۱۰۱، جزء اول، ص ۹۴؛ فیض القدیر، ج ۵، ص ۵۸.

عبدالمحسن العباد گوید: این احادیث بر دو مطلب دلالت صریح دارد:

اول - هنگام نزول عیسی مردی از مسلمانان متولی امور آنان است.

دوم - این که آن امیر از عیسی طلب می‌کند که امامت جماعت را عهده‌دار شود، دلالت بر ایمان و صلاح آن امیر دارد. بنابراین در این روایت گرچه به لفظ «مهدی» تصریح نکرده، ولی صفت «مهدی» و «هدایت یافتگی» را برای آن امیر اثبات نموده است.

ثانیاً: در کتب سنن و مسانید، احادیث فراوانی در شأن مهدی وارد شده که بسیاری صحیح و حسن هستند و وقتی در کنار این‌ها قرار گیرند به خوبی برای ما روشن می‌گردد که آن احادیث ناظر به همین احادیث هستند و نام «مهدی» مربوط به همین امیر است؛ چون در آن احادیث هم بر امارت مهدی از مسلمانان و از اهل بیت و نسل فاطمه و هم بر نزول عیسی در آن زمان و طلب مهدی از او برای امامت و جواب عیسی تصریح شده و همگی مؤید این معنا می‌باشند.

ثالثاً: این که حدیثی در صحیحین ذکر نشده باشد، دلیل بر ضعف آن حدیث نیست؛ زیرا آن‌ها نه خودشان مدعی بوده‌اند که تمام احادیث صحیح را جمع آوری کرده‌اند و نه کسی چنین ادعایی درباره آن‌ها کرده است و عالمان حدیث اهل سنت در طول تاریخ اسلام در مقام عمل و گفتار بر این مطلب تأکید کرده‌اند و سند بسیاری از اعتقادات و احکام، احادیث صحیحی است که در غیر صحیحین موجود می‌باشد. یکی از کتاب‌های حدیثی معروف در بین اهل سنت «المستدرک علی الصحیحین» از حاکم نیشابوری است. ایشان احادیثی را که بنا بر شرط بخاری و مسلم یا یکی از آنان صحیح بوده؛ ولی در کتاب آنها نیست، جمع آوری کرده است.^۱

با توجه به مطالب یاد شده معلوم شد که نیامدن تفصیلی احادیث مهدی در صحیحین دلیل بر عدم حجیت و تضعیف آن‌ها نمی‌باشد.

مطلب دوم - یکی از دلایل افرادی که در احادیث مربوط به مهدی (عج) تردید کرده‌اند این است که اعتقاد به مهدی از اهل بیت که در آخر الزمان ظهور می‌کند، جزو اعتقادات اهل سنت نیست و در هیچ کتاب اعتقادی‌ای ذکر نشده است.

در جواب این شبهه گفته‌اند یکی از اعتقادات اهل سنت و حدیث، تصدیق اخباری است که از رسول خدا ﷺ به طریق صحیح نقل شده است و از آن جمله اخبار مهدی (عج) می‌باشد. سفارینی از عالمان بزرگ اهل سنت در کتاب عقیده‌اش گفته:

۱- المستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری، ج ۱، ص ۳.

ایمان به خروج مهدی واجب است و این مطلب در نزد اهل علم، مقرر و در کتب عقاید اهل سنت و جماعت، مدون است.^۱

چند نکته مورد اختلاف

تا این جا روشن شد که قاطبه عالمان اهل سنت احادیث وارده در شأن مهدی را حجت دانسته و اعتقاد به مهدی از اهل بیت را که در آخرالزمان خروج می‌کند و عدل و داد را گسترش می‌دهد لازم می‌دانند.

ولی چند مطلب درباره حضرت مهدی (عج) مورد اختلاف واقع شده است از جمله:
نکته اول: شیعه معتقد است مهدی موعود (عج) فرزند امام حسن عسکری است که در سال ۲۵۵ هـ. ق تولد یافت و هنگام شهادت پدرش در سال ۲۶۰ هـ. ق، پنج ساله بود. ایشان در کودکی عهده‌دار امامت شد و از آن پس مخفیانه زندگی کرد. فقط افراد معدود و مخصوصی - نایبان و سفیران - می‌توانستند با ایشان تماس بگیرند و بعد از مدتی این ارتباط محدود نیز قطع شد و زندگی کاملاً مخفی آن امام شروع شد و هنوز ادامه دارد. گرچه ایشان در این مدت طولانی افراد بسیاری را به حضور پذیرفته است، ولی هیچ کس حق ندارد خود را سفیر یا وکیل ایشان معرفی کند و یا مدعی رساندن دستور و تکلیفی از ایشان باشد. این زندگی مخفی ادامه دارد تا روزی که خداوند او را به ظهور فرمان دهد و آن روز ایشان خروج کرده و ریشه ظلم و ستم را خواهد کند و عدل را در گستره زمین، حاکم خواهد کرد.

بسیاری از عالمان اهل سنت از گذشته تا کنون در این اعتقاد با شیعه همراه بوده و هستند. نویسنده کتاب «منتخب الاثر» نام ۶۸ نفر و کتاب «نگاهی تحلیلی به زندگانی حضرت مهدی (عج)» نام ۱۰۱ نفر از عالمان بزرگ اهل سنت را ذکر می‌کند که معتقدند «مهدی» همان فرزند امام حسن عسکری است که متولد شده و اینک مخفیانه زندگی می‌کند و روزی که اراده خدا تعلق بگیرد، ظهور خواهد کرد؛ از جمله:

قاضی فضل بن روزبهان

شیخ احمد جامی

عطار نیشابوری

۱- المهدی عند اهل السنه، ج ۲، ص ۴۵۴.

جلال الدین رومی

صلاح الدین صفدی

قاضی بهلول بهجت افندی؛ مؤلف کتاب «المحاكمة في تاريخ آل محمد ﷺ»

شمس تبریزی (شیخ مولوی)

ابن خلکان؛ مؤلف وفيات الاعیان

سید شبلنجی؛ مؤلف نورالابصار

سیوطی

شاه ولی الله دهلوی

بیهقی؛ صاحب شعبات الايمان

یاقوت حموی؛ صاحب معجم البلدان

شیخ سلیمان قندوزی شافعی؛ صاحب ینابیع المودة

محمی الدین ابن عربی

و...

ولی در بین عالمان اهل سنت نظرهای دیگری نیز بوده یا هست، از جمله:

اول - بعضی با استناد به سخنی منسوب به پیامبر «لَا مَهْدِيَّ إِلَّا عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ» مهدی موعود را همان عیسی عليه السلام دانسته‌اند. باطل بودن این قول کاملاً آشکار است و مخالفت آن با احادیث فراوان و متواتر وارد شده در شأن مهدی از خاندان پیامبر، واضح می‌باشد و روایت مذکور که مورد استناد آنان واقع شده از لحاظ «سند» و «متن» خدشه دارد و قابل ملاحظه نیست.

دوم - بعضی «مهدی عباسی» را مصداق این روایات دانسته‌اند، ولی این نیز صحیح نیست. گرچه اخباری در کتب اهل سنت نقل شده که مهدی از نسل عباس بن عبدالمطلب است، ولی جعلی بودن این اخبار نیز واضح است به عنوان مثال خبری از رسول خدا نقل شده که به عمویش عباس فرمود:

آیا مژده ندهم تو را که از نسل تو برگزیدگان هستند و از عترت تو خلفا هستند و مهدی آخرالزمان که خداوند به وسیله او هدایت را نشر می‌دهد، از نسل تو است.^۱
چنان که در این نقل نیز آمده مهدی موعود در آخرالزمان ظهور می‌کند و حال آن که مهدی

۱- الامام المهدی عند اهل السنة، ج ۲، ص ۱۰، به نقل از «لوائح الانوار البهية»، شیخ محمد سفارینی.

عباسی دورانش تمام شده است؛ گرچه از نظر عالمان اهل سنت او خلیفه خوبی بوده، ولی نمی‌توان وی را جزو خلفای عادل و راشد شمرد. دیگر این که در بین فرزندان عباس بن عبدالمطلب کسانی که بتوان آنان را «اصفیای خدا» نامید، شناخته نمی‌شود. روایات صحیح دلالت دارد که مهدی از نسل فاطمه علیها السلام است و با وجود آن روایات نمی‌توان به این نقل‌ها اعتنا کرد.

سوم - بنا بر بعضی نقل‌های ثبت شده در کتب عامه، مهدی از نسل امام حسن علیها السلام و پدرش همانم پدر رسول خدا (یعنی عبدالله) است. جعلی بودن این روایات نیز آشکار است؛ زیرا روایات صحیح دلالت بر این دارد که او از نسل امام حسین علیها السلام و نام پدرش حسن و دوازدهمین امام است. دقت در تاریخ اسلام، جعلی بودن این نقل‌ها و علت جعل آن‌ها را آشکار می‌کند. یکی از کسانی که به عنوان مهدی موعود در تاریخ معرفی شد و پیروان او می‌خواستند با استناد به روایات مربوط به مهدی، مردم را به سوی او جلب کنند، محمد بن عبدالله از نوادگان امام حسن مجتبی علیها السلام و معروف به «نفس زکّیه» بود. او که در زمان سقّاح و منصور عباسی قیام کرد، از طرف پیروانش به عنوان مهدی موعود معرفی شد؛ زیرا هم‌نام رسول خدا بود. مخالفان شیعه و پیروان او در روایات دست بردند «وَ اِسْمُ اَبِيهِ اِسْمُ اَبِي = نام پدرش، نام پدر من (عبدالله) است»^۱ را در روایات مربوط به مهدی افزودند و روایاتی نیز جعل کردند مبنی بر این که مهدی موعود از نسل امام حسن مجتبی است تا بتوانند روایات را بر محمد بن عبدالله فرزند حسن مثنی فرزند امام حسن مجتبی تطبیق کنند.

آنان که مهدی را از نسل امام حسن علیها السلام می‌دانند، توجیهی برای آن ذکر می‌کنند که شنیدنی است. ابن قَیِّم گوید:

سرّ این که مهدی از نسل امام حسن است، این می‌باشد که امام حسن به خاطر خدا خلافت را رها کرد و خداوند نیز به پاداش، در نسل او کسی را قرار داد که خلافت را به عهده گیرد و زمین را پر از عدل و داد کند و این سنت خداست که هر کس چیزی را به خاطر خدا رها کند خداوند به ذریه او بهتر از آن را عطا می‌کند، ولی امام حسین بر خلافت حریص بود و به خاطر رسیدن به آن جنگید، ولی به آن نرسید.^۲

۱ - عبارت منقول این چنین است:

«يُؤَاطِيءُ اِسْمَهُ اِسْمِي وَ اِسْمُ اَبِيهِ اِسْمُ اَبِي». برای پی بردن به وجه مردود بودن این نقل ر. ک: منتخب الاثر، ص ۲۳۱ - ۲۳۵.

۲ - المنار المنيف في الصحيح والضعيف، ابن قَیِّم الجوزي، ص ۱۵۱.

چنین داوریهایی نسبت به ذریهٔ رسول خدا از افرادی که به شأن آن‌ها علم نداشتند یا انکار می‌کردند، بعید نیست.

البته در نقلی از رسول خدا خطاب به فاطمه زهرا علیها السلام آمده است:

ای فاطمه! قسم به آن کس که مرا به حق فرستاد، مهدی این امت از نسل حسن و حسین است.^۱

این نقل توجیه صحیحی دارد؛ زیرا دختر امام حسن مجتبی علیه السلام به نام فاطمه با امام زین العابدین پسر امام حسین علیه السلام ازدواج کرد و ثمرهٔ آن ازدواج امام باقر علیه السلام بود. حضرت مهدی نیز از نسل امام باقر علیه السلام است؛ پس او از نسل امام حسن و امام حسین علیهما السلام است.

نکتهٔ دوم: گروهی از اهل سنت معتقدند او هنوز متولد نشده و در آینده متولد خواهد شد. ابن ابی الحدید گوید:

در نزد ما معتزلی‌ها او هنوز متولد نشده و در آینده متولد خواهد شد.^۲

این افراد هیچ دلیل معتبری بر متولد نشدن امام زمان در گذشته و تولد ایشان در آینده ندارند؛ زیرا ولادت امام یک مسأله پنهانی و غیر عقلی است و راهی برای علم به آن جز از راه اخبار افراد صادق و عادل یا مشاهده مولود وجود ندارد. آنچه دلیل عقلی اقتضا می‌کند، محال نبودن عمر طولانی است. البته انسان‌ها امور غیر عادی را بعید می‌شمرند، ولی عقل، آن‌ها را محال نمی‌داند. این که فرزند متولد شده در سال ۲۵۵ ه. ق عمری طولانی و بیش از چند صد سال خواهد کرد و یا این که منجی آخرالزمان عمر طولانی نداشته و در آخرالزمان به دنیا خواهد آمد، امور عقلی نیستند تا برای اثبات یا نفی آن‌ها دلیل عقلی بیاوریم و راهی جز استناد به نقل صحیح نداریم. شیعه و همفکران با او با توجه به حکم عقل به محال نبودن عمر طولانی و با توجه به احادیث فراوان و مورد اعتماد از رسول خدا و نقل متواتر عالمان در طول تاریخ اسلام، بر این عقیده‌اند که مهدی موعود همان فرزند امام عسکری است که در سال ۲۵۵ ه. ق متولد شد و بعد از پدرش به صورت پنهانی زندگی کرد و افراد معین و محدودی با ایشان ارتباط داشتند و پس از آن مدت نیز مطابق آنچه رسول خدا و امامان پیشین خبر داده بودند، زندگی کاملاً مخفی خود را آغاز کرد و به فرمان خدا، همهٔ ارتباط‌های منظم و معین خود را با افراد قطع کرد تا آن‌گاه که خداوند او را امر به ظهور کند، ولی منکران این مطلب فقط به این دلیل که زندگی طولانی بعید است، تولد امام زمان را

۱- الاذاعه، ص ۱۳۶.

۲- شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۲۸۱.

انکار کرده، معتقدند مهدی در آینده متولد خواهد شد. تفتازانی از علمای بزرگ اهل سنت می‌گوید:

شیعه گمان می‌کند مهدی موعود همان محمد بن حسن عسکری است که به جهت در امان ماندن از دشمنان، زندگی مخفی را در پیش گرفت و طولانی بودن عمر ایشان محال نیست، همان‌طور که نوح، لقمان و خضر علیهم‌السلام عمر طولانی داشته‌اند. سایر فرقه‌های مسلمان این مطلب را منکرند؛ زیرا این ادعای چیز جدّاً بعیدی است و ما در بین افراد این امت کسی را سراغ نداریم که چنین عمر طولانی داشته باشد و دلیل و اماره و اشاره‌ای هم بر آن از جانب رسول خدا اقامه نشده است. واقعاً بعید است کسی این مدت طولانی از مردم پنهان باشد؛ به طوری که هیچ خبری از او نباشد.^۱

همان‌طور که مشاهده می‌کنید، دلیل اینان فقط استبعاد است و حتی ادله فراوان وارد شده از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امام علی علیه‌السلام مبنی بر غیبت امام دوازدهم را نیز انکار می‌کنند و توجیه ناصحیح می‌نمایند. جوینی در فرائد السمطین از رسول خدا نقل می‌کند که فرمود:

مهدی (عج) از نظر خلقت و اخلاق شبیه‌ترین مردم به من است و او یک دوران غیبت و سرگردانی دارد که در آن دوران امت‌هایی گمراه می‌شوند.^۲

امام علی علیه‌السلام در یکی از خطبه‌های نهج البلاغه، ضمن اشاره به پیش آمدهای آینده می‌فرماید: ای مردم! وقت است که هر وعده نهاده درآید و آنچه را نمی‌شناسید (از پرده) برآید. هر که از ما (اهل بیت) بدان رسد، با چراغی روشن در آن راه رود و بر جای پای صالحان گام نهد تا بند (از گردن‌ها) بگشاید و از بندگی آزاد نماید. جمع (گمراهان) را پراکنده گردانند و پریشانی (مؤمنان) را به جمعیت کشانند و نهان از مردمان (کار راند). پی‌شناس به نشان او راه نبرد هر چند پیاپی نگرند...^۳

این خطبه به وضوح دلالت دارد که فردی از اهل بیت از پس پرده غیبت به هدایت و دستگیری مؤمنان همت دارد و با توجه به ادله و قراین دیگر معلوم می‌شود منظور امام، مهدی موعود (عج) می‌باشد. ابن ابی الحدید در شرح این خطبه متوجه این مطلب شده و در پی توجیه آن

۱ - شرح مقاصد، سعدالدین تفتازانی، ج ۵، ص ۳۱۳. ۲ - فرائد السمطین، جوینی، ج ۲، ص ۳۳۵.
۳ - نهج البلاغه، ترجمه دکتر شهیدی، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، خطبه ۱۵۰، ص ۱۴۶؛ المسترشد، طبری، ص ۷۴.

مطابق عقاید خودش برمی آید. او می نویسد:

این کلام [فی ستره عن الناس] دلالت دارد که این شخص مورد اشاره پنهان و مخفی از مردم است و این کلام به درد امامیه نمی خورد گر چه آنان آن را تصریحی بر اعتقاد خود گمان کرده اند؛ زیرا جایز است که این امام را خداوند در آخر الزمان خلق کند و مدتی از مردم مخفی باشد و مأموران تبلیغی او در این مدت مردم را به سوی او دعوت کنند و بعد از پیشرفت کارش، ظاهر شود...^۱

در کلام دیگری امام علی علیه السلام می فرماید:

فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ ضَرَبَ يَعْسُوبُ الدِّينِ بِذَنْبِهِ فَيَجْتَمِعُونَ إِلَيْهِ...^۲

آن گاه که چنین شود [اشاره به مطلبی که امام فرموده و ثبت نشده است] آن آقای بزرگ و پیشوای دین، مستقر و پا بر جا گردد و (مؤمنان) به دورش اجتماع کنند...
ابن ابی الحدید در شرح این کلام نیز مانند قبل به دلالت حدیث بر غیبت امام اقرار می کند و آن گاه به توجیه برمی خیزد. او می گوید:

معنای «ضَرَبَ بِذَنْبِهِ» یعنی بعد از زمانی که استقرار نداشت و هر روز در جایی بود، استقرار یابد؛ زیرا «يعسوب» به معنای پادشاه زنبور عسل است که بیشتر ایام در پرواز است و آن گاه که دُمش را به زمین بزند، پرواز و سیر را رها کرده و استقرار می یابد.

این کلام مانند مذهب امامیه است که معتقدند مهدی به خاطر خوف از حاکمان ظلم و جور، در جایی استقرار ندارد، بلکه به صورت سیار زندگی می کند تا آخر الزمان که ظهور کند و استقرار یابد، ولی مطابق مذهب ما بعید نیست. امام مهدی که در آخر الزمان ظهور می کند، در ابتدا هنوز کارش استوار نشده و از این رو در جایی استقرار ندارد تا این که بعد از مدتی حکومتش تثبیت شود.^۳

نکته سوم: شیعه و بسیاری از عالمان اهل سنت^۴ به عصمت امامان و از جمله مهدی موعود معتقدند. ابن سیرین تصریح می کند که مهدی بر خلیفه اول و دوم و حتی بر بعضی انبیا فضیلت دارد.^۵

۱- شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۹، ص ۱۲۸.

۲- نهاییه، ابن اثیر، ج ۲، ص ۱۷۰؛ نهج البلاغه، فیض الاسلام، ص ۲۰۲.

۳- شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۱۹، ص ۱۰۵.

۴- از جمله آنان محمد بن طلحه شافعی نویسنده مطالب السؤال، سبط ابن جوزی نویسنده تذکرة الخواص، ابن حجر در الصواعق المحرقة و...
۵- الامام المهدی عند اهل السنه، ج ۱، ص ۵۰۶.

بعضی از روایاتی که از طریق اهل سنت وارد شده و بر عصمت آن حضرت دلالت دارد عبارتند از:

۱. امام زمان (عج)، در روایات به «مهدی» و «هدایت شده» لقب یافته که به صورت مطلق و بی قید و شرط فقط درباره معصوم علیه السلام معنا دارد. قرآن می فرماید:

الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ.^۱

آنان که ایمان آوردند و ایمان خود را با ظلم (کفر و شرک نیالودند)، آنان در امان و راه یافته‌اند.

وقتی رسول خدا که قرآن ناطق است، فرزندش را بدون قید و شرط «مهدی» لقب می‌دهد، معلوم است که با این لقب دادن بر عصمت او اشاره و بلکه تصریح دارد.

۲. در روایات، رسول خدا مهدی را «خَلِيفَةُ اللَّهِ»^۲ خوانده است که جز معصوم کسی نمی‌تواند باشد.

یکی از عالمان اهل سنت چنین می‌نویسد:

از دلایل برتری مهدی (بر دو خلیفه اول و دوم) این است که رسول خدا او را «خَلِيفَةُ اللَّهِ» نامید و حال آن که به ابوبکر خدا کثر «خَلِيفَةُ رَسُولِ اللَّهِ» گفته می‌شود.^۳

۳. رسول خدا فرمود: «الْمَهْدِيُّ يُقْفُو آثَرِي»^۴ مهدی رد مرا پیروی می‌کند. «محمی الدین بن عربی» می‌گوید:

مهدی موعود، شریعت محمدی را از مَلَك به الهام می‌گیرد و مطابق آن حکم می‌کند و همچنان که حدیث «الْمَهْدِيُّ يُقْفُو آثَرِي» دلالت دارد، معصوم از خطاست.^۵

۴. در روایات تأکید شده که «الْمَهْدِيُّ مِنِّي»^۶، «الْمَهْدِيُّ مِنْ عَثْرَتِي»^۷ یا «مِنْ أَهْلِ بَيْتِي»^۸ و این تأکیدها دلالت دارد که مهدی (عج) معصوم است؛ زیرا همچنان که رسول خدا معصوم است، هر کس از اوست نیز معصوم است و در جای خود ثابت شده که اهل بیت معصومند و آیه تطهیر بهترین شاهد بر طهارت اهل بیت است.

۵. در نقلی وارد شده که «يَرْضَى عَنْهُ سَاكِنُ السَّمَاءِ وَ سَاكِنُ الْأَرْضِ» = ساکنان آسمان و زمین از

۱- انعام (۶)، آیه ۸۲ ۲- سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۲۳، حدیث ۴۰۸۴.

۳- الاثاعه لا شراط الساعه، شریف برزنجی، ص ۱۱۳. ۴- الامام المهدی عند اهل السنه، ج ۲، ص ۳۸.

۵- همان. ۶- سنن ابو داود، ج ۴، ص ۱۰۷.

۷- همان. ۸- همان.

او راضی می‌شوند». اگر چه ساکنان زمین و آدمیان ممکن است که از کسی راضی باشند که معصوم نیز نباشد، ولی ملائکه و ساکنان آسمان چون به باطن علم دارند از کسی که ذره‌ای شرک در وجود او باشد و مرتکب ظلمی اگر چه کوچک شده باشد؛ راضی نخواهند بود. پس رضایت مطلق ساکنان آسمان از امام مهدی (عج) دلیل عصمت اوست.

۶. رسول خدا فرمود: «مهدی شبیه‌ترین مردم به من است از حیث خلقت و اخلاق»^۲ این حدیث نیز به خوبی بر عصمت آن جناب دلالت دارد.

۷. رسول خدا فرمود: من، علی، حسن، حسین و نه نفر از نسل حسین مطهر و معصوم هستیم.^۳
۸. روایات فراوانی دلالت دارد که عیسی علیه السلام به مهدی موعود اقتدا می‌کند^۴ و خود این مطلب به وضوح دلالت بر معصوم بودن مهدی (عج) دارد چون صحیح نیست خداوند پیامبر معصومش را موظف کند به فردی غیر معصوم اقتدا کند.

۹. این که درباره امام مهدی در روایات فراوان وارد شده که ایشان جهان را پر از عدل و داد می‌کند، خود دلیل محکمی بر عصمت ایشان است؛ زیرا کسی که معصوم نیست هر چند فرد مؤمن و عادل نیز باشد، ولی چون معصوم نیست، خطا و اشتباه از او سر می‌زند و عبارت «يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا»^۵ سزاوار او نخواهد بود، ولی پر کردن زمین از قسط و عدل فقط از جانب حاکمیت معصوم است.

نکته چهارم: آیا مهدی علیه السلام از عیسی علیه السلام برتر است؟ روایات ثبت شده در کتب اهل سنت، صراحت دارد حضرت عیسی بعد از نزول به امام مسلمانان یعنی مهدی موعود اقتدا می‌کند و خود این بهترین دلیل بر فضیلت و برتری حضرت مهدی است. برخی عالمان اهل سنت به عللی نخواستند این فضیلت حضرت مهدی را بپذیرند و چون هیچ دلیل محکم و متقنی نیافته‌اند به توجیهاست سستی متوسل شده‌اند. مثلاً گفته‌اند ابتدا حضرت عیسی به مهدی اقتدا می‌کند تا نشان دهد که بر دین جدّ اوست و پس از آن حضرت مهدی به حضرت عیسی علیه السلام اقتدا می‌کند.^۶ این توجیهاست بدون استناد، باطل است و نمی‌توان به آن‌ها توجه کرد. این که آیا عیسی امام می‌شود یا

۱- مسند الامام احمد بن حنبل، ج ۳، ص ۳۷، دار صادر بیروت.

۲- فرائد السمطين، ج ۱۲، ص ۳۳۵.

۳- فرائد السمطين، ج ۲، ص ۳۱۳.

۴- بعضی از این روایات در ادامه خواهد آمد.

۵- سنن، ابی داود، ج ۴، ص ۱۰۷، حدیث ۴۲۸۲.

۶- الامام المهدی عند اهل السنه، ج ۲، ص ۴۶۴، ردیه شیخ عبدالمحسن العباد بر منکران حضرت مهدی (عج) به نقل از شیخ علی قاری از علمای اهل سنت.

مهدی علیه السلام؟ نیز امری غیبی است و جز نقل راهی برای علم به آن وجود ندارد. روایات صراحت دارد که عیسی به مهدی اقتدا می‌کند و زبان روایات نیز زبان مدح و تفضیل است و این با مأموم واقع شدن مهدی بعد از مثلاً نماز اول نمی‌سازد. به روایات زیر توجه کنید:

مِنَّا الَّذِي يُصَلِّي عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ خَلْفَهُ.^۱

از ماست آن شخص که عیسی بن مریم پشت سر او نماز می‌گزارد.

هُوَ الَّذِي يَتَقَدَّمُ عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ.^۲

او کسی است که بر عیسی بن مریم امامت می‌کند.

سُدی می‌گوید:

يَجْتَمِعُ الْمَهْدِيُّ وَعِيسَى بْنُ مَرْيَمَ فَيَجِيءُ وَقْتُ الصَّلَاةِ فَيَقُولُ الْمَهْدِيُّ لِعِيسَى: تَقَدَّمْ فَيَقُولُ عِيسَى: أَنْتَ أَوْلَى بِالصَّلَاةِ فَيُصَلِّي عِيسَى وَرَأَاهُ مَأْمُومًا.^۳

مهدی و عیسی بن مریم با هم مجتمع می‌شوند و وقت نماز فرا می‌رسد، مهدی به عیسی می‌فرماید: پیشقدم شو (و نماز بگزار) و عیسی می‌فرماید: شما بر نماز گزاردن اولی هستی، پس عیسی پشت سر او به عنوان مأموم نماز می‌گزارد.

امامت امام مهدی (عج) بر عیسی بن مریم علیه السلام از مسلمات حدیث است و حتی در صحیحین همچنان که گذشت با این که نام امام نیامده، ولی امامت ایشان مورد تأکید واقع شده است. در احادیث حتی علت تقدّم حضرت نیز بیان شده است و آن کرامت خاصی است که به رسول خدا و اهل بیت ایشان عطا شده است؛^۴ به طوری که کسی دیگر نمی‌تواند بر اهل بیت امام باشد و حتماً امام بر اهل بیت باید از خودشان باشد.

گفتنی است احادیث وارده در شأن مهدی علیه السلام در کتب اهل سنت - همچنان که خواهید دید - مجموعه‌ای است که اگر با هم و در کنار هم مورد ملاحظه قرار گیرند، هر حدیثی فراز و نقطه‌ای را روشن می‌کند و مطالب زیر از آنها به دست می‌آید:

۱. جانشینان رسول خدا دوازده نفرند که تا قیامت جانشینی ایشان را عهده دار هستند.
۲. اولین جانشین رسول خدا امام علی علیه السلام و آخرین آنها حضرت مهدی است.
۳. حضرت مهدی از فرزندان فاطمه زهرا و از نسل حسین بن علی است.

۱- الامام المهدی عند اهل السنه، ج ۲، ص ۸۸

۲- همان.

۳- تذکره الخواص، سبط ابن جوزی، ص ۳۶۴

۴- صحیح مسلم، ج ۲- ۱، جزء اول، ص ۹۴

۴. فرزند امام حسن عسکری است.
 ۵. از اهل بیت و معصوم است.
 ۶. نام و کنیه او، نام و کنیه رسول خداست.
 ۷. دارای غیبتی است که مدت آن را جز خدا کسی نمی داند.
 ۸. پس از غیبتی طولانی و پر شدن جهان از ظلم و ستم ظهور کرده، آن را از عدل و داد سرشار می سازد.
 ۹. حضرت عیسی علیه السلام به یاری ایشان فرود آمده، به وی اقتدا می کند.
- مطالب یاد شده از روایات مکتوب در کتب معتبر اهل سنت به خوبی آشکار است و غالب عالمان اهل سنت بر آنها اعتقاد دارند. در بخش های بعد نمونه هایی از این روایات ذکر خواهد شد.

فصل سوم

ویژگی های حضرت مهدی (عج)

بعد از آن که دانستیم زمامدار و دادگستر آینده جهان، حضرت «مهدی» است، لازم است با خصوصیات و ویژگی های ایشان بیشتر آشنا شویم.

نام

نام ایشان به اتفاق شیعه و سنی «م ح م د» است. روایات زیادی بر این مطلب تصریح دارد که برای نمونه به دو حدیث از طریق شیعه و سنی اشاره می کنیم.

۱. عبدالله بن عمر می گوید پیامبر ﷺ فرمود:

در آخر زمان مردی از فرزندان من خروج می کند که همانم و هم کنیه من است، زمین را از

عدل و داد پر می کند، آن گونه که از ظلم و جور پر شده است و او همان مهدی است.^۱

۲. امام سجاد علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چنین نقل می کند:

اگر از دنیا جز یک روز نمانده باشد، خداوند آن روز را طولانی می کند تا این که مردی از

عترت من بیاید که همانم من است، زمین را از عدل و داد پر می کند، آن سان که از ظلم و

ستم پر شده است.^۲

ممنوعیت بردن نام آن حضرت

اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله از بردن نام حضرت مهدی (عج) در زمان غیبت، منع کرده و توصیه نموده اند که او را با القاب و اسامی دیگرش یاد کنند. این دستور به طور قطع دارای حکمت و مصالحی است، هر چند ما از آن بی اطلاعیم.

۱ - تذکره الخواص، ص ۳۲۵.

۲ - منتخب الاثر، لطف الله صافی گلپایگانی، ص ۱۵۹.

ریان بن صلت می‌گوید: از امام رضا علیه السلام (در حالی که از قائم (عج) سؤال می‌شد) شنیدم که فرمود:

لَا يُرَى جِسْمُهُ وَلَا يُسَمَّى اسْمُهُ^۱

جسمش دیده نمی‌شود و اسمش (همان نام مخصوص) برده نمی‌شود.*

داوود بن قاسم می‌گوید: از امام علی النقی علیه السلام شنیدم که می‌فرمود:

بعد از من جانشین، حسن است، ولی چگونه خواهید بود با جانشین بعد از جانشین؟ گفتم: خدا مرا فدایت کند چرا؟ فرمود: شما شخص او را نخواهید دید و بر شما روانیست که او را به اسمش یادآوری کنید. عرض کردم: پس چگونه او را یاد کنیم؟ فرمود: بگویید «الْحَجَّةُ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ علیه السلام» حجت از آل محمد.^۲

کنیه و القاب

کنیه آن حضرت «ابوالقاسم^۳» و القاب ایشان، بنابر آنچه در روایات بیان شده، عبارتند از: «مهدی»، «قائم»، «منتظر» و «حجت»^۴.

البته القاب و اوصاف زیادی در روایات و دعاها همانند دعای ندبه برای حضرت مهدی (عج) بیان شده است و آنچه ذکر شد، القاب مشهور بود.

باید توجه داشت کاربرد این القاب در مورد آن منجی آسمانی به لحاظ ویژگی‌هایی است که در ایشان وجود دارد. برای نمونه به روایت زیر درباره لقب «قائم» توجه کنید.

ابو خدیجه می‌گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد قائم سؤال شد، فرمود:

كُنَّا قَائِمٌ بِأَمْرِ اللَّهِ وَاحِدٌ بَعْدَ وَاحِدٍ حَتَّى يَجِيءَ صَاحِبُ السَّيْفِ فَإِذَا جَاءَ صَاحِبُ السَّيْفِ جَاءَ بِأَمْرِ غَيْرِ الَّذِي كَانَ.^۵

همه ما یکی بعد از دیگری به امر خدا به‌پا می‌خیزیم تا این‌که صاحب شمشیر بیاید. وقتی او آمد، روش دیگری خواهد داشت.

در روایت دیگری از امام باقر علیه السلام سؤال شد:

۱- اصول کافی، با حواشی علی‌اکبر غفاری، ج ۱، ص ۳۳۳.

*- این عبارت در اصطلاح اصولی، جمله خبریه در مقام انشاء است و منظور این است که نباید اسمش برده شود.

۲- همان.

۳- منتخب الاثر، ص ۱۸۲.

۴- ر.ک: بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۳۰.

۵- اصول کافی، ج ۱، ص ۵۳۶.

مگر همه شما قیام کننده به حق نیستید؟

امام فرمود: آری.

راوی پرسید: پس چرا (فقط) قائم (امام منتظر عج)، قائم نامیده شده است؟

امام فرمود:

آن گاه که جدم حسین - صلوات خدا بر او باد - کشته شد؛ ملائکه به درگاه خدا ناله و ضجه زدند و عرض کردند: خدای ما و آقای ما، آیا از اینکه برگزیده‌ات و فرزند برگزیده‌ات و منتخب تو از بین خلقت کشته شده، تغافل می‌کنی (و انتقام نمی‌گیری)؟ خداوند بدانان وحی کرد: ای ملائکه من آرام بگیرید. به عزت و جلالم قسم از قاتلان انتقام می‌گیرم ولی بعد از گذشت مدتی.

آن گاه خداوند امامان از نسل امام حسین علیه السلام را به ملائکه نمایاند ملائکه از مشاهده آنان شادمان شدند و یکی از آنان را در حال قیام نماز دیدند. خداوند عزوجل فرمود: به وسیله آن قائم (ایستاده) از قاتلان انتقام می‌گیرم.^۱

از آن جا که ائمه علیهم السلام همه نور واحد هستند، هر کدام واجد تمام صفات کمال بوده‌اند، ولی در هر کدام از آنان به اقتضای شرایط، یک صفت، ظهور بیشتری داشته و لقبی مناسب آن در ایشان شهرت بیشتری یافته است. از جمله امام زمان (عج) که مانند دیگر امامان برای تحقق امر حق و حکومت جهانی اسلام قیام می‌کند، ولی فقط ایشان موفق به محقق ساختن این اراده خدا و انتقام گرفتن از دشمنان دین می‌شود و ظاهراً از این رو لقب «قائم» در مورد آن حضرت کاربرد بیشتری داشته باشد.

پدر و اجداد

روایات زیادی بیانگر آن است که حضرت مهدی (عج) از اولاد پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام و از تبار امام حسین علیه السلام و نیز بقیه امامان علیهم السلام است؛ از این رو سلسله نسب آن حضرت به ترتیب زیر است:

«حجة بن الحسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین

بن علی بن ابی طالب علیه السلام»

مادر

نام مادر حضرت مهدی (عج) نرجس، دختر یسوعا پسر قیصر پادشاه روم است که بشر بن سلیمان او را به دستور امام هادی علیه السلام از برده فروشی به نام عمر بن یزید برای آن حضرت خرید؛ سپس امام او را به فرزندش بخشید و بدین ترتیب افتخار مادری حضرت مهدی (عج) را پیدا کرد. نرجس دارای اسامی دیگری از قبیل ریحانه، سوسن و صیقل نیز بود.^۱

سال و محل تولد

بنابر قول مشهور بین محدثان و مورخان، حضرت مهدی (عج) در شب نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری قمری در سامرا به دنیا آمد و پدرش غیر از او فرزند دیگری نداشت.^۲ محمد بن علی می گوید: از امام حسن عسکری علیه السلام شنیدم که فرمود:

ولّیّ خدا و حجت او بر بندگانش و خلیفه بعد از من، شب نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری قمری هنگام طلوع فجر، در حالی که ختنه شده بود، متولد شد و نخستین کسی که او را با آب کوثر و سلسبیل (از آب های بهشت) شست و شو داد، رضوان، نگهبان بهشت، با جمعی از فرشتگان مقرب الهی بود...^۳

خصوصیات حمل و ولادت

نرجس دوران بارداری خود را بدون این که آثاری از بارداری در وجود او ظاهر شود سپری کرد؛ از این رو، کسی متوجه حاملگی او نشد، همان گونه که مادر موسی علیه السلام نیز در دوران حاملگی چنین بود؛ زیرا فرعون، شکم زنان حامله را می شکافت و می خواست پیامبری که سلطنت او را سرنگون خواهد کرد، متولد نشود. مادر حضرت مهدی (عج) از این جهت همانند مادر موسی بود^۴ تا این که دوران بارداری اش سپری شد و آن حضرت به دنیا آمد.

حضرت مهدی (عج) در شرایطی پا به عرصه گیتی گذارد که خبر ولادت و غیبتش توسط پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت آن حضرت بارها به مردم داده شده و جامعه اسلامی به ویژه شیعیان به او معتقد گشته بودند.

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲- ۱، ص ۴۳۲. ۲- ارشاد، شیخ مفید، ص ۳۴۶.

۳- منتخب الاثر، ص ۳۲۰.

۴- ر.ک: تاریخ الغیبة الصغری، سید محمد صدر، ج ۱، ص ۲۶۲.

در همان عصری که امام هادی و امام حسن عسکری علیهما السلام از غیبت فرزندشان حضرت مهدی (عج) سخن می‌گفتند، صاحبان کتب صحاح، بخاری، مسلم، ابوداود، ترمذی و ابن ماجه^۱ می‌زیستند و روایات نبوی مربوط به حضرت مهدی (عج) را در کتاب‌های خود ثبت می‌کردند. از این رو، برای خلیفه عباسی فرصت بسیار مغتنمی بود تا اگر بتواند به مولود امام حسن علیه السلام دست یافته، او را از بین ببرد.

این شرایط اقتضا می‌کرد ولادت امام مهدی (عج) پوشیده بماند. از این رو، امام حسن علیه السلام کودک خود را فقط به شیعیان خاصش نشان داد تا آنان امام پس از او را بشناسند؛ زیرا هرچند که او از طرفی باید برای حفاظت از جان حضرت مهدی (عج) تلاش نماید و تمام اصول پنهان‌کاری را مراعات کند، اما از طرف دیگر وظیفه دارد وجود آخرین حجت الهی را برای مردم و نسل‌های بعد به ویژه شیعیانش ثابت کند. بدین جهت کودک خود را به شیعیان مورد اعتمادش نشان می‌داد تا بدانند مهدی موعود (عج) پا به عرصه گیتی نهاده است و دیگر در انتظار تولدش نباشند و به آنان سفارش می‌کرد این قضیه را فاش نسازند.

احمد بن حسن می‌گوید: بعد از تولد خلف صالح (عج)، امام حسن عسکری علیه السلام با خط خود نامه‌ای به جدم احمد بن اسحاق نوشته، در آن فرموده بود:

برایمان فرزندی متولد گردیده، این مطلب نزد تو پوشیده بماند و آن را از مردم کتمان نما؛ که ما آن را جز برای خویشاوندان نزدیک و دوستان خاص خود آشکار نمی‌کنیم. دوست داشتیم این خبر را به تو دهیم تا خداوند تو را مسرور سازد، چنان که ما را خوشحال کرده است.^۲

ولادت حضرت مهدی (عج) به حدی مخفی بود که امام حسن علیه السلام از بین زنان، تنها به عمه‌اش حکیمه اطلاع داد که به هنگام وضع حمل نرجس، نزد او باشد و او را یاری کند.

حضرت مهدی (عج) لحظاتی پس از تولد سر بر سجده عبودیت نهاد، و روی بازوی راستش نوشته شده بود:

جَاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا.^۳

حق آمد و باطل نابود شد، به یقین باطل نابود شدنی است.^۴

۱- این افراد بین سال‌های ۲۵۶ و ۲۷۹ درگذشتند. (ر.ک: تاریخ الغیبة الصغری، ص ۲۴۱).

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲- ۱، ص ۴۳۴. ۳- اسراء (۱۷)، آیه ۸۰.

۴- منتهی الامال، شیخ عباس قمی، ج ۲- ۱، باب ۱۴، ص ۴۲۲.

ویژگی‌های جسمانی حضرت مهدی (عج)

در روایات خصوصیات شمایل و ویژگی‌های جسمانی حضرت به شرح زیر مطرح شده است:

پیشانی بلند، چهره نورانی، چشمان درشت و درخشانده، بازوانی قوی و ستبر، پاهایی قوی و استوار، شانیهایی پهن، دارای دو علامت درشت که یکی هم‌رنگ پوستش و دیگری هم‌رنگ علامتی که پیامبر داشت، خالی برگونه راست، میان قامت، صاحب موهایی زیبا که بر شانیه‌اش ریخته، گندمگون و نور چهره‌اش بر سیاهی محاسن و سر غلبه دارد.^۱

رسول خدا ﷺ فرمود:

سیما و قامت مهدی، چون سیما و قامت من است.^۲

امام رضا ﷺ فرمود:

مهدی شبیه من و موسی بن عمران است.^۳

ویژگی‌های پیامبران در مهدی (عج)

صفات و ویژگی‌هایی از پیامبران علیهم‌السلام در مهدی (عج) مشاهده می‌شود که بنا بر روایات بعضی از آنان به شرح زیر است:

او کمال موسی، درخشش عیسی، پایداری و استقامت ایوب و طول عمر آدم را دارد. مردم درباره وی اختلاف می‌کنند مانند اختلافی که درباره عیسی کردند. گروهی گفتند: متولد شده است و عده‌ای گفتند: مرده است و بعضی گفتند: کشته شده و به دار آویخته شده است. همچون حضرت ابراهیم ولادتش مخفی است و از مردم کناره‌گیری می‌کند. مانند ایوب فرج و گشایش بعد از مصیبت دارد. مانند یونس به هنگام ظهور و بازگشت به میان مردم با وجود این که سال‌های طولانی از عمرش گذشته، ولی جوان به نظر می‌رسد. مانند یوسف علیه‌السلام که از دید پدرش غایب شد، از دید شیعیان و خاص و عام مخفی می‌شود و در دوران غیبت کار بر محبتانش سخت می‌شود با این که فاصله او تا شیعیانش نزدیک است. غیبت او از خوف و هراس است مانند غیبت حضرت موسی که از خوف و هراس فرعونیان از مصر فرار کرد و به مدین رفت. مانند جدش رسول خدا، برای حاکمیت

۲- همان، ص ۴۸۲.

۱- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۸۰ - ۴۸۱.

۳- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۵۶.

بخشیدن به دین خدا و سرکوب دشمنان دست به شمشیر می‌برد و خداوند با انداختن رعب و هراس در دل دشمنانش، او را یاری می‌کند.^۱

میراث پیامبران نزد مهدی (عج)

مواریث انبیا علیهم‌السلام به مهدی به ارث رسیده و در نزد ایشان است از جمله: سنگی که حضرت موسی بر آن عصا می‌زد و از آن دوازده چشمه برای دوازده سبط بنی اسرائیل می‌جوشید. عصای موسی، پیراهن یوسف، تابوت آدم، انگشتر سلیمان، کتاب‌های آسمانی انبیای گذشته (تورات موسی، انجیل عیسی، زبور داوود، صحف آدم و شیث و نوح و ابراهیم) پیراهن، عمامه، زره و شمشیر رسول خدا. به هنگام ظهور پیراهن ابراهیم بر تن، ردای اسماعیل بر دوش و نعلین شیث را به پا دارد.^۲

آخرین حجت الهی

حضرت مهدی (عج) پس از رحلت پدر بزرگوارش در سن پنج سالگی به امامت برگزیده شد، آن سان که حضرت عیسی در کودکی به پیامبری برگزیده شد. ایشان آخرین حجت الهی از سلسله پیامبران و اوصیا در طول تاریخ است که خداوند او را برای روز موعود ذخیره کرده است و همان‌گونه که نبوت به حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ختم شد، وصایت و امامت نیز به حضرت مهدی (عج) ختم می‌شود. روایات زیادی از طریق شیعه و سنی بیانگر این است که پیامبر دارای دوازده جانشین به عدد نقبای بنی اسرائیل است که همه از قریش و از اهل بیت او هستند و آخرین آنان حضرت مهدی (عج) است.^۳ در این جا به ذکر یک روایت بسنده می‌کنیم.

ابن عباس از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم این‌گونه نقل می‌کند:

جانشینان و اوصیای من و حجت‌های خدا بر خلق بعد از من، دوازده نفرند، اولین آنان برادرم و آخرینشان فرزندم است. گفته شد: ای رسول خدا! برادرت کیست؟ فرمود: علی بن ابی طالب. گفته شد: فرزندت کیست؟ فرمود: مهدی که زمین را از عدل و داد پر می‌کند، بعد

۱- همان، ج ۲، ص ۴۶۶-۴۷۹.

۲- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۳۹-۵۸۴، روایات ۲، ۳، ۱۰۵، ۲۵۱، ۵۰۸، ۵۰۹ و ۷۸۶.

۳- منتخب الاثر، ص ۱۴۰.

از آن که از ظلم و جور پر شده است...^۱

ابن ابی الحدید می‌گوید:

همهٔ فرقه‌های مسلمانان اتفاق نظر دارند که دنیا و تکلیف جز با مهدی (عج) پایان

نمی‌پذیرد.^۲

با توجه به ویژگی‌هایی که برای مهدی موعود برشمردیم، پوچی و بطلان ادعای مدعیان مهدویت در طول تاریخ آشکار شد و مسلمانان باید در انتظار ظهور حضرت مهدی (عج) با چنین ویژگی‌هایی باشند.

۱- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۷۱.

۲- شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۲، ص ۵۱۵.

بخش دوم
امامت حضرت مهدی (عج)

فصل اول

سابقه تاریخی اعتقاد به حضرت مهدی (عج)

بررسی سابقه تاریخی عقیده به مهدویت، چنان نتیجه روشنی در اثبات امامت حضرت مهدی (عج) دارد که اگر از پیامبر ﷺ و اهل بیتش هیچ گونه حدیث و روایتی نیز در مورد حضرت مهدی (عج) به ما نمی رسید، کافی بود که ما امامت حضرتش را بپذیریم؛ زیرا می بینیم در میان امتی که افکار و اعتقاداتش را از پیامبر ﷺ و قرآن کریم اقتباس کرده، کمتر موضوعی است که به اندازه عقیده به مهدی موعود (عج) از قطعیت و سابقه دیرینه برخوردار باشد و از آن جا که معتقد کردن مردم و جامعه نسبت به موضوعی، تنها با چند مورد بیان و گفتار انجام نمی گیرد، بلکه باید در مناسبت های مختلف به طور مکرر به مردم گوشزد شود تا به صورت یک عقیده ریشه دار در دل ها جای گیرد، روشن می شود که معمار اندیشه مهدویت و ظهور حضرت مهدی (عج)، شخص پیامبر اکرم ﷺ بوده و ایشان حضرت مهدی (عج) را به عنوان امام و آخرین جانشین خود به مردم معرفی و انتظار فرجش را توصیه کرده است.

استفاده از عنوان «مهدی»

با توجه به بیانات پیامبر در مورد مهدی (عج) به عنوان منجی نهایی، از قرن اول هجری افراد و گروه هایی پیدا شدند که لقب «مهدی» را به عنوان یگانه منجی که باید انتظار ظهورش را داشت، درباره رهبران و امامان خود به کار می بردند و از این عنوان برای رسیدن به مقاصد سیاسی خود سوء استفاده می کردند. به نمونه های زیر توجه کنید:

□ فرقه ای معروف به کیسانیه معتقد شدند پس از شهادت امام حسین ﷺ، امامت به برادرش محمد بن حنفیه منتقل گردید. آنان او را مهدی موعود می دانستند و می گفتند: او نمرده

و در کوه «رَضَوِی» - بین مکه و مدینه - اقامت دارد و به زودی باز می‌گردد و فرمانروای زمین می‌شود.^۱

□ عباسیان و حتی بعضی از علویان برای رسیدن به مقاصد سیاسی خود در برابر اموی‌ها، در صدد بهره‌برداری از اعتقاد جامعه نسبت به مهدویت برآمدند؛ آنان در اوج مبارزه با امویان با محمد بن عبدالله محض، معروف به نفس زکیه به عنوان این که او «مهدی امت» است، بیعت کردند. عمیر بن فضل می‌گوید: روزی منصور عباسی را به حال انتظار جلوی منزل نفس زکیه دیدم. محمد از خانه خارج شد و خواست بر اسبش سوار شود، منصور با احترام تمام او را بر اسب سوار کرد و ایشان رفت. پرسیدم: او کیست که این همه احترامش کردی؟ منصور گفت: مگر نمی‌شناسی، او محمد بن عبدالله بن حسن، مهدی ما اهل بیت است.^۲

عبدالله بن حسن علوی در جمع بنی هاشم سخنرانی کرد و ضمن دعوت آنان به قیام علیه اموی‌ها گفت: بیاید با پسر محمد بیعت کنیم، شما می‌دانید او «مهدی» است. عده‌ای از حاضران گفتند: ابو عبدالله جعفر بن محمد علیه السلام در این مجلس حضور ندارد، بهتر است او نیز بیاید. بعد از حضور امام صادق علیه السلام در مجلس، عبدالله بن حسن خطاب به ایشان گفت: شما می‌دانید بنی امیه با ما چگونه رفتار کردند، نظر ما این است که با این جوان (اشاره به پسرش محمد) به عنوان مهدی بیعت کنیم. حضرت پاسخ داد:

این کار را نکنید، هنوز زمان قیام به حق فرا نرسیده است و اگر منظور تو این است که پسر تو، مهدی است، بدان که در اشتباهی و او مهدی نیست...^۳

□ نیرنگ منصور عباسی در بهره‌برداری از اعتقاد جامعه به مهدویت و ظهور ادامه یافت تا این که فرزندش متولد شد. بعد از تولد فرزندش نام او را مهدی گذاشت تا به مردم بگوید فرزند من همان مهدی‌ای است که در انتظارش هستید.^۴

یکی از غلامان منصور می‌گوید: روزی منصور مرا خواست و گفت: پای منبر محمد بن عبدالله بن حسن بنشین ببین چه می‌گوید: او می‌گوید: از محمد شنیدم که می‌گفت: مردم! شما شکی ندارید که من مهدی هستم. من این سخن را برای منصور نقل کردم، او گفت: دشمن خدا دروغ می‌گوید، بلکه مهدی، پسر من است.^۵

۱- کمال‌الدین و تمام النعمه، ج ۲- ۱، ص ۳۲؛ فرق‌الشیعه، ابو محمد حسن بن موسی نوبختی، ص ۴۱- ۴۶.

۲- مقاتل الطالبیین، ابوالفرج اصفهانی، ص ۱۶۱- ۱۶۲. ۳- همان، ص ۱۴۱.

۴- مهدی عباسی بعد از پدرش به خلافت رسید. ۵- مقاتل الطالبیین، ص ۱۶۲.

□ بعد از شهادت امام صادق علیه السلام گروهی به نام ناووسیه، واژه «مهدی» را درباره آن حضرت به کار بردند و معتقد شدند او نمرده و ظهور خواهد کرد و او همان «مهدی موعود» است. آنان برای اثبات عقیده خود این سخن را به دروغ به امام صادق نسبت می دادند که فرمود: اگر کسی به شما گفت من خودم امام صادق علیه السلام را غسل دادم و کفن نمودم، سخنش را نپذیرید؛ زیرا که صاحب شمشیر من هستم.^۱

□ فرقه ای نیز معتقد شدند امام موسی کاظم علیه السلام نمرده و نخواهد مرد تا زمانی که مالک شرق و غرب زمین شود و او همان «مهدی» است که زمین را از عدل و داد پر خواهد کرد. اینان گمان داشتند امام هفتم علیه السلام از زندان خارج شده و کسی او را ندیده و غایب شده است.^۲

حکایت پرسش‌ها

بخشی از پرسش‌ها درباره امام قائم از امامان علیهم السلام، بیانگر این مطلب است که مهدویت و ظهور و قیام حضرت مهدی (عج)، در فرهنگ مردم نفوذ داشته، از حتمیت برخوردار بوده است. در این زمینه به دو روایت اشاره می‌کنیم:

۱. بنابر نقل امام باقر علیه السلام، خلیفه دوم از حضرت علی علیه السلام در مورد نام حضرت مهدی (عج) پرسید. حضرت فرمود:

اسمش را نمی‌گویم؛ زیرا حبیبم رسول خدا صلی الله علیه و آله بامن پیمان بسته اسمش را نیاورم تا خدا او را برانگیزد...^۳

این سؤال بیانگر آن است که خلیفه دوم با موضوع مهدویت آشنا و سؤالش برای کسب اطلاعات بیشتر بوده است.

۲. ابی حمزه می‌گوید: نزد امام صادق علیه السلام رفتم و [درباره امر قیام و رهبری جهانی] عرض کردم:

- آیا صاحب این امر شما هستید؟

- نه.

- آیا فرزند شماست؟

- نه.

۱- کلیات فی علم الرجال، جعفر سبحانی، ص ۳۹۸. ۲- فرق الشیعه، ص ۹۰.

۳- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۴.

- آیا او نوه شماس است؟

- نه.

- آیا او فرزند نوه شماس است؟

- نه.

- پس صاحب این امر کیست؟

- آن که بعد از گذشت زمانی از دسترسی نیافتن مردم به امام ظاهر و آشکار، ظهور می نماید و زمین را از عدل و داد پر می کند، آن سان که از ظلم و جور پر شده است؛ همان گونه که رسول خدا ﷺ بعد از گذشت زمانی از بعثت پیامبران، برانگیخته شد.^۱

اندیشه مهدویت در آینه ادبیات و شعر

قطعیّت امامت حضرت مهدی (عج) و قیام او در افکار و اندیشه جامعه اسلامی از صدر اسلام تا کنون، موجب شده که این مسأله وارد جهان ادبیات و شعر شود و شاعران در این زمینه سروده‌هایی داشته باشند. به عنوان نمونه به دو مورد اشاره می شود:

۱. دعبل خزاعی در ضمن اشعاری که درباره مصیبت‌های اهل بیت سروده و در حضور امام

رضا علیه السلام خواند، به امامت حضرت مهدی (عج) و قیام او اشاره کرده، چنین می سراید:

خُرُوجُ إِمَامٍ لَا مَحَالَةَ خَارِجٌ يَقُومُ عَلَى اللَّهِ وَالْبَرَكَاتِ
يُسْمِيهِ فِينَا كُلِّ حَقٍّ وَ بَاطِلٍ وَ يَجْزِي عَلَى التَّعْمَاءِ وَ النَّقِمَاتِ

امید بیرون آمدن امامی را دارم که البته خروج خواهد کرد... و به نام خدا و برکاتش قیام خواهد نمود. او در میان ما حق و باطل را از همدیگر جدا می نماید... و مردم را بر نعمت‌ها و کیفرها پاداش می دهد. (نیکوکاران را تشویق و مجرمان را کیفر می دهد)

او می گوید: وقتی این دو بیت را خواندم، حضرت رضا علیه السلام بسیار گریست. بعد فرمود: ای خزاعی! روح القدس این دو بیت را بر زبانت جاری کرد؛ می دانی آن امام قائم کیست؟ عرض کردم! ای مولای من! نه. فقط شنیده‌ام که امامی از میان شما اهل بیت خروج خواهد کرد که زمین را از آلودگی فساد پاک کرده، از عدالت پر خواهد ساخت. حضرت فرمود:

ای دعبل! او «حجت قائم» فرزند حسن است که در غیبتش مورد انتظار مردم است...^۲

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲- ۱، ص ۳۷۲.

۱- اصول کافی، ج ۱، ص ۳۴۱.

۲. حافظ، شاعر فارسی‌زبان در اشعارش به حضرت مهدی (عج) و ظهورش اشاره کرده است:

کجاست صوفی دجال فعل ملحد شکل بگو بسوز که «مهدی» دین پناه رسید^۱
و در مورد دیگر این چنین سروده است:

مژده ای دل! که مسیحا نفسی می آید که ز انفاس خوشش بوی کسی می آید
از غم هجر مکن ناله و فریاد که دوش زده ام فالی و فریادرسی می آید
ز آتش وادی ایمن نه منم خرم و بس موسی این جا به امید قبسی می آید
هیچ کس نیست که درکوی تو اش کاری نیست هر کس آن جا به طریق هوسی می آید
کس ندانست که منزلگه مقصود کجاست این قدر هست که بانگ جرسی می آید
جرعه‌ای ده که به میخانه ارباب گرم هر حریفی، ز پی ملتسمی می آید
خبر بلبل این باغ می‌رسید که من ناله‌ای می‌شنوم کز قفسی می آید^۲

تأمل در نمونه‌های یاد شده، این نتیجه را اثبات می‌کند که امامت حضرت مهدی (عج) در کنار توحید و نبوت و همانند آن‌ها، از سابقه و قطعیت برخوردار بوده و به همان خاطر به صورت یک عقیده‌عام و فراگیر در آمده است؛ به گونه‌ای که شیعه و اهل سنت هر دو درباره آن سخن گفته، از آن دفاع نموده‌اند و این خود گویای آن است که امامت حضرت مهدی (عج)، توسط پیامبر اکرم ﷺ در متن دین اسلام و در جدول عقاید و معارف اسلامی قرار گرفته است، بلکه به خاطر تأکیدهای فراوان حضرتش در مقایسه با دیگر مسائل اعتقادی اسلام، بعد از توحید و نبوت از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

۱- دیوان حافظ، به اهتمام ابوالقاسم انجوی شیرازی، ص ۵۸

۲- دیوان حافظ، ص ۱۱۱.

فصل دوم

امامت حضرت مهدی در منابع شیعی

براساس قرآن و سنت، پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، اهل بیت او مرجع رسمی امت شدند و به اعتراف دوست و دشمن، برترین افراد جامعه از نظر کمالات بودند و هر کدام در عصر خود همچون ستاره‌ای فروزان در شب تاریک می‌درخشیدند. آنان هر چند از رهبری سیاسی جامعه کنار گذاشته شدند، اما همان عبادت، مناجات، سیره و روش زاهدانه‌شان، یاد و سیره پیامبر صلی الله علیه و آله را در فرهنگ جامعه زنده نگه می‌داشت و گفتار و کردارشان نقش مؤثر و عمیقی در هدایت اندیشه و افکار جامعه داشت؛ از این رو، انسان می‌تواند با اطمینان کامل، اندیشه خود را براساس گفته‌های آنان شکل دهد. شیعه این افتخار را دارد که همیشه باورهای دینی و فرهنگ خود را از اهل بیت علیهم السلام اقتباس نموده، در پرتو نور هدایت آنان قدم برمی‌دارد.

بر پژوهشگران حق جو، لازم است که درباره امامت حضرت مهدی (عج) به عنوان یک مسأله اعتقادی، به اهل بیت علیهم السلام مراجعه کرده و از سخنانشان در این زمینه بهره گیرند. روایات اهل بیت علیهم السلام در مورد امامت حضرت مهدی (عج) چند قسم است؛ بخشی بیانگر تفسیر و تأویل آیاتی است که در مورد آن حضرت نازل شده، بخشی به نقل سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد حضرت مهدی (عج) مربوط می‌شود، پاره‌ای دیگر سخنان خود آن بزرگواران در این زمینه است؛ گرچه آنان تمام علم و دانش خود را از پیامبر صلی الله علیه و آله به ارث برده‌اند.

الف - روایات مربوط به تفسیر و تأویل آیات

□ ابو بصیر از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که در مورد آیه: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا

الصَّالِحَاتِ لَيْسَتْ خَلْفَتَهُمْ فِي الْأَرْضِ»^۱ فرمود:

این آیه در مورد قائم (عج) و یارانش نازل شده است.^۲

از این سخن استفاده می‌شود که حکمرانی حضرت مهدی (عج) و یارانش در روی زمین، از آن روست که آنان مصداق کامل مؤمن صالحند و در واقع این آیه پیروزی نوعی عقیده و رفتار را اعلام می‌کند.

□ هم او از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که در مورد آیه: «... فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَمَا تُكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا»^۳ فرمود:

این آیه در مورد قائم (عج) و یارانش نازل شده که بدون وعده قبلی یکباره (پیرامون مهدی (عج)) جمع می‌شوند.^۴

□ نیز هم او می‌گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد آیه «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»^۵ پرسیدم، حضرت پاسخ داد:

سوگند به خدا، هنوز تأویل این آیه فرود نیامده است. عرض کردم: فدایت شوم، پس کی فرود می‌آید؟ فرمود: هنگامی که قائم (عج) به خواست خداوند قیام کند، وقتی که او خروج کرد، هیچ کافر و مشرکی نخواهد بود مگر این که خروج قائم (عج) را بر نمی‌تابد...^۶

نیز هم او می‌گوید: امام باقر علیه السلام در مورد این آیه: «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَّعِينٍ»^۷ فرمود:

این آیه درباره قائم (عج) نازل شده و منظور این است که اگر امامتان غایب بود و شما ندانستید او کجاست، چه کسی برای شما امام ظاهر و آشکار می‌آورد که از اخبار آسمان و زمین و از حلال و حرام خداوند خبر دهد؟ سپس فرمود: سوگند به خدا، هنوز تأویل این آیه نیامده و به ناچار باید بیاید.^۸

۱- نور (۲۴)، آیه ۵۵ (خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کردار شایسته دارند، وعده می‌دهد که به طور قطع آنان را وارث زمین سازد).

۲- غیبت نعمانی، ص ۱۶۰.

۳- بقره (۲)، آیه ۱۴۸. (در نیکی‌ها و اعمال خیر بر یکدیگر پیشی گیرید، هر کجا باشید خداوند همه شما را حاضر می‌کند).

۴- غیبت نعمانی، ص ۱۶۰.

۵- صف (۶۱)، آیه ۹. (او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد تا او را بر همه آیینها چیره گردانند، هر چند مشرکان کراهت داشته باشند).

۶- بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۶۰.

۷- ملک (۶۷)، آیه ۳۰. (پیامبر) بگو: به من خبر دهید که اگر آبهای شما در زمین فرو رود، چه کسی می‌تواند آب جاری و گوارا در دسترس شما قرار دهد؟!)

۸- بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۵۲.

مفاد دو آیه اخیر این است که به رغم خواست مشرکان و تبهکاران، امور جهان همچنان بر وفق اراده آنان پیش نخواهد رفت و روزی فرا می‌رسد که آیین محمدی ﷺ در پهنه زمین گسترش می‌یابد و جامعه‌ای که قرن‌ها تشنه عدالت و حقیقت بود، با دسترسی به امام معصوم سیراب می‌گردد و بشر در سایه تعلیمات و عمل به گفتار او، به آرمان انسانیت و اهداف آفرینش خود نائل می‌شود.

□ هم‌چنین امام باقر ﷺ در مورد آیه «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»^۱ فرمود:

آنان یاران مهدی (عج) در آخر زمان هستند.^۲

□ حضرت علی ﷺ درباره آیه شریفه: «وَأَنْ تُرِيدُوا أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»^۳

آنان خاندان محمدند ﷺ که بعد از تحمل رنج‌ها و سختی‌ها، خداوند مهدی‌شان را برمی‌انگیزد. او آنان را سربلند و سرافراز می‌نماید و دشمنانشان را خوار و ذلیل می‌گرداند.^۴ از مجموع این دو آیه شریفه استفاده می‌شود منظور از مستضعفانی که وارث زمین خواهند شد، بندگان صالح خدا هستند و گرنه هر مستضعفی شایسته وارثت نیست و چه بسا برخی از آنان به آتش قهر الهی در دوزخ خواهند سوخت.^۵

□ صالح بن عقبه می‌گوید: امام صادق ﷺ در مورد آیه «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يُكْشِفُ السُّوءَ وَ يُجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ»^۶ فرمود:

این آیه در مورد قائم (عج) نازل شده است. سوگند به خدا، او مضطر است؛ آن هنگام که در مقام ابراهیم ﷺ دو رکعت نماز می‌گزارد و خدا را می‌خواند و او اجابتش می‌کند و گرفتاری‌اش را برطرف کرده، او را خلیفه و جانشین خود در زمین قرار می‌دهد.^۷

۱- انبیاء (۲۱)، آیه ۱۰۵ (در زبور بعد از ذکر (تورات) نوشتیم: بندگان شایسته‌ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد).

۲- مجمع البیان، طبرسی، ج ۷-۸، ص ۱۰۶.

۳- قصص (۲۸)، آیه ۵ (ما می‌خواهیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان زمین قرار دهیم).

۴- بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۵۴. ۵- ر.ک: سبأ (۳۴)، آیات ۳۱-۳۳.

۶- نمل (۲۷)، آیه ۶۲ («آیا معبودهایی که شریک خدا قرار می‌دهید بهترند» یا کسی که دعای مضطر را اجابت می‌کند و گرفتاری را برطرف می‌سازد و شما را خلفای زمین قرار می‌دهد؟).

۷- بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۴۸.

آنچه ذکر شد، نمونه‌های برگزیده‌ای از روایات درباره تفسیر و تأویل آیات مربوط به حضرت مهدی (عج) است که بیانگر قطعیت ظهور آن حضرت از دیدگاه قرآن است. خلاصه آن که اندیشه مهدویت و ظهور، پایه و اساس قرآنی دارد؛ جز این که این مسأله همانند بسیاری از مسائل مهم اسلام به طور صریح در قرآن بیان نشده و تفسیر آیات مربوط به آن، برعهده پیامبر ﷺ و اوصیای آن حضرت نهاده شده است.

ب - روایات اهل بیت علیهم السلام از پیامبر ﷺ

□ امام صادق علیه السلام از پدران گرامی اش از پیامبر ﷺ چنین نقل می‌کند:

امامان بعد از من دوازده نفرند؛ اولین آنان علی بن ابی طالب و آخرینشان قائم (عج) است. آنان جانشینان و اوصیا و دوستان من و حجت‌های خداوند بر امتم بعد از من هستند...^۱ در نقل دیگری ایشان از پدران بزرگوارش از رسول خدا ﷺ نقل کرده که فرمود:

قائم (عج) از فرزندان من است، نامش نام من، کنیه‌اش کنیه من و در شمایل (اوصاف) و روش، مانند من است، مردم را بر آیین و شریعتم استوار می‌گرداند و آنان را به (عمل و رفتار بر طبق) کتاب خدا فرامی‌خواند، هر کس از او پیروی کند، از من پیروی کرده و هر کس از او سرپیچی نماید از من نافرمانی کرده است، آن که در غیبتش او را انکار نماید، همانا مرا انکار نموده است، هر که او را تکذیب کند، مرا تکذیب کرده و آن که او را تصدیق نماید، مرا تصدیق نموده است. به خدا شکایت می‌برم از آنان که گفتارم را درباره قائم (عج) تکذیب کرده و منکر می‌شوند...^۲

□ امام سجاده از پدران بزرگوارش از پیامبر ﷺ این گونه نقل کرده است:

امامان بعد از من دوازده نفرند. ای علی! تو اولین آنان هستی و آخرینشان قائم است؛ همان کسی که خداوند شرق و غرب زمین را به دست او فتح می‌نماید.^۳

□ امام باقر از امام حسین علیه السلام نقل می‌کند که فرمود:

من و برادرم (امام حسن) نزد جدم رسول خدا رفتیم، او ما را در آغوش گرفت و بر دامنش نشاند و بوسید؛ سپس فرمود: پدرم فدای دو امام شایسته و صالح باد. خداوند خواست شما از من و از پدر و مادرتان پیدا شوید و ای حسین! خدا خواسته از تو، نه امام و پیشوا بیافریند که نهمین آن‌ها قائم (عج) است...^۴

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲- ۱، ص ۲۵۹. ۲- منتخب الاثر، ص ۱۸۳.

۳- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲- ۱، ص ۲۸۲. ۴- منتخب الاثر، ص ۹۳.

□ امام رضا علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین روایت می‌کند:

قیامت بر پا نمی‌شود تا این که قائم ما به اذن خدا قیام کند. هر که از او پیروی کند، نجات می‌یابد و هر که فرمانش نبرد، زیان می‌بیند. ای بندگان خدا! شما را به خدا (برای یاری) به سوی مهدی بشتابید، گرچه روی برف‌ها راه بروید.^۱

□ و در روایتی دیگر از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده که فرمود:

سوگند به آن که مرا به حق برانگیخت تا بشارت دهنده باشم، همانا قائم از فرزندان من است، او طبق پیمانی که از من دارد، در غیبت فرو می‌رود تا این که بیشتر مردم گویند: خداوند به خاندان محمد صلی الله علیه و آله نیاز ندارد و گروهی در اصل ولادتش شک نمایند. هر که زمان غیبتش را درک کرد، بر دینش استوار باشد، مبادا شیطان بر او چیره گشته (نسبت به امامت مهدی) مشکوک گرداند و از شریعت و دین من خارجش کند...^۲

نمونه‌های یاد شده هر یک به شکلی بیانگر امامت مهدی(عج) است و نشان می‌دهد که پیامبر و اوصیای آن حضرت، اهتمام خاصی در مطرح نمودن حضرت مهدی(عج) داشتند. امامان علیهم السلام علاوه بر سخنانی که خود درباره امامت آن حضرت بیان کرده‌اند، عنایت خاصی داشتند که سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله را در مورد حضرت مهدی(عج) برای مردم بازگو کنند تا سخنان آن حضرت به فراموشی سپرده نشود و اگر امت اسلامی بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله گرفتار تفرقه و انحراف شدند، با انتظار ظهور، بارقه امید در دل‌های آنان زنده گردد و خود را برای ظهور و قیام حضرت مهدی(عج) آماده کنند.

ج - گفتار اهل بیت علیهم السلام درباره امامت مهدی(عج)

۱ - امیر مؤمنان علیه السلام

- کمیل بن زیاد می‌گوید: حضرت علی علیه السلام دستم را گرفت و به سوی قبرستان کوفه برد. هنگامی که به صحرا رسیدیم، آهی کشید و فرمود:

... آری، هرگز زمین از کسی که به حجت الهی قیام کند خالی نمی‌شود؛ خواه ظاهر باشد و آشکار یا ترسان و پنهان! تا دلایل و نشانه‌های روشن خداوند باطل نگردهد، ولی آن‌ها چند نفرند و کجا هستند؟! سوگند به خدا، تعداد آنان کم و ارزش و مقامشان نزد خدا بسیار است... آنان جانشینان خدا در روی زمین و دعوت کنندگان به دین او هستند.^۳

۲- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۶۸

۱- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۶۵

۳- نهج البلاغه، فیض الاسلام، حکمت ۱۳۹.

کلام امیر مؤمنان علی علیه السلام در مورد «حجت ترسان و پنهان خدا» اشاره به امام غایب (عج) است.

- عبدالعظیم حسنی از امام جواد علیه السلام و او از پدران گرامی اش از امیر مؤمنان علیه السلام این گونه نقل کرده است:

قائم ما غیبتی طولانی خواهد داشت، شیعیان زمان غیبتش را همانند گله ای می بینم که دنبال چراگاه است، ولی آن را نمی یابد. آگاه باشید هر کدام از آنان بر دینش ثابت و استوار بماند و به خاطر طول غیبت قائم (ع) دلش سخت نگردد، روز قیامت با من و هم پایه من خواهد بود...^۱

۲ - حضرت زهرا علیها السلام

جابر بن عبدالله می گوید: برای تبریک ولادت امام حسن علیه السلام نزد سرورم حضرت فاطمه علیها السلام رفتم، در دستش صحیفه ای از دُرّ سفید دیدم. عرض کردم: ای بهترین زنان عالم! این صحیفه چیست؟ فرمود: در این صحیفه نام امامان و پیشوایان از فرزندان من نوشته شده است.

عرض کردم: ممکن است آن را به من دهید تا نگاه کنم؟ فرمود:

ای جابر! اگر اشکال نداشت می دادم، اما جز پیامبر صلی الله علیه و آله یا وصی یا اهل بیت نبی نمی تواند به این لوح دست بزند. به تو اجازه می دهم که فقط به آن نگاه کنی.

جابر می گوید: نگاه کردم دیدم نام پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان و نام پدر و مادر هر کدام در آن نوشته شده است. مشخصات آخرین امام، عبارت بود از:

ابوالقاسم م ح م د بن حسن، حجت خدا بر آفریدگانش، مادرش کنیزی به نام نرجس است.^۲

۳ - امام حسن علیه السلام

ابو سعید می گوید: امام حسن علیه السلام خطاب به مردم می فرمود:

... آیا نمی دانید که هر یک از ما بیعت طاغوت زمانش را بر گردن دارد جز قائم،^۳ همان کسی که روح خدا عیسی بن مریم پشت سرش به نماز می ایستد. از این رو، خداوند ولادتش را پنهان خواهد کرد و شخص او از دیده ها غایب خواهد بود تا این که قبل از خروج، بیعت

۱- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۰۹. ۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲-۱، ص ۳۰۷.

۳- هر یک از امامان ما، در عصر خود در شرایطی زندگی می کردند که طاغوتی رهبری جامعه را به دست داشت، اما وقتی امام غایب علیه السلام ظهور کند، تمام رهبران فاسد را نابود می کند و خود زمام رهبری جهان را به دست می گیرد؛ از این رو، بیعت هیچ فرمانروایی بر گردن آن حضرت نیست.

کسی را بر گردن نداشته باشد. او نهمین از فرزندان حسین و فرزند سرور کنیزان است، خداوند عمرش را طولانی می‌کند، سپس به قدرتش او را در سیمای جوان زیر چهل سال ظاهر می‌کند تا همه بدانند خداوند بر هر کاری تواناست.^۱

۴ - امام حسین علیه السلام

عبدالرحمان بن ثابت می‌گوید: امام حسین علیه السلام فرمود:

دوازده نفر (امام و پیشوا) از ما اهل بیت است، نخستین آن‌ها امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام و آخرین شان نهمین از فرزندان من و قائم به حق است. خداوند زمین را بعد از مرگش^۲ توسط او زنده می‌کند و دین حق را به وسیله او بر تمام دین‌ها چیره می‌گرداند، گرچه برای مشرکان ناپسند باشد. او غیبتی خواهد داشت که در آن گروهی از دینشان (از عقیده به امامت آن حضرت) برمی‌گردند و عده‌ای بر دینشان ثابت و استوار می‌مانند؛ این گروه (توسط مخالفان) آزار می‌شوند و به آنان گفته می‌شود: اگر راست می‌گویید، این وعده (ظهور مهدی) کی خواهد بود؟ آگاه باشید، آن‌ها که در زمان غیبتش در برابر اذیت و آزار (مخالفان) صبر پیشه کنند (و از عقیده به امامت مهدی (عج) دست برندارند)، همانند کسانی‌اند که در کنار رسول خدا صلی الله علیه و آله با شمشیر جهاد می‌کردند.^۳

۵ - امام سجاد علیه السلام

سعید بن جبیر می‌گوید: امام زین العابدین علیه السلام فرمود:

ولادت قائم ما از مردم پوشیده می‌ماند، به گونه‌ای که تعدادی از مردم می‌گویند: هنوز متولد نشده است و آن (غیبت قائم و پوشیده بودن ولادتش) برای این است که وقتی ظهور کرد، بیعت هیچ طاغوتی را بر گردن نداشته باشد.^۴

۶ - امام محمد باقر علیه السلام

محمد بن مسلم می‌گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که فرمود:

قائم ما (عج) با (ایجاد) بیم و هراس (در دل دشمنانش) یاری می‌شود، به پیروزی تأیید می‌گردد... شعاع سلطنت و حکومتش به شرق و غرب زمین می‌رسد، خداوند به وسیله او

۱- بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۲.

۲- در گمراهی مردم مرگ و در هدایتشان حیات و زندگی است.

۳- منتخب الاثر، ص ۲۰۵.

۴- بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۵.

دینش را بر تمام دین‌ها پیروز می‌کند، گرچه برای مشرکان ناپسند باشد، خرابی‌ها از روی زمین برچیده شده و همه جا آباد شود، روح خدا عیسی بن مریم علیه السلام فرود آمده و پشت سرش نماز می‌گزارد...^۱

۷ - امام صادق علیه السلام

مَسْعَدَه می‌گوید: نزد امام صادق علیه السلام بودم که پیرمرد قد خمیده‌ای با عصا وارد شد و به آن حضرت سلام کرد. سپس دستش را بوسید و گریه کرد. امام صادق علیه السلام فرمود: پیرمرد چرا گریه می‌کنی؟ او عرض کرد: فدایت شوم ای پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله! صد سال است که در انتظار قائم شما هستم؛ با خودم می‌گویم این ماه ظهور می‌کند، امسال می‌آید، اما ستم بالا رفته و اجلم نزدیک شده و می‌بینم برای شما اهل بیت حوادث ناخوشایندی رخ می‌دهد، یا کشته می‌شوید یا تبعید و آواره می‌گردید، ولی دشمنانتان غالب و پیروزند؛ بنابراین چرا گریه نکنم.

مسعده می‌گوید: با شنیدن سخنان او چشمان امام صادق علیه السلام پر از اشک شد و فرمود:

ای پیرمرد! اگر خداوند به تو عمری دهد که قائم ما را ببینی، در بهشت برین با ما خواهی بود و اگر قبل از آن مرگت رسید، روز قیامت با خاندان محمد صلی الله علیه و آله محشور خواهی شد... ای پیرمرد! قائم ما، فرزند حسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی است و موسی فرزند من است، ما دوازده نفر همه پاک و معصومیم... ای پیرمرد! سوگند به خدا، اگر از دنیا فقط یک روز مانده باشد، خداوند آن را طولانی می‌کند تا قائم ما اهل بیت خروج نماید...^۲

۸ - امام موسی کاظم علیه السلام

یونس بن عبدالرحمان می‌گوید: نزد امام موسی کاظم علیه السلام رفتم و عرض کردم: ای فرزند رسول خدا! آیا قائم به حق تو هستی؟ فرمود:

من قائم به حقم، اما آن قائمی که زمین را از لوث وجود دشمنان خدا پاک می‌کند و آن را از عدل و داد پر می‌نماید، آن سان که از ظلم و جور پر شده است، پنجمین از فرزندان من است که غیبتی طولانی خواهد داشت...^۳

۹ - امام رضا علیه السلام

رَیَّان بن صَلْت می‌گوید: به امام رضا علیه السلام عرض کردم: آیا صاحب این امر تو هستی؟ فرمود:

۲- منتخب الاثر، ص ۲۵۴.

۱- منتخب الاثر، ص ۲۹۲.

۳- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۱.

من صاحب امر هستم، اما آن کس نیستم که زمین را از عدل و داد پر می‌کند، آن‌گونه که از ستم پر شده است؛ چگونه من هم او باشم با ضعفی که در اندامم مشاهده می‌کنی، در حالی که وقتی قائم خروج کند، در سن پیرمردان و در سیمای جوانان است، بدنی نیرومند دارد، به‌گونه‌ای که قوی‌ترین درخت را می‌تواند با دست از زمین برکند... او چهارمین از فرزندان من است، خداوند او را از دیده‌ها می‌پوشاند تا روزی که آشکار شده، زمین را از عدل و داد پر کند، همان‌گونه که از ظلم و جور پر شده است.^۱

۱۰ - امام جواد (ع)

عبدالعظیم حسنی گوید: به امام جواد (ع) عرض کردم: امیدوارم قائم خاندان محمد (ص) شما باشی، همان کسی که زمین را از عدل و داد پر می‌کند، آن سان که از ظلم و جور پر شده است. فرمود: ای ابوالقاسم! همه ما (امامان) قائم به امر خدا و هدایتگر مردم به سوی دینش هستیم، اما آن قائمی که خداوند توسط او زمین را از لوث وجود کافران پاک می‌گرداند و از عدل و داد پر می‌نماید، کسی است که ولادتش از مردم پوشیده می‌ماند و شخص او از دیده‌ها پنهان می‌شود و بر مردم حرام است نام (مخصوص) او را ببرند، او همانم و هم‌کنیه رسول خداست...^۲

۱۱ - امام هادی (ع)

آبِی دُلف می‌گوید: از امام علی النقی (ع) شنیدم که فرمود: امام و پیشوای بعد از من فرزندم حسن است و بعد از او فرزندش قائم (عج) است، همان کسی که زمین را از عدل و داد پر می‌کند آن‌گونه که از ظلم و جور پر شده است.^۳

۱۲ - امام عسکری (ع)

موسی بغدادی می‌گوید: از امام حسن عسکری (ع) شنیدم که فرمود: گویا شما را می‌بینم که در مورد جانشین بعد از من اختلاف دارید. آگاه باشید هر که به امامان بعد از رسول خدا عقیده‌مند باشد، ولی امامت فرزندم را انکار نماید، همانند این است که به نبوت تمام پیامبران و رسولان اقرار کند و منکر نبوت رسول خدا باشد (چنین فردی در حقیقت منکر همه پیامبران است)؛ زیرا پیروی از آخرین امام، مانند پیروی از اولین امام است و آن که آخرین امام را انکار نماید، همانند این است که اولین امام را منکر

۱ - منتخب الاثر، ص ۲۲۱.

۲ - منتخب الاثر، ص ۲۸۶.

۳ - همان، ص ۲۲۵.

شده است. آگاه باشید، فرزندم غیبتی خواهد داشت که مردم در آن (نسبت به امامتش) به شک می‌افتند، جز آن‌ها که خداوند حفظشان کند.^۱

گفتنی است که روایات اهل بیت علیهم‌السلام در زمینه امامت حضرت مهدی (عج) فراوان و بیش از حد شمارش است؛ آنچه ذکر شد، نمونه‌ای مختصر، گویا و روشن است و تأمل در آن‌ها این مطلب را اثبات می‌کند که امامان علیهم‌السلام عنایت خاصی داشتند که امامت حضرت مهدی (عج) در جامعه مطرح شود تا خاتمیت و صایت را اعلام کنند، آنان هم‌چنین از فتنه‌هایی که ممکن است دامنگیر مردم زمان غیبت شود، خبر داده‌اند تا آنان هشیار گردند و فریب شیاطین جن و انس را نخورده و در امامت امام غایب (عج) تشکیک نمایند. از این رو، هر بار که شیعه‌ای به امام زمان خویش مراجعه و از ظهور حضرت مهدی (عج) سؤال می‌کرد، آن امام با دل‌داری او و بیان مطالبی در مورد آن حضرت موجب آرامش وی می‌گردید و روحیه امید و انتظار را در وجود او تقویت می‌کرد و با عبارات گوناگون، بر حتمیت و قطعیت ظهور حضرت حجت (عج) تأکید می‌ورزید. تمام سؤال و جواب‌ها حکایت از این دارد که شیعه همواره در انتظار ظهور روز شماری می‌کرده و این خود قطعیت مسأله مهدویت و ظهور را در فرهنگ و اندیشه مردم نشان می‌دهد.

در بیشتر روایات مربوط به حضرت مهدی (عج) بر این مطلب تأکید شده که گسترش عدل و داد در روی زمین، پس از ظهور آن حضرت است؛ همان چیزی که جامعه بشری همیشه تشنه آن بوده و تبه‌کاران و ستمکاران، تنها شعار آن را سر داده‌اند. امامان علیهم‌السلام با تأکید بر این که عدل و داد توسط حضرت مهدی (عج) در پهنه گیتی مستقر خواهد شد، به ماگوشد ذکر کرده‌اند که استقرار عدل و داد در تمام گیتی از کسی غیر از امام عصر (عج) ساخته نیست و توانایی‌های روحی‌ای که خداوند در وجود آن حضرت نهاده، در حدی است که می‌تواند رهبری جهان را به دست گرفته، عدالت را در تمام گیتی گسترش دهد و چه بسا مردم جهان نیز طی قرن‌ها تجربه به این مطلب برسند که تحقق عدالت واقعی جز از یک رهبر الهی بر نمی‌آید که این خود موجب سرخوردگی آنان از رهبران فاسدشان گردیده، از روی اضطراب و بیچارگی دست به سوی آسمان دراز کنند و از خداوند مدد جویند و این خود گامی دیگر در تحقق شرایط ظهور باشد.

فصل سوم

امامت حضرت مهدی در منابع اهل سنت

مضمون روایات اهل سنت درباره حضرت مهدی (عج) چند قسم است که در آنها از زوایای مختلفی به این مسأله پرداخته شده است.

الف - پیامبر ﷺ و دوازده جانشین

□ جابر بن سمره می‌گوید: از پیامبر ﷺ شنیدم که فرمود:

(بعد از من) دوازده امیر خواهند بود و سخنی فرمود که من آن را نشنیدم؛ پدرم گفت، فرمود: همه آنان از قریشند.^۱

□ هم او می‌گوید: از پیامبر ﷺ شنیدم که فرمود:

این دین تا روز قیامت همواره برپاست و دوازده خلیفه بر مردم خواهد بود که همگی از قریشند.^۲

□ عبدالله بن مسعود می‌گوید: از پیامبر ﷺ پرسیدم (بعد از شما) چند خلیفه فرمانروای این امت خواهند شد؟ فرمود:

دوازده نفر به تعداد نقبای* بنی اسرائیل.^۳

این‌گونه احادیث که در منابع اهل سنت به تعداد زیاد ذکر شده،^۴ بیانگر آن است که پیامبر ﷺ جانشینان خود را با دو ویژگی کلی معرفی کرده است:

۱- صحیح بخاری، ج ۷-۹، ص ۷۲۹.

۲- ینابیع المودة، شیخ سلیمان قندوزی حنفی، ج ۳-۱، جزء سوم، ص ۱۰۴.

* - خداوند در سوره مائده (۵)، آیه ۱۲، می‌فرماید: «وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا» خداوند از بنی اسرائیل پیمان گرفت و از آنها دوازده نقیب (سرپرست) برانگیختیم.

۳- همان. ۴- ر.ک. منتخب الاثر، ص ۱۰-۱۴.

۱. تعدادشان دوازده نفر است.

۲. همه آنان از قبیله قریشند.

با چشم‌پوشی از دیگر سخنان آن حضرت^۱ دربارهٔ جانشینان خود، ویژگی‌های یاد شده جز بر امامان شیعه قابل انطباق نیست و اهل سنت می‌دانند که شیعهٔ امامیه به جانشینی دوازده امام بعد از پیامبر ﷺ معتقد است که نخستین آنان حضرت علی بن ابی‌طالب و آخرین‌شان حضرت مهدی (عج) است. اگر مراد آن حضرت کسانی از اصحابش باشند که بعد از او به خلافت رسیدند، تعدادشان به دوازده نفر نمی‌رسد و اگر خلفای اموی را به آن‌ها اضافه کنیم، تعدادشان بیش از دوازده نفر می‌شود، علاوه بر این که لیاقت و شایستگی برای جانشینی پیامبر ﷺ را نیز نداشتند. آری، با توجه به معیارها و شرایطی که در قرآن و روایات برای زمامدار جامعهٔ اسلامی بیان شده، چگونه ممکن است معاویه و یزید که آن همه جنایت مرتکب شدند و در برابر حکومت بر حق امیر مؤمنان و دو فرزندش امام حسن و امام حسین ﷺ ایستادند و آنان را به شهادت رساندند و دستشان به خون هزاران انسان حق جوی دیگر آلوده شد، از سوی پیامبر ﷺ به جانشینی وی معرفی شوند؟! دیگر خلفای بنی‌امیه و بنی‌عباس نیز دست کمی از آنان نداشتند و هر کدام به گونه‌ای پرونده‌ای سیاه و ننگین داشتند. با توجه به این مطالب، آیا می‌توان پذیرفت که خلفای اموی به منزلهٔ نقبای بنی‌اسرائیل باشند!!^۲

ﷺ

ب - «مهدی» نام دوازدهمین جانشین پیامبر

□ ابن عباس نقل می‌کند که پیامبر ﷺ فرمود:

جانشینان و اوصیای من و حجت‌های خدا بر آفریدگانش بعد از من، دوازده نفرند؛ اولین آن‌ها علی و آخرین آنان فرزندانم مهدی است. روح خدا عیسی بن مریم فرود آمده، پشت

۱ - همانند حدیث ثقلین، منزلت و حدیث سفینه.

۲ - گفتنی است آنچه در ذیل حدیث بخاری آمده که پیامبر ﷺ آهسته فرمود: همگی آن دوازده نفر از قریشند، نمی‌تواند صحیح باشد؛ زیرا آن حضرت هیچ‌گونه خوفی از اعلام قرشی بودن خلفایش نداشت تا آن را آهسته بیان کند و می‌بایست صحیح همان باشد که در نقل ینابیع الموده آمده که پیامبر ﷺ فرمود: همه آنها از بنی‌هاشمند؛ زیرا آن حضرت می‌دانست خلافت بنی‌هاشم برای قریش ناخوشایند است به همین جهت از اعلام خلافت و ولایت علی ﷺ به دستور الهی در روز غدیر نیز بی‌مناک بود. ر.ک. ینابیع الموده، ج ۳-۱، جزء سوم، ص ۱۰۵-۱۰۶؛ پاورقی منتخب الاثر، ص ۱۴-۲۳.

سر مهدی نماز می‌گزارد و زمین به نور پروردگارش روشن و تابناک می‌گردد و (شعاع) سلطنت و حکومتش شروق و غرب زمین را فرا می‌گیرد.^۱

□ هم او می‌گوید پیامبر ﷺ فرمود:

من آقای پیامبران هستم و علی بن ابی طالب سرور اوصیاست؛ اوصیای من دوازده نفرند؛ اولین آن‌ها علی بن ابی طالب و آخرین‌شان مهدی (عج) است.^۲

ﷺ

ج - «مهدی» از اهل بیت و عترت پیامبر

□ ام سلمه می‌گوید: از پیامبر شنیدم که فرمود:

مهدی از عترت من است.^۳

□ ابو سعید خدری می‌گوید: پیامبر ﷺ فرمود:

قیامت بر پا نمی‌شود تا این که زمین از ظلم و ستم و دشمنی پرگردد، سپس مردی از عترت یا اهل بیت^۴ خروج می‌کند و آن را از عدل و داد پر می‌کند.^۵

د - «مهدی» از اولاد علی و فاطمه

□ ابن عباس از پیامبر ﷺ این گونه نقل کرده است:

علی بن ابی طالب پیشوای امتم و جانشین بعد از من در میان آن‌هاست و «قائم منتظر» از فرزندان اوست، زمین را از عدل و داد پر می‌کند، آن گونه که از ظلم و جور پر شده است.^۶

از طریق اهل سنت از امیر مؤمنان علی نقل شده است که فرمود:

اگر از عمر جهان جز یک روز باقی نمانده باشد، خداوند مردی از اهل بیت را برمی‌انگیزد تا زمین را از عدل و داد پر نماید، آن سان که از ظلم و ستم پر شده است.^۷

□ ام سلمه از پیامبر ﷺ نقل می‌کند که فرمود:

مهدی از فرزندان فاطمه است.^۸

۱- ینابیع الموده، ج ۳- ۱، جزء سوم، ص ۱۰۸. ۲- همان.

۳- عقد الدرر فی اخبار المنتظر، یوسف بن یحیی شافعی سلمی، ص ۱۵.

۴- ممکن است تردید از راوی باشد.

۵- مسند احمد حنبل، ج ۳، ص ۳۶؛ این گونه روایات هاشمی بودن حضرت مهدی (عج) را نیز اثبات می‌کند.

۶- ینابیع الموده، ج ۳- ۱، جزء سوم، ص ۱۰۹. ۷- عقد الدرر فی اخبار المنتظر، ص ۱۸.

۸- همان، ص ۲۱.

□ ابو ایوب انصاری می‌گوید: پیامبر ﷺ به فاطمه علیها السلام فرمود:

بهترین پیامبران از ماست و او پدر توست، برترین اوصیا از خاندان ماست و او شوهر توست، بهترین شهیدان از تبار ماست و او حمزه عموی پدرت می‌باشد، و از خاندان ماست آن که در بهشت با دو بال پرواز می‌نماید و او پسر عموی توست، از ما هستند دو آقای جوانان اهل بهشت، حسن و حسین که فرزندان تواند و از ماست مهدی.^۱

هـ - «مهدی» از فرزندان امام حسین علیه السلام

□ حذیفه می‌گوید: پیامبر ﷺ فرمود:

اگر از عمر دنیا جز یک روز نمانده باشد، خداوند در آن روز مردی را برمی‌انگیزد که همانم من است... مردم در بین رکن و مقام با او بیعت می‌کنند، خداوند به وسیله او دین را (به حال اولش) برمی‌گرداند و فتوحات زیادی خواهد داشت، به گونه‌ای که در روی زمین کسی باقی نمی‌ماند، جز این که «لا اله الا الله» می‌گوید.

سلمان فارسی از جا برخاست و گفت: ای رسول خدا! او از کدامین فرزندان است؟ پیامبر صلی الله علیه و آله

دستش را بر دوش حسین زد و فرمود:

از فرزندان این پسر است.^۲

□ سلمان فارسی می‌گوید: بر پیامبر صلی الله علیه و آله وارد شدم، در حالی که امام حسین علیه السلام را در آغوش

گرفته و چشمان و دهانش را می‌بوسید و می‌فرمود:

تو آقا فرزند آقایی، امام فرزند امام و برادر امامی، تو حجت فرزند حجت برادر حجت و پدر

نُه حجت الهی هستی که نهمین آن‌ها «مهدی» قائم است.^۳

تأمل در این احادیث ما را به این نتیجه می‌رساند که حضرت مهدی (عج) آخرین امام از

عترت و خاندان پیامبر است و پیامبر صلی الله علیه و آله در معرفی آن حضرت چنان دقیق و مشخص عمل کرده

که جای هیچ شک و شبهه‌ای نسبت به امامت حضرتش باقی نگذاشته است.

و - حضرت عیسی و یاری حضرت مهدی (عج)

حذیفه از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده که فرمود:

۱- همان، ص ۲۵. ۲- عقد الدرر فی اخبار المنتظر، ص ۳۱-۳۲.

۳- ینابیع الموده، ج ۳-۱، ص ۱۰۵.

مهدی متوجه می‌شود که عیسی بن مریم فرود آمده، گویا از موهایش آب می‌ریزد، پس مهدی به او می‌گوید: (ای عیسی) پیشقدم شو و با مردم نماز بخوان. عیسی علیه السلام پاسخ می‌دهد: نماز برای شما بر پا شده (امروز شما امام مردم هستی) پس عیسی علیه السلام پشت سر مردی از فرزندانم نماز می‌گزارد، وقتی نماز به پایان می‌رسد، عیسی علیه السلام با مهدی(عج) بیعت می‌کند.^۱

بیعت حضرت عیسی علیه السلام با حضرت مهدی(عج) به معنای پذیرفتن رهبری اوست و فرودش از آسمان برای این است که حضرت مهدی(عج) را یاری کند و جهان مسیحیت را به بیعت آن حضرت فراخواند. همچنین نزولش از آسمان و اقتدایش به حضرت مهدی(عج) در نماز، بیانگر این است که هدف نهایی مردان الهی پرستش و بندگی خداست و حضرت عیسی علیه السلام به یاری حضرت مهدی(عج) می‌شتابد تا با برچیده شدن بساط ظلم و ستم، جامعه به سوی عبودیت و بندگی خدا سوق داده شود؛ زیرا کمال واقعی انسان در سایه پرستش و بندگی خداوند است.

ابو امامه باهلی می‌گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از بیان ظهور حضرت مهدی(عج) و فرود عیسی بن مریم علیه السلام و دادگری او فرمود:

و تُمَلَأُ الْأَرْضُ مِنَ السَّلَامِ كَمَا يُمَلَأُ الْإِنَاءُ مِنَ الْمَاءِ وَ تَكُونُ الْكَلِمَةُ وَاحِدَةً، فَلَا يُعْبَدُ إِلَّا اللَّهُ وَ تَضَعُ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا... .

زمین، سرشار از صلح و صفا می‌شود؛ آن گونه که ظرف از آب پر می‌گردد، اتحاد کلمه و وحدت در میان مردم برقرار شده، فقط خداوند مورد پرستش قرار می‌گیرد و جنگ فرو می‌نشیند...^۲.

ز - آخرالزمان و فشارهای حوادث

دسته دیگر، روایاتی است که از پریشانی حال و فشارهای حوادث بر مردم آخر زمان خبر می‌دهد و این که با ظهور حضرت مهدی(عج) همه آنها رفع شده، در امور مردم، گشایش حاصل می‌شود و آنان از برکات زمین و آسمان بهره‌مند می‌گردند.

□ ابو سعید خدری می‌گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

در آخرالزمان سختی‌های زیادی بر امتم از ناحیه سلاطین وارد می‌شود، به گونه‌ای که

۱- عقد الدرر فی اخبار المنتظر، ص ۲۲۹ - ۲۳۰. ۲- سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۶۲.

بلائی شدیدتر از آن شنیده نشده باشد، تا این که زمین با همه وسعتش بر آنان تنگ آید و از ظلم و جور پر شود، مؤمن جایی نیابد که از ظلم و ستم به آن جا پناه ببرد در آن هنگام خداوند مردی از عترتم را برمی انگیزد، او زمین را از عدل و داد پر می کند آن سان که از ظلم و جور پر شده است، اهل آسمان و زمین از او خشنود می شوند، همه گونه گیاه از زمین می روید و باران به طور فراوان از آسمان خواهد بارید...^۱

□ هم او نقل می کند که پیامبر ﷺ فرمود:

در آخر امتم (آخرالزمان) مهدی خروج می کند، خداوند باران را فرود می آورد، زمین انواع گیاهان را می رویاند و مهدی (عج) مال و ثروت را با رعایت تساوی در بین مردم تقسیم می نماید.^۲

از این گونه روایات استفاده می شود که بعد از ظهور حضرت مهدی (عج)، علاوه بر استقرار عدالت اجتماعی و نایل شدن مردم به حقوق خود، موانع نزول رحمت الهی، رفع شده، مردم از برکات زمین و آسمان بهره مند خواهند شد؛ زیرا از دیدگاه توحیدی گناهان مردم از جمله عواملی است که موجب سلب برکات و منع خیرات آسمانی می گردد و هر گناهی که واقع می شود، همان گونه که اثر منفی بر حیات اخروی انسان دارد، آثار سوئی نیز بر زندگی دنیوی و معیشت مردم بر جا می گذارد و با ظهور حضرت مهدی (عج) و برچیده شدن بساط گناه و سوق مردم به سوی بندگی خدا، هرگونه مانع از بین رفته و انسان در بُعد معنوی و مادی به تکامل می رسد. او در آن روز لذت واقعی زندگی را خواهد چشید.

ح - ظلم به اهل بیت ﷺ پس از رحلت ﷺ

دسته دیگری از روایات موجود در منابع اهل سنت، بیانگر آن است که اهل بیت پیامبر بعد از او، مورد تعدی و ظلم قرار می گیرند و با خروج حضرت مهدی (عج) مردم به منزلت و جایگاه ائمه پی می برند و اهل بیت ﷺ پیروان زیادی پیدا کرده، دشمنانشان خوار می گردند.

□ شخصی به نام عبدالله می گوید: نزد رسول خدا ﷺ بودیم که عده ای از جوانان بنی هاشم آمدند، پیامبر ﷺ با مشاهده آنان، چشمانش پر از اشک شده و رنگ رخسارش دگرگون شد. گفتم: ای رسول خدا! در چهره شما آثار ناخوشایندی می بینم؛ فرمود:

۱ - عقد الدرر فی اخبار المنتظر، ص ۱۴۱. ۲ - المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۵۵۸.

ما اهل بیته هستیم که خداوند عوض دنیا آخرت را برای ما برگزیده است و اهل بیت بعد از من دچار بلا، تبعید، آوارگی و سختی می‌شوند تا وقتی که گروهی از ناحیه مشرق زمین با پرچم‌های سیاه بیایند و خیر و نیکی^۱ را بطلبند، ولی به آن‌ها داده نشود، آنان به مبارزه ادامه داده و پیروز می‌شوند. در آن شرایط خواسته آنان مورد پذیرش قرار می‌گیرد؛ اما آنان نمی‌پذیرند تا این‌که آن (حکومت) را به مردی از اهل بیت تسلیم می‌نمایند و او زمین را از عدل و داد پر می‌کند، آن‌گونه که از ظلم و جور پر شده است، هر کس آن زمان را درک کرد، به آن‌ها پیوندد و نزد آنان رود، گرچه سینه‌خیز روی برف‌ها راه برود.^۲

□ ابن ابی لیلی از پدرش از پیامبر ﷺ این‌گونه نقل کرده است:

جبرئیل به من خبر داد که مردم به علی بن ابی طالب ظلم کرده، حقش را پایمال می‌کنند و این ظلم و ستم (بر اهل بیت) همچنان باقی می‌ماند تا قائم اهل بیت قیام کند و آنان برتر شوند. امت بر دوستی و محبتشان اجتماع کنند. در آن روز دشمنان اهل بیت، کم و خوار شده و دوستان آن‌ها فراوان گردند و آن (خروج حضرت مهدی و عزت یافتن اهل بیت) وقتی است که وضع شهرها دگرگون شده و بندگان خدا ضعیف می‌شوند، ناامیدی از فرج (و ظهور حضرت مهدی (عج)) بر آنان حکمفرما می‌گردد، در آن هنگام «مهدی قائم» از فرزندانم با گروهی (از مردان الهی) ظهور می‌کند، خداوند حق را به وسیله آن‌ها چیره و غالب می‌گرداند، باطل به شمشیرهای آنان نابود می‌شود و مردم از روی رغبت و اشتیاق با بیم و هراس از آنان پیروی می‌کنند...^۳

این روایات، از اخبار غیبی است که برخی از مفاد آن‌ها تحقق پیدا کرده است؛ همان‌گونه که پیامبر ﷺ فرمود، حرمت اهل بیتش بعد از او شکسته شد و آنان از رهبری جامعه اسلامی کنار گذاشته شدند، اما همیشه چنین نخواهد بود، بلکه با ظهور آخرین حجت الهی، جهان تحت رهبری اهل بیت اداره خواهد شد و مردم بعد از قرن‌ها دوری از معصوم، حکومت به رهبری امام را تجربه خواهند کرد.

در ضمن از این روایات استفاده می‌شود که به‌رغم انتشار کفر و ظلم در جهان، نه تنها اهل حق به کلی نابود نمی‌شوند، بلکه افراد زبده و ممتازی در روی زمین خواهند بود که به هنگام ظهور، به حضرت مهدی (عج) می‌پیوندند و ایشان را یاری می‌کنند.

۱- شاید منظور حکومت بر مبنای مکتب اهل بیت باشد.

۲- سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۶۶. ۳- پنایع الموده، ج ۳- ۱، ص ۹۸.

* **ملاحظه:** آنچه در این دو بخش ذکر شد، نمونه‌های برگزیده‌ای از روایات فراوان موجود در منابع شیعه و اهل سنت است که راه روشنی را درباره امامت حضرت مهدی (عج) ترسیم می‌کند؛ به گونه‌ای که اعتقاد به امامت آن حضرت و ایمان به دین اسلام، دو امر تفکیک‌ناپذیر جلوه می‌کنند و صحیح نخواهد بود که انسان به رسالت پیامبر ﷺ و دین او ایمان بیاورد، ولی با وجود این همه روایات که فوق تواتر است، به امامت حضرت مهدی (عج) معتقد نگردد و به وجود او به‌عنوان آخرین جانشین پیامبر ﷺ در روی زمین، مؤمن نباشد؛ به بیان دیگر، اعتقاد به امامت حضرت مهدی (عج) یک اعتقاد اسلامی است؛ زیرا روایات مربوط به آن به‌طور فراوان از خود پیامبر ﷺ توسط اهل بیت علیهم‌السلام و غیر آنان نقل شده و بزرگان شیعه و محدثان اهل سنت آن‌ها را در کتب صحاح و کتاب‌های معتبر دیگر ذکر کرده‌اند و حتی افرادی از دانشمندان اهل سنت، کتاب‌های مستقلی در این زمینه نگاشته‌اند.

اگر با وجود این همه روایات از پیامبر ﷺ، امامت حضرت مهدی (عج) پذیرفته نشود و کسانی بخواهند منکر آن شوند، دیگر هیچ مسأله‌ای از مسائل اسلامی قابل اثبات نخواهد بود؛ زیرا روایات مربوط به آن‌ها در بسیاری از موارد به مراتب کمتر از روایاتی است که درباره امامت حضرت مهدی (عج) در دسترس است.

بخش سوم
حضرت مهدي (عج) واقعیت موجود

فصل اول

حضور محسوس محدود

تا این جا امامت حضرت مهدی (عج) با دلایل متقن و استوار به اثبات رسید و معلوم شد آن حضرت تولد یافته، جهان باید در انتظار ظهورش باشد. از آن جا که انسان موجودی است که نخست با محسوسات سر و کار دارد و با مادیات، بیشتر مأنوس می‌باشد، لازم است جنبه حسّی قضیه نیز مورد توجه باشد. از این رو، در این بخش به بررسی این مسأله می‌پردازیم که حضرت مهدی (عج) مانند سایر انسان‌ها و با خصوصیات بشری، هم‌کنون در روی زمین زندگی می‌کند و کسانی از خواص شیعه قبل از غیبت کبری و بعد از آن، حضرتش را مشاهده کرده، به خدمتش رسیده‌اند تا خواننده محترم اطمینان بیشتری یابد و به آن حضرت به عنوان یک واقعیت موجود و زنده‌ای که اینک امام روی زمین است، ایمان بیاورد.

در زمان حیات پدرش

□ مردی از شیعیان امام عسکری علیه السلام از اهالی فارس می‌گوید: به سامرا آمدم و در خانه امام عسکری علیه السلام به خدمتکاری مشغول شدم. روزی آن حضرت در بیرونی خانه‌اش^۱ بود، خواستم نزدش روم که او صدا زد: فلانی! همان جا بایست. من در جایم ایستادم؛ ناگهان کنیزی بیرون آمد که با خودش چیز پوشیده‌ای را می‌برد. سپس حضرت صدا زد: فلانی! داخل شو. من داخل شدم و حضرت آن کنیز را صدا زد که برگردد. او برگشت. حضرت فرمود: از آنچه با خود داری پرده بردار. کنیز، پوشش را برداشت. پسر بچه سفید رنگ و نیکو صورتی را دیدم؛ امام عسکری علیه السلام فرمود: صاحب شما (بعد از من) این کودک است...^۲

۱ - بیرونی به آن قسمت منزل گویند که برای پذیرایی از میهمانان و غیر افراد خانواده است.

۲ - اصول کافی، ج ۱، ص ۵۱۴-۵۱۵.

□ محمد بن عثمان عَمَری رضی الله عنه می‌گوید: در یک اجتماع چهل نفره از شیعیان و خواص اصحاب امام عسکری رضی الله عنه که در منزل آن حضرت حضور داشتیم، ایشان مهدی (عج) را به ما نشان داد و فرمود: این کودک بعد از من امام و پیشوا و جانشین من بر شماست، او را پیروی کنید و در دینتان دچار تفرقه نگردید که هلاک می‌شوید...^۱

با این که شیعیان و خواص اصحاب امام عسکری رضی الله عنه بارها خبر وجود امام دوازدهم رضی الله عنه را از امامان اهل بیت شنیده بودند و در آن شکی نداشتند، اما امام عسکری رضی الله عنه کودک خود را به آنان نشان داد تا اطمینان بیشتری یابند؛ چنان که حضرت ابراهیم رضی الله عنه با این که ایمان داشت خداوند مردگان را زنده می‌کند، اما به خدا عرض کرد:

خدایا! به من نشان بده چگونه مردگان را زنده می‌کنی؟ خداوند فرمود: مگر ایمان نیاورده‌ای؟! عرض کرد: آری، می‌خواهم قلبم آرامش یابد.^۲
و خداوند نیز برای اطمینان او این کار را به دست وی انجام داد.

□ عبدالله بن جعفر جمیری می‌گوید: به محمد بن عثمان عَمَری (یکی از سفیران چهارگانه) عرض کردم: از تو سؤالی دارم (تا قلبم آرامش یابد) همچنان که خداوند در قصه ابراهیم رضی الله عنه فرمود: ابراهیم مگر ایمان نیاورده‌ای؟ عرض کرد: آری، ولی می‌خواهم قلبم آرامش یابد، و آن سؤال این است که آیا تو صاحبم را دیده‌ای؟ عَمَری پاسخ داد: آری، او را دیده‌ام. عرض کردم: اسمش چیست؟ فرمود: در مورد اسمش جست و جو نکن و این راز را فاش ننما؛ مخالفان ما باور کرده‌اند که این نسل (بارحلت امام عسکری رضی الله عنه) قطع گردیده و به پایان رسیده است.^۳

پس از رسیدن به مقام امامت

□ ابو الادیان می‌گوید: بعد از آن که امام عسکری رضی الله عنه از دنیا رفت، او را کفن کرده، در تابوت نهادند. جعفر بن علی (عموی حضرت مهدی (عج)) پیشقدم شد تا بر جنازه برادرش نماز بخواند. همین که خواست تکبیر بگوید، کودکی ظاهر شد و عبای جعفر را کشید و فرمود: ای عموا! عقب بایست؛ من سزاوارترم که بر جنازه پدرم نماز بخوانم.
جعفر عقب رفت، در حالی که رنگ رخسارش دگرگون شده و زرد گردیده بود، سپس آن کودک جلو ایستاد و نماز خواند...^۴

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲- ۱، ص ۴۳۵. ۲- بقره (۲)، آیه ۲۶۰.

۳- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲- ۱، ص ۴۴۲- ۴۴۱. ۴- همان، ص ۴۷۵.

حضرت مهدی (عج) ضمن این که با این کار ثابت کرد، جعفر وارث امامت نیست، عقیده پیروانش را نیز تحکیم نمود و با آشکار شدن و نماز خواندن بر جنازه پدر، امامت خود را بر حاضران آشکار کرد. هم‌چنین قدرت ملکوتی آن حضرت موجب شد جعفر از دستور ایشان مبنی بر کنار رفتن سرپیچی نکند و با حال تحیر و تعجب، شاهد نماز آن کودک بر پدرش باشد. □ محمد بن صالح می‌گوید: صاحب الزمان (عج) از جای غیر مشخصی خارج گردید و با جعفر کذاب درباره میراث پدرش به خصومت پرداخت و به او گفت:

ای جعفر! چرا متعرض حقوقم می‌شوی؟*

جعفر متحیر شده و مبهوت گردید. سپس صاحب الزمان (عج) از دیده‌اش غایب شد. جعفر به جست و جوی او در میان مردم برخاست، ولی وی را نیافت...^۱

آغاز غیبت صغری

علی بن سنان موصلی می‌گوید: گروهی از اهالی قم برای پرداخت وجوه شرعی خود به امام عسکری علیه السلام وارد سامرا شدند و با حادثه رحلت آن حضرت رو به رو گشتند. مردم آنان را به سوی جعفر (برادر امام عسکری علیه السلام) هدایت کردند. آنان خواستار دلایل امامت از او شدند، ولی هنگامی که ناتوانی و ضعف وی را مشاهده نمودند، با حال یأس و ناامیدی برگشته، از شهر خارج شدند. حضرت مهدی (عج) خدمتکار خانه‌اش را در پی آنان فرستاد و دستور داد آن‌ها را به نام‌هایشان بخواند و بگوید: مولا و امامتان را اجابت کنید. آنان احساس کردند که این فرد، علم غیب می‌داند و خیال کردند او خودش امام است. خدمتکار حضرت فرمود: من بنده مولای شما هستم. او آنان را به خانه امام عسکری علیه السلام راهنمایی کرد. آنان داخل خانه شدند و حضرت مهدی (عج) را دیدند که بر تختی نشسته و همچون ماه می‌درخشد، بر او سلام کردند. سپس آن حضرت از مقدار اموالی که آورده بودند و از نام صاحبان آن خبر داد. آنان با مشاهده اخبار غیبی آن حضرت، از این که به امام خود دست یافته بودند، سجده شکر گزار شدند. پس از آن حضرت مهدی (عج) دستور داد، بعد از این هیچ مالی را به سامرا نیاورند و نیز فرمود: در بغداد نماینده‌ای منصوب می‌کنم، اموال را به سوی او ببرید و نامه‌ها از طریق او جواب داده خواهد شد.^۲

* - گفتنی است که با وجود پسر، به برادر ارث نمی‌رسد، اما جعفر به گمان این که امام عسکری علیه السلام فرزندی ندارد، اموال او را تصرف کرد و اعتراض امام مهدی (عج) در این زمینه بود.

۱ - همان، ص ۴۴۲. ۲ - کمال الدین و تمام النعمه، ص ۴۷۶ - ۴۷۹.

این قضیه در روز وفات امام عسکری علیه السلام یا روز بعد از آن اتفاق افتاد و حضرت مهدی(عج) ضمن معرفی خود به عنوان جانشین پدر و ارائه دلایل امامت، به آغاز غیبتش اشاره کرد؛ زیرا فرمود: اموال را به نماینده‌اش در بغداد تحویل دهند و سؤال‌ها نیز از طریق او جواب داده خواهد شد. شیعیان در ایام غیبت صغری توسط سفیران چهارگانه^۱ با حضرت مهدی(عج) ارتباط داشتند. این ارتباط به شکلی بود که وجود امام غایب(عج) را به روشی حسی برای آنان اثبات می‌کرد؛ زیرا آنان جواب نامه‌های خود را به خط حضرت مهدی(عج) از طریق سفیران دریافت می‌کردند و اموال و وجوه شرعی را نزد وکلای آن حضرت می‌بردند و در مواردی «قبض رسید» را به خط امام دریافت می‌کردند^۲ و در مواردی نیز پیام شفاهی حضرت مهدی(عج) که در بردارنده خبر غیبی^۳ و نوعی اعجاز بود، توسط سفیران به افراد خاصی ابلاغ می‌شد. بدین گونه غیبت صغری سپری شد و افراد زیادی^۴ به حضور مبارک ایشان شرفیاب شدند که تعدادشان زیاد و نامعلوم است، از جمله آنان خود سفیران چهارگانه هستند.

عبدالله بن جعفر حمیری می‌گوید: از محمد بن عثمان عمری شنیدم که می‌گفت:

حضرت مهدی(عج) را دیدم که پرده کعبه را به دست گرفته، عرضه می‌دارد: پروردگارا! از دشمنانم انتقام گیر.^۵

تشرّف افراد به حضور آن حضرت در غیبت کبری

با وفات آخرین سفیر، دوره ارتباط با حضرت مهدی(عج) از طریق سفیران خاص به پایان رسید و دوره غیبت کبری و اختفای کامل آغاز شد، اما این غیبت بدین معنا نبود که کسی به دیدار حضرتش نایل نگردد، بلکه در طول این مدت افراد زیادی به خدمتش رسیده‌اند و اخبار آن در حد تواتر است. برخی از آنان هنگام شرفیابی، آن حضرت را شناخته‌اند و در موارد دیگری بعد

۱- که به ترتیب عبارتند از: عثمان بن سعید عمری، محمد بن عثمان بن سعید عمری، حسین بن روح، شیخ ابوالحسن علی بن محمد سمری.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲- ۱، ص ۴۸۶.

۳- اسحاق بن یعقوب می‌گوید: از محمد بن عثمان عمری شنیدم که می‌گفت: مردی از اهل عراق مقداری جواهرات به من داد که برای آن حضرت بفرستم. امام آن مال را برگرداند و فرمود: به او بگو چهارصد درهمی را که حق پسرعموهایست، اداکن. مرد عراقی از این سخن متحیر و شگفت زده شد و در بررسی اموالش متوجه شد که از حقوق پسرعموهایش چهارصد درهم پرداخت نشده است. (ر.ک. کمال الدین و تمام النعمه، ص ۴۸۶).

۴- ر.ک. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲- ۱، ص ۴۳۴-۴۷۹.

۵- همان، ص ۴۴۰.

از جدایی با شواهد قطعی مشخص شده که شخص مورد مشاهده حضرت مهدی (عج) بوده است. به طور کلی می‌توان گفت: قسمت عمده شرفیابی‌ها در مواردی بوده که شخص در حال اضطرار قرار گرفته، برای رهایی خودش به آن حضرت متوسل شده است. در این زمینه کتاب‌هایی نگاشته شده و نام و نشان عالمان و بزرگانی که به خدمت حضرتش رسیده‌اند، در آن‌ها ثبت گردیده است.^۱

در موسم حج

حضرت مهدی (عج) به عنوان امام زنده و غایب، هر سال در موسم حج حضور می‌یابد؛ همانند مسلمانان مناسک حج را به جای می‌آورد و مردم را می‌بیند، اما آنان او را نمی‌شناسند. عبید بن زراره می‌گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود:

(روزی می‌رسد که) مردم از داشتن امام قابل دسترس، محروم می‌شوند، او در موسم حج حضور می‌یابد و مردم را می‌بیند، ولی آنان او را نمی‌بینند.^۲

مصلحت در این است که او قبل از وقت قیام و ظهور برای دیده‌ها آشکار نشود و به عنوان امام روی زمین در پرده غیبت به سر برد. در این میان علاوه بر اخبار رسیده از پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت او درباره امامت حضرت مهدی (عج) و ظهورش که استوارترین سند وجود آن حضرت می‌باشد، شرفیابی افراد زیادی به خدمتش از هنگام تولد تا وفات پدر و در دوره غیبت صغری و کبری و مشاهده معجزات و برآورده شدن حاجت‌ها و نیازهای متوسلان، خود دلیل دیگری است بر این که حضرت مهدی (عج) هم اکنون به عنوان امام با ویژگی‌های بشری در روی زمین زندگی می‌کند. مشتاقان می‌توانند با ایجاد صلاحیت‌های لازم در خود و ارتقای حالت معنوی و عرفانی خویش و ناراحتی از فراق و جدایی و داشتن آرزوی وصال و مشاهده، در شرایط خاصی به خدمتش شرفیاب گردند.

۱- ر.ک: نجم الثاقب یا مهدی موعود، حاج میرزا حسین نوری، باب هفتم، ص ۲۰۷-۴۱۲.

۲- اصول کافی، ج ۱، ص ۳۳۹.

فصل دوم

طول عمر حضرت مهدی (عج)

با توجه به دلایل یاد شده درباره امامت بلافصل حضرت مهدی (عج) بعد از پدرش و با ملاحظه دلایل قطعی بر تولد و وجود ایشان در حیات امام عسکری علیه السلام، شیعیان معتقدند او قرن هاست به عنوان امام غایب، در روی زمین زندگی می کند و تاروی که خدا بخواهد، به حیات خود ادامه خواهد داد. ممکن است گفته شود: ما افرادی با چنین عمر طولانی ندیده ایم و علم و دانش نیز آن را نمی پذیرد. در پاسخ این مطلب، مسأله طول عمر حضرت مهدی (عج) را مورد بررسی قرار می دهیم.

امکان طول عمر

واژه امکان دارای یکی از دو معنای زیر است:^۱

۱. امکان ذاتی و عقلی: بدین معنا که وقوع یک امر به خودی خود از نظر عقل، مانعی نداشته و محال نباشد. به عنوان مثال، تناقض، امکان عقلی ندارد؛ چرا که هستی و نیستی یک چیز در آن واحد قابل اجتماع نیست؛ و نیز امکان ندارد که عدد دو بزرگ تر از عدد سه باشد، زیرا لازم می آید که عدد دو، در یک آن عدد دو باشد و عدد دو نباشد و آن خلاف فرض و تناقض است. بنابراین، هر چه که تناقض نباشد و منتهی به تناقض هم نشود، امکان عقلی دارد و طول عمر این گونه است، بنابراین امکان دارد.

۲. امکان استقبالی: یعنی این که چیزی محال ذاتی نبوده، از نظر عقل، مانعی از وقوع آن در خارج نیست، گرچه تا به حال وجود نیافته ولی امکان وجود آن در آینده هست. به عنوان مثال، سرطان هر چند تا کنون معالجه نشده است، اما امکان دارد علم بشری در آینده به معالجه آن دست یابد.

۱- مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۱۰، ص ۱۳۸-۱۴۹.

طول عمر به طور طبیعی نیز این‌گونه است؛ زیرا اگرچه عملی نشده و زیست‌شناسان نمی‌توانند به آسانی آن را در مورد همه افراد تجربه کنند، اما در تلاشند تا عمر انسان را افزایش دهند. به چند نظریه در این زمینه توجه کنید:

الف - پروفیسور اسمیس، استاد دانشگاه کلمبیا می‌گوید:

همان‌گونه که سرانجام دیوار صوتی شکسته شده و وسایل نقلیه‌ای با سرعت مافوق صوت به وجود آمد، یک روز دیوار سن انسانی نیز شکسته خواهد شد و از آنچه تاکنون دیده‌ایم فراتر خواهد رفت.^۱

ب - گروهی از پزشکان عقیده دارند، پیری یک نوع بیماری است که بر اثر تصلب شرایین و یا اختلال متابولیسم بدن پدید می‌آید و اگر ما بتوانیم از طریق تغذیه صحیح و داروهای مؤثر بر این عوامل پیروز شویم، پیری را شکست خواهیم داد و از عمری طولانی برخوردار می‌گردیم.^۲

ج - روان‌شناسان می‌گویند: طول عمر انسان، بستگی زیاد به طرز تفکر و عقاید او دارد و با داشتن روحیات و عقاید سازنده و آرامبخش، افزایش می‌یابد.^۳

آزمایش‌های به عمل آمده روی بعضی از موجودات نیز، طول عمر آنها را عملی ساخته است. دانشمندان با آزمایش روی نوعی از مگس میوه که عمر بسیار کوتاهی دارد، توانسته‌اند عمر آن را به نهمصد برابر افزایش دهند. در آزمایش به عمل آمده روی گیاهی که عمر معمولی آن دو هفته بیش نیست، معلوم شده که می‌توان آن را تا شش ماه نگه داشت.^۴

بنابراین، طول عمر انسان از دیدگاه دانش بشری در آینده «ممکن» است، مگر این که گفته شود چرا حضرت مهدی (عج) بر دانش بشری پیشی گرفته و قبل از اینکه علم، عوامل طول عمر را کشف و عملی کند، از عمر طولانی برخوردار شده است؟ پاسخ آن که این اولین بار نیست که اسلام بر دانش بشری پیشی گرفته است؛ مگر قوانین حیات بخش اسلام که علم روز به حکمت و راز برخی از آنها پی برده است، قرن‌ها پیش توسط پیامبر اسلام به بشریت ابلاغ نشد؟ بنابراین، اگر مسأله طول عمر حضرت مهدی (عج) را در محدوده قوانین طبیعی بررسی و مطالعه کنیم، باید بگوییم، خداوند، دانش دستیابی به طول عمر را به آن حضرت عنایت کرده، به گونه‌ای که با استفاده از عوامل طبیعی بتواند، از عمر طولانی برخوردار شود.

۱ - مهدی انقلابی بزرگ، ناصر مکارم شیرازی، ص ۲۲۴. ۲ - همان، ص ۲۲۶، اقتباس.

۳ - همان. ۴ - مهدی انقلابی بزرگ، ص ۲۲۴، اقتباس.

وجود افراد استثنایی

با چشم پوشی از بحث گذشته و قبول این فرضیه که نوع انسان عمر طبیعی ثابتی دارد که فراتر از آن نمی رود، این فرضیه را نمی توان به تمام افراد تعمیم داد؛ زیرا همیشه افرادی استثنایی وجود دارند که با ضوابط علوم طبیعی مطابقت ندارند و علم از تفسیر وضع آنها عاجز می گردد. به عنوان مثال، در مناطق استوایی زمین، درختانی با عمر جاویدان وجود دارند یعنی مرتب در حال ریشه زدن و جوانه زدن هستند و هیچ گاه عمرشان پایان نمی پذیرد.

در میان جانوران دریایی، حلزون هایی با عمر چند هزار سال دیده شده اند.

بررسی موارد دیگری از این قبیل نشان می دهد که بی تردید امکان دارد، در میان هر نوع از موجودات، افراد استثنایی وجود داشته باشند و وضع استثنایی آنها دلیل بر غیر علمی بودن آنها نیست؛ زیرا همواره طبیعت در دامن خود افراد استثنایی می پروراند و این خود، عین طبیعت است. دراز عمرهای تاریخ از جمله افراد استثنایی هستند که بر دیگر افراد انسان پیشی گرفته اند و در این زمینه غیر از حضرت مهدی (عج)، افراد دیگری نیز بوده و هستند که از عمر طولانی برخوردار شده اند. یکی از آنها حضرت نوح علیه السلام که به گفته قرآن^۱ فقط نهصد و پنجاه سال قبل از طوفان، قومش را به آیین توحید دعوت می کرد و عمر وی خیلی بیش از این بوده است.^۲ شداد بن عاد، نهصد سال عمر کرد.^۳ هبل بن عبدالله بن کنانه، ششصد سال زندگی نمود.^۴ از این قبیل نمونه ها فراوان در تاریخ یافت می شود که با ملاحظه آنها هیچ گونه استبعاد در باره طول عمر حضرت مهدی (عج) باقی نمی ماند.

طول عمر در قلمرو قدرت الهی

با چشم پوشی از مطالب گذشته و قبول این که عمر طولانی خارج از محدوده قوانین طبیعی است، در این مطلب نمی توان تردید کرد که خداوندی که محیط بر قوانین و نظام طبیعت است، می تواند خرق عادت کرده و در موردی که اراده نماید، عمر طولانی به کسی بیخشد و از آن جا که اراده خداوند بر این تعلق گرفته که حضرت مهدی (عج) زمین را سرشار از عدل و داد کند و تمدن بشری را در شکل دیگری از نو آغاز نماید، به آن حضرت عمر طولانی عنایت کرده تا همچنان

۱- عنکبوت (۲۹)، آیه ۱۴.

۲- عمر حضرت نوح بنا بر روایات ۲۵۰۰ سال بوده است. ر.ک. بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۲۸۵ به بعد.

۳- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲-۱، ص ۵۵۴. ۴- همان، ص ۵۶۰.

در پس پرده غیبت باقی بماند و پس از آماده شدن شرایط ظهور، قیام کند؛ چنان که به حضرت خضر علیه السلام عمر طولانی تا نفع صور، بخشیده است. در این زمینه اهل سنت نیز به زنده بودن حضرت خضر علیه السلام و عمر طولانی اش^۱ اعتراف دارند. طبق بعضی از روایات، ایشان مونس و همنشین حضرت مهدی (عج) در زمان غیبتش می باشد.

حسن بن علی بن فضال می گوید: از امام رضا علیه السلام شنیدم که می فرمود:

حضرت خضر از آب حیات آشامیده و تا روزی که در صور دمیده شود، زنده خواهد بود، او نزد ما می آید و به ما سلام می کند، ما صدایش را می شنویم و شخصش را نمی بینیم و در هر محفلی (از پیروان اهل بیت علیهم السلام) که از خضر علیه السلام یاد شود، حضور پیدا می کند^۲ پس هر که از شما او را یاد کرد، به او سلام دهد. وی در موسم حج، هر سال حضور دارد و تمام مناسک آن را به جامی آورد و در عرفه، وقوف می کند و بر دعای مؤمنان آمین می گوید. به زودی خداوند او را همدم و مونس قائم ما در غیبتش قرار می دهد تا وحشت تنهایی را از او بزداید.^۳

از قرآن کریم مورد دیگری از امکان طول عمر به اعجاز الهی استفاده می شود؛ چون درباره حضرت یونس علیه السلام فرموده است:

و اگر او از تسبیح کنندگان نبود تا روز قیامت در شکم ماهی می ماند.^۴

بنابراین آیه شریفه بیانگر این است که در صورت استغفار نکردن یونس و آن ماهی که او را در شکم داشت، هر دو تا روز قیامت عمر می کردند.

با توجه به آنچه یاد شد، عمر طولانی حضرت مهدی (عج) از اموری است که از دیدگاه دانش بشری ممکن و قابل وقوع است و بر فرض آن که در این مطلب تردید شود، اما بی تردید خداوند می تواند به هر کس اراده نماید، عمر طولانی یا جاودانه ببخشد؛ چنان که برای اثبات نبوت پیامبران به دست آنها امور خارق العاده ای جاری می کند، همانند حضرت موسی علیه السلام که عصا را اژدها می کرد، یا حضرت عیسی علیه السلام که مردگان را زنده می نمود و پیامبر اسلام که قرآن را آورده و کسی نمی تواند مثل آن را بیاورد و نیز معجزات دیگر آن حضرت.

با توجه به دلایل قطعی و روشن در مورد طول عمر حضرت مهدی (عج)، منطقی نیست که به شبهات واهی و بی اساس اعتنا شده و آن دلایل قطعی کنار گذاشته شود.

۱- ر. ک. البیان فی اخبار صاحب الزمان (عج)، ص ۱۴۸-۱۴۹.

۲- این حضور همانند عمرش امری خارق العاده است که به اذن خداوند واقع می شود.

۳- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲-۱، ص ۳۹۰-۳۹۱. ۴- عنکبوت (۲۹)، آیه ۱۴.

بخش چهارم
غیت

فصل اول راز غیبت

معلوم شد که امکان طولانی شدن عمر، وجود دارد و حضرت مهدی (عج) با عمری طولانی در پس پرده غیبت به سر می برد. اکنون این سؤال مطرح است که چرا آن حضرت ظاهر نمی شود^۱ و راز این غیبت طولانی چیست؟
فلسفه غیبت حضرت مهدی (عج) را می توان در امور زیر خلاصه کرد:

الف - آماده پذیرش نبودن جامعه جهانی

گرچه قسمتی از شرایط ظهور حضرت مهدی (عج) خارج از حوزه اختیار مردم است، اما اجرای کلی مأموریت آن حضرت در گروه فراهم شدن شرایط خارجی و عینی است که مردم در آن نقش تعیین کننده دارند و تا آماده شدن مردم جهان برای پذیرش حکومت جهانی به رهبری حضرت مهدی (عج) همچنان غیبت ادامه داشته، ظهور آن حضرت به تأخیر خواهد افتاد، و این آمادگی، عمدتاً به بُعد فکری و فرهنگی مردم مربوط می شود.

توضیح این که باید سطح افکار مردم جهان چنان بالا رود که بدانند تفاوت جغرافیایی، نژادی، رنگ و زبان هیچ گونه امتیازی برای انسانها محسوب نمی شود و باید همه از حقوق یکسان و برابر برخوردار گردند. و همه انسانها مانند اعضای یک خانواده در کنار یکدیگر زندگی کنند. به عبارت دیگر، باید مردم جهان بعد از تجربه تلخ ظلم و ستم حکومت های فاسد، این احساس را

۱- باید توجه داشت که این سؤال تنها متوجه شیعه نیست، بلکه هر ملت و قومی که بگونه ای به ظهور مصلح کل اعتقاد دارد تا با قیامش جهان را پراز عدل و داد کند، در این سؤال شریک هستند و باید پاسخ دهند که چرا آن مصلح ظهور نمی کند؟

پیداکنند که انتظار عدالت، از حکومت‌های بشری بی‌جا و بی‌مورد است؛ به هر حال بشر باید از حصار مادیت، رهیده، دست‌نیاز به سوی آسمان دراز کند و از خداوند مدد جوید.

بدیهی است بدون آمادگی فکری مردم، اصلاحات اجتماعی امکان‌پذیر نیست؛ از این رو، پیامبران نیز برای پیشبرد اهدافشان نخست از تعلیم و تربیت و پرورش افراد زبده و لایق استفاده می‌کردند و با ایجاد تحول فرهنگی در جامعه، راه را برای اصلاحات دیگر هموار می‌کردند. حضرت مهدی (عج) نیز به تقدیر الهی باید به ظلم و ستم در جهان پایان بخشد و عدالت را در پهنه زمین بگستراند و اجرای این طرح بزرگ، بدون آمادگی فرهنگی مردم جهان امکان‌پذیر نیست. مردم باید به قدر کافی تلخی بی‌عدالتی‌ها و ضعف قوانین بشری را لمس نمایند و آن قدر خوب سرپیچی و انحراف از دین را بخورند تا به‌طور واقعی در طلب مصلح برآیند.

خداوند متعال فرموده:

إِنَّ اللَّهَ لَا يُعَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُعَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ^۱

خداوند وضع هیچ قومی را تغییر نمی‌دهد تا این که آنان خود را تغییر دهند.

خواجه طوسی در این باره فرموده:

وَجُودُهُ لُطْفٌ وَ تَصَرُّفُهُ لُطْفٌ آخَرَ وَ عَدَمُهُ مِثْلًا^۲

وجود امام، لطف خداوند است و تصرف او (بودنش در میان مردم و تدبیر امور ایشان) لطف دیگری است و نبودن آشکار او (در میان ما) از ناحیه خود ماست.

ب - بیم از کشته شدن

هر یک از رهبران الهی اعم از انبیا و جانشینان آن‌ها همواره از سوی دشمنان کینه‌توز مورد تهدید قرار می‌گرفتند که به صورت‌های آزار، شکنجه، به زندان افکندن، تبعید کردن و کشتن، عملی می‌شد. نیاکان حضرت مهدی (عج) هر کدام به نحوی متحمل این آزارها شده بودند. با توجه به این مطلب، برای آن حضرت سه راه بیشتر وجود ندارد:

۱. حضور در میان مردم و صبر کردن تا هنگامی که شرایط قیام فراهم شود؛ که در این صورت کشته شدن حضرت مانند اجداد بزرگوارش به دست دشمنان بسیار محتمل خواهد بود.

۱- رعد (۱۳)، آیه ۱۱.

۲- کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، علامه حلی، ص ۳۸۵.

۲. ظهور و قیام قبل از فراهم شدن شرایط و آمادگی‌های لازم؛ که در این صورت بی‌تردید بدون دستیابی به نتیجه کشته خواهد شد.
۳. غیبت و عدم ظهور تا روزی که مصلحت ظهور فراهم شده و آن حضرت بتواند بر ستمکاران چیره گردد.
- زراره می‌گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود:
- برای قائم قبل از قیامش غیبتی خواهد بود. عرض کردم: چرا؟ فرمود: زیرا می‌ترسد و اشاره به شکمش کرد.
- زراره می‌گوید: مقصود حضرت، کشته شدن بود.^۱
- باید توجه داشت هر چند شهادت آرزوی اولیای خداست، اما حضرت مهدی (عج) جانشین ندارد و امام دیگری بعد از او نخواهد بود. بنابراین لازم است تا قبل از فراهم شدن شرایط ظهور، همچنان در پرده غیبت به سر برد.

ج - آزمایش مردم

یکی از اسرار غیبت که در روایات به آن اشاره شده، مسأله آزمایش مردم در غیبت ولی خداست؛ زیرا اگر نهادن به اطاعت یک امام ظاهر و آشکار، ممکن است از روی ترس یا طمع باشد، اما ایمان به اطاعت از امام غایب از این عیب‌ها به دور است.^۲

در بخش‌های پیشین گذشت که امامت حضرت مهدی (عج) مسأله‌ای است که به دست پیامبر صلی الله علیه و آله در جدول عقاید و معارف اسلامی قرار گرفته است و مسلمانان باید به امامت آن حضرت و ظهورش ایمان داشته، همواره در انتظار ظهورش باشند. طولانی شدن غیبت موجب می‌شود افکار و عقاید باطنی افراد بروز کرده و مشخص گردد که چه کسانی به وعده‌های پیامبر صلی الله علیه و آله ایمان دارند و همچنان بر اعتقاد به امامت حضرت مهدی (عج) استوار می‌مانند و آزمایش یکی از اهداف آفرینش انسان است.

در قرآن چنین می‌خوانیم:

او خداوندی است که مرگ و زندگی را آفرید تا ببازماید که کدامین از شما عمل نیکوتری دارد.^۳

۲- ر.ک. کمال‌الدین و تمام النعمه، ج ۲-۱، ص ۱۱.

۱- اصول کافی، ج ۱، ص ۳۷۰.

۳- ملک (۶۷)، آیه ۲.

منصور^۱ می‌گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

ای منصور! این امر (کشایش به واسطه ظهور آخرین حجت الهی) به سویتان نخواهد آمد، مگر بعد از این که مردم مأیوس می‌گردند. هم‌چنین سوگند به خدا، (این امر نخواهد بود) مگر این که از همدیگر جدا شده و آزمایش شوید (صفوف حق و باطل مشخص گردد)...^۲ زید شحام از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمود:

حضرت صالح علیه السلام مدتی از میان قومش^۳ پنهان شد... سپس به سوی آن‌ها آمد، در حالی که به سه دسته تقسیم شده بودند: دسته‌ای که او را انکار کردند و به او معتقد نگشتند، عده‌ای که به او شک داشتند و گروهی که بر ایمان به صالح وفادار باقی ماندند. حضرت صالح علیه السلام ابتدا به سوی گروه دوم رفت و به آنان گفت: من صالح هستم. آنان او را تکذیب کردند و از خود راندند و گفتند: خداوند از تو بیزار باشد، همانا صالح به شکل تو نبود.^۴ سپس به سوی دسته اول رفت. آنان نیز او را نپذیرفتند و به شدت وی را رد کردند. بعد به طرف گروه مؤمن رفت و فرمود: من صالح هستم. آنان گفتند: به ما خبری بده که توسط آن یقین کنیم تو همان صالح هستی (و تغییر قیافهات مهم نیست)؛ زیرا تردیدی نداریم که خداوند انسان را به هر شکلی که بخواهد درمی‌آورد... صالح به آنان گفت: من همان صالحی هستم که ناقه را برایتان آورد. آنان گفتند: راست گفتی؛ حال ناقه صالح، چه نشانه‌ای داشت؟ او پاسخ داد: یک نوبت آشامیدن آب مال شما و یک نوبت نیز مخصوص ناقه بود. آنان گفتند: به خداوند و به آنچه تو آوردی ایمان داریم...^۵

سپس حضرت صادق علیه السلام فرمود:

همانا قائم (عج) مانند صالح خواهد بود (که غیبتش موجب می‌شود عده‌ای از پیروانش در او به شک و تردید افتند و عده‌ای نیز انکارش نمایند و همه آنان نمی‌توانند از آزمایش

۱ - منظور از «منصور» در این روایات یکی از افراد زیر است: منصور بن ابی الاسود، منصور بن حازم، منصور بن خارجه، منصور بن محمد، منصور بن یونس (معجم رجال الحدیث، خوبی، ج ۱۸، ص ۳۴۰ به بعد).

۲ - اصول کافی، ج ۱، ص ۳۷۰.

۳ - غیبت حضرت صالح علیه السلام پس از هلاک شدن قومش به عذاب الهی واقع شد و پس از سپری شدن زمان غیبت، به سوی قومی آمد که پیشتر به خاطر ایمان به صالح علیه السلام، از عذاب رها شده بودند. (ر.ک. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲ - ۱، پاورقی ص ۱۳۶).

۴ - زیرا در مدت غیبت، قیافه ظاهری صالح علیه السلام تغییر کرده بود، اما مهم این بود که آنان دلایل نبوت را از صالح علیه السلام بخواهند.

غیبت، موفق بیرون آیند.^۱

مشخص شدن راز واقعی غیبت پس از ظهور

تا این جا بعضی از رموز غیبت را ذکر کردیم و ممکن است غیبت طولانی آن حضرت رازها و حکمت‌های بیشتری داشته باشد که ما از آن‌ها آگاهی نداریم و در روایات به این مطلب اشاره شده است.

عبدالله بن فضل می‌گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود:

به ناچار صاحب این امر دارای غیبتی خواهد بود که تبه‌کاران در آن به شک و تردید می‌افتند. عرض کردم: فدایت شوم؛ چرا؟ فرمود: به خاطر امری که اجازه بیانش را (به‌طور تفصیل) نداریم. عرض کردم: حکمت غیبتش چیست؟ فرمود: (اجمالش این است که) راز غیبت مهدی (عج) همان راز غیبت حجت‌های پیش از اوست و حکمت (واقعی) غیبت بعد از ظهور آشکار می‌گردد، چنان که راز کارهایی که خضر علیه السلام انجام داد، کشتی را سوراخ کرد، پسر بچه‌ای را کشت و دیواری را بنا کرد، بعد از جدایی او از موسی علیه السلام روشن گردید. (و موسی علیه السلام قبل از جدایی، راز آن‌ها را نمی‌دانست و از آن رو به خضر علیه السلام نیز اعتراض نمود). ای پسر فضل! این امر (غیبت مهدی (عج)) کار خداوند، از اسرار او و از امور غیبی و الهی است و چون می‌دانیم خداوند، حکیم است باید تصدیق کنیم کارهای او (از جمله در غیبت نگه داشتن ولی خودش) همه دارای حکمت و راز است، گرچه برای ما آشکار نباشد.^۲

۱- ر.ک. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲- ۱، ص ۱۳۶- ۱۳۷.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲- ۱، ص ۴۸۲.

فصل دوم

آثار وجود حضرت مهدی (عج)

سؤال دیگر در مورد حضرت مهدی (عج) این است که وجود یک رهبر در صورتی مفید است که با پیروانش تماس مداوم داشته باشد، در صورتی که زندگی آن حضرت در دوران غیبت یک زندگی خصوصی است، نه یک زندگی اجتماعی به عنوان امام و پیشوا؛ بنابراین اثر وجودی این ذخیره الهی برای مردم چیست و امت اسلامی در زمان غیبت از وجود ایشان چه بهره‌ای می‌برند؟ این سؤال در عصر حاضر و تنها برای ما مطرح نشده، بلکه از روایات برمی‌آید که قبل از تولد حضرت مهدی (عج) هنگامی که پیامبر ﷺ و امامان علیهم‌السلام درباره غیبت ایشان سخن می‌گفتند، با این سؤال رو به رو بودند؛ به عنوان نمونه:

جابر بن عبدالله انصاری از پیامبر ﷺ پرسید: آیا شیعیان از وجود امام در غیبتش بهره‌مند می‌شوند؟ آن حضرت فرمود:

آری، سوگند به خدایی که مرا به پیامبری برانگیخته، مردم زمان غیبتش از او بهره‌مند گشته و به نور ولایت و رهبری‌اش راهنمایی می‌شوند، همان‌گونه که از خورشید هنگام قرار گرفتن پشت ابرها بهره‌مند می‌گردند.^۱

خورشید دو نوع نورافشانی می‌کند: مستقیم و غیر مستقیم. در نورافشانی مستقیم و آشکار، اشعه آفتاب به خوبی دیده می‌شود، اما در تابش غیر مستقیم، ابرها همانند یک شیشه مات، نور خورشید را گرفته و پخش می‌کنند.

نور آفتاب مهم‌ترین نقش را در حیات موجودات زنده ایفا می‌کند؛ رشد و نمو موجودات، تغذیه و تولید مثل آنها، حس و حرکت و جنبش، زنده شدن زمین‌های مرده و... همه و همه به‌طور مستقیم یا غیر مستقیم به نور آفتاب بستگی دارد و بدون آن همه به خاموشی خواهند گرایید و این برکات و آثار

حیات بخش، مخصوص زمانی نیست که نور به طور مستقیم می‌تابد، بلکه بسیاری از این آثار در نور مات خورشید نیز وجود دارد و تنها قسمتی از آن آثار که نیاز به تابش مستقیم دارد، موجود نیست. خورشید وجود امام مهدی (عج) در زمان غیبت، دارای آثار گوناگونی است که به رغم تعطیل بودن رهبری ظاهری اش، فلسفه وجودی او را آشکار می‌سازد. برخی از آن آثار عبارتند از:

الف - وساطت فیض

اراده خداوند بر این تعلق گرفته که آنچه از ذات مقدسش به موجودات افاضه می‌شود، از طریق اسباب و مجاری مشخص صورت گیرد و همه امور از راه علت و سبب خود به جریان افتند. فیوضات الهی بر دو قسم است:

فیوضات تکوینی: تمام هستی و سراسر کاینات از کوچک‌ترین موجودات تا کهکشان‌های بزرگ و عوالم دیگر، همه فعل خدا و صادر شده از اراده اوست. فیوضات تکوینی خداوند با واسطه به موجودات می‌رسد و آن واسطه وجود «ولی الله» (پیامبر یا وصی معصوم او) است. وجود «ولی الله» دارای چنین مرکزیتی در عالم هستی است که معبر پیدایش و ادامه هستی و تسلسل آفرینش است و خود او نخستین فیض الهی است که سبب سایر افاضه‌های خداوند است؛ بنابراین، جهان به وجود «ولی الله» برقرار است.

امام هادی علیه السلام به پیروانش تعلیم می‌دهد که بگویند:

وَ بِكُمْ يُنَزَّلُ الْغَيْثُ وَ بِكُمْ يُمَسِّكُ السَّمَاءُ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ.^۱

و به واسطه شماست که خداوند باران را نازل می‌کند و از فرود آمدن آسمان به زمین جلوگیری می‌نماید، مگر این که خود بخواهد.

ابی حمزه می‌گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: آیا زمین بدون امام، ماندگار است؟ فرمود:

اگر زمین بدون امام باشد، اهلش را فرو می‌برد.^۲

جریان شب قدر و نزول فرشتگان بر امام و تقدیر امور، در جهت همین تأثیر تکوینی امام در جهان خلقت است و نشان می‌دهد فیوضات الهی و سرنوشت‌ها به طور اجمال بر امام علیه السلام عرضه می‌شود و از طریق اراده آن حضرت به طور تفصیل، تحقق می‌یابد.

امام باقر علیه السلام در این باره می‌فرماید:

۱ - مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی، زیارت جامعه کبیره.

۲ - اصول کافی، ج ۱، ص ۱۷۹.

ای گروه شیعه! به سوره «أنا أنزلناه» (بر وجود امام و جانشین پیامبر) احتجاج کنید که پیروز می شوید. سوگند به خدا، این سوره حجت خدا بر بندگانش بعد از پیامبر ﷺ است.^۱

هم او فرمود:

اراده حتمی خدا بر این تعلق گرفته که در هر سال شبی باشد که فرشتگان برای تنظیم و تفسیر امور فرود آیند... و خداوند بزرگ تر از این است که روح و فرشتگان را بر کافر و فاسقی (رهبران و خلفای جور) نازل کند، (پس آنان بر قلب امام معصومی فرود می آیند).^۲

بنابر مضمون این سوره، شب قدر، هر سال وجود دارد، پس صاحب شب قدر نیز باید همیشه وجود داشته باشد؛ چرا که تداوم تقدیر در امر آفرینش، سنت تغییرناپذیر الهی است و مستلزم تداوم مجری تقدیر یعنی وجود مقدس حضرت مهدی (عج) است.

از دیگر فیوضات تکوینی امام عصر (عج)، نفوذ روحانی او در دل‌های مستعد است که موجب می شود آنان کشش و جذبۀ خاصی نسبت به ولایت «ولی الله» پیدا کنند و تحت تأثیر هدایت باطنی آن حضرت قرار گرفته، در صراط مستقیم الهی، ثابت قدم بمانند.

فیوضات تشریحی: امر هدایت و تشریح، خود فیضی بزرگ بوده، نیازمند واسطه‌ای قابل است که آن را دریافت کند و به مردم برساند. این گونه نیست که هر نفسی، مستعد قبول وحی و علوم الهی باشد. واسطه فیض تشریحی در مصداق خارجی، پیامبر یا امام است که هم اکنون منحصر به وجود مقدس حضرت مهدی (عج) است. نفس پاک و معصوم ایشان، حامل علوم پیامبر ﷺ است و با ظهورش به تعلیم و تربیت و ارشاد مردم خواهد پرداخت و نفوس بشری را به کمال خواهد رسانید. در حال حاضر به خاطر آماده نبودن شرایط ظهور، مردم جهان از هدایت تشریحی حضرتش محرومند؛ هر چند در مواردی ممکن است جاهلی را ارشاد کند و افرادی را به صلاح و درستی راهنمایی نماید، اما این مطلب عمومی نیست. نتیجه این که می توان گفت: حضرت مهدی (عج) در شأن هدایت تشریحی که شأنی از شؤون امامت است، غایب و پنهان است، اما در دیگر شؤون امامتش، در جهان، حاضر، ناظر، فعال و نافذ است و اگر او از تمام شؤون امامتش برکنار باشد، جهان هستی، اهلش را فرو خواهد برد؛ چرا که تا «ولی خدا» هست، جهان هست؛ چنان که تا جهان هست، حجت خدا نیز هست.

ب - امیدبخشی

در میدان‌های نبرد، همت سربازان به ویژه فرماندهان، این است که پرچم در برابر حملات دشمن

۱- همان، ص ۲۴۹.

۲- همان، ص ۲۵۳.

همچنان در اهتزاز باشد؛ چرا که برقرار بودن پرچم، مایه دلگرمی سربازان و تلاش و کوشش مستمر آنهاست. هم‌چنین وجود فرمانده لشکر در مقر فرماندهی - هر چند در ظاهر خاموش و ساکت باشد - خون گرم و پرحرارتی را در عروق سربازان به حرکت درمی‌آورد و آنان را به تلاش بیشتر وامی‌دارد، اما هرگاه خبر قتل فرمانده در میان سپاه پخش شود، ممکن است لشکری بزرگ در اندک زمانی متلاشی گردد. شیعه بنا بر عقیده‌ای که به وجود امام زنده و غایب دارد، خود را تنها نمی‌داند و همواره انتظار ظهور آن سفر کرده را می‌کشد. اثر روانی این طرز فکر در زنده نگه داشتن امید در دل‌ها و وادار ساختن افراد به خودسازی و آمادگی برای انقلاب جهانی او، به خوبی قابل درک است، به ویژه این‌که، امام علیه السلام در دوران غیبت به طور مداوم، مراقب حال شیعیان و پیروان خویش است و طبق الهام الهی از اعمال آنها آگاه می‌گردد.^۱ این اندیشه سبب می‌شود همه معتقدان به آن حضرت در یک مراقبت دائم فرو روند و هنگام ورود در هر کاری توجه به آن نظارت عالی داشته باشند. اثر تربیتی این طرز فکر نیز قابل انکار نیست.

توسل به حضرت مهدی (عج) و الطاف ویژه

توسل به بندگان خاص خداوند یکی از وسایل تقرب به درگاه خداست. در این میان توسل به حضرت مهدی (عج) به عنوان مقرب‌ترین بنده خدا در روی زمین، می‌تواند مشکلات متوسلان را برطرف کند. افراد زیادی در گذشته و حال بوده و هستند که این امر را تجربه کرده‌اند و با توسل و تضرع به درگاه خدا توفیق تشریف به محضر امام را یافته و به شفاعت ایشان به خواسته‌های خود رسیده گرفتاریشان رفع شده است. چه انسان‌هایی که با سوز و گداز به ساحت مقدس آن امام همام، متوسل گردیده و از الطاف حضرتش بهره‌مند شده‌اند.^۲ و این خود از دلایل تجربی وجود حضرت مهدی (عج) در پشت پرده غیبت و فایده‌رسانی‌اش به مردم است. اگر مادر حجاب‌گناه خود زندانی و از الطاف ویژه آن حضرت محروم هستیم، دلیل بر نبودن او نیست. ما می‌توانیم به عنوان یک منتظر واقعی امام زمان (عج) با توسل به ساحت مقدسش، از عنایات ایشان بهره‌مند گردیم و از انوار تابناک خورشید وجودش، راه خود را در تاریکی‌ها بیابیم.

نباید انتظار داشت که آفتاب برای نورافشانی مستقیم از پشت ابرها پایین بیاید، بلکه ما باید همچون مسافران هواپیما بر فراز ابرها قرار گیریم و از شعاع حیات بخش آفتاب بهره‌مند مستقیم گیریم.^۳

۱- ر.ک: اصول کافی، ج ۱، ص ۲۱۹. ۲- ر.ک: نجم‌الثاقب، باب هفتم، ص ۲۰۷-۴۱۲.

۳- ر.ک: خورشید مغرب، محمدرضا حکیمی، ص ۲۲۱-۲۳۶؛ مهدی انقلابی بزرگ، ناصر مکارم شیرازی، بخش ۳، فلسفه وجود امام به هنگام غیبت، ص ۲۴۷-۲۶۹.

بخش پنجم
انتظار

فصل اول

در انتظار حضرت مهدی (عج)

پیش از این گفته شد که اندیشه پیروزی نهایی حق بر باطل و غلبه قطعی صالحان و پرهیزکاران و کوتاه شدن دست ستمکاران و جباران از اجتماعات بشری، ریشه قرآنی دارد^۱ که در روایات اسلامی از آن به «انتظار فرج» تعبیر شده است. اصل انتظار فرج از یک اصل کلی قرآنی دیگر استنتاج می‌شود و آن «حرمت یأس از رُوحِ الله»^۲ است. افراد با ایمان در هیچ شرایطی تسلیم یأس و ناامیدی نمی‌شوند، اما این انتظار فرج و امیدواری به رحمت خدا، در مورد یک عنایت عمومی برای همه بشر است، نه شخصی یا گروهی؛ به علاوه این انتظار با نویدهای خاص و مشخصی همراه است و ظهور حضرت مهدی (عج) که مظهر رحمت خداوندی است، یک حادثه قطعی در آینده تاریخ است.

این اندیشه مشتمل بر عنصر خوش‌بینی نسبت به آینده و طرد عنصر بدبینی نسبت به پایان کار بشر است.

انتظار سازنده و مخرب

گروهی این گونه فکر می‌کنند که اگر ظهور حضرت مهدی (عج) - همان طور که در روایات تصریح شده است - جز با پر شدن زمین از ظلم و فساد واقع نخواهد شد، بنابراین دست زدن به هرگونه اصلاحات اجتماعی کمک به تأخیر ظهور است و برای تسریع آن لازم است از اقدامات

۱- ر.ک: توبه (۹)، آیه ۳۳، صف (۶۱)، آیه ۹ و انبیا (۲۱)، آیه ۱۰۵.

۲- «أَنْتُمْ لَا تَيَأْسُونَ مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ» همانا از رحمت خدا جز گروه کافران ناامید نمی‌شوند، یوسف (۱۲)، آیه ۸۷.

اصلاحی خودداری کرده، انجام آن را برعهده حضرت مهدی (عج) گذاشت. بنابراین دیدگاه، مفهوم انتظار، دست روی دست گذاشتن به دور از هرگونه مسؤولیت‌پذیری اجتماعی و انجام وظیفه است.

روشن است این برداشت منفی از انتظار، با تعالیم عمومی اسلام، به ویژه وظایف منتظران در زمان غیبت، منافات دارد. انتظار فرج که از عبادات و بلکه برترین آن‌ها شمرده شده، نمی‌تواند یک چنین بار منفی داشته باشد.

پیامبر اکرم ﷺ فرموده است:

أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ.^۱

برترین اعمال امتم انتظار فرج (حضرت مهدی) از سوی خداوند بزرگ است.

این حدیث، بیانگر آن است که انتظار فرج از سنخ عمل است، نه دست روی دست گذاشتن و سکوت. بنابراین، لازمه انتظار، حالت آماده باش داشتن و تهیه مقدمات آن ظهور بزرگ است. دوران دولت حضرت مهدی (عج) به تعبیر قرآن، دوران حکومت «بندگان صالح»^۲ است، یعنی آنان که صالحند وارث زمین می‌شوند. آیا انتظار این دوران، بدون به وجود آمدن بندگان صالح و شایسته، درست است یا انتظاری است کاذب؟! پس باید نخست در زمره بندگان صالح درآییم، آن‌گاه طالب نویدی که به آنان داده‌اند، باشیم. پس امتی که در انتظار ظهور مصلح به سر می‌برد، باید خود صالح باشد.

به بیان دیگر، چگونگی انتظار همواره متناسب با هدفی است که در انتظار وقوع آن هستیم:

- انتظار آمدن یک مسافر عادی از سفر؛

- انتظار بازگشت یک دوست بسیار عزیز؛

- انتظار فرا رسیدن فصل چیدن میوه از درخت و برداشت محصول؛

- ارتشی که هر لحظه در انتظار آمدن فرمانده و فرمان او برای جهاد آزادی‌بخش به سر

می‌برند و ...

هر یک از این انتظارها آمیخته با نوعی آمادگی است. به عنوان مثال، انتظار آمدن یک مسافر عزیز از راه دور به این است که خود را برای استقبال از او آماده کنیم و برای پذیرایی از وی وسایل و امکانات لازم را تهیه کرده باشیم.

۱- منتخب الأثر، ص ۴۹۶.

۲- انبیا (۲۱)، آیه ۱۰۵.

انتظار یک مصلح جهانی نیز به معنای آماده باش کامل فکری و عملی برای پیشبرد اهداف اوست. به عبارت دیگر، در دوران انتظار یعنی پیش از ظهور، باید آن‌گونه باشیم که اگر امام ظهور نمود از ما انتظار دارد آن‌گونه باشیم.

پاداش منتظران

کسی از امام صادق علیه السلام پرسید: درباره کسی که انتظار ظهور حکومت حق را می‌کشد و با این حال از دنیا می‌رود چه می‌گویید؟ امام فرمود:

او همانند کسی است که در خیمه «قائم» (عج) (ستاد ارتش او) با او باشد. سپس اندکی سکوت کرد و فرمود: بلکه مانند کسی است که همراه پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است. این مضمون با تعبیرات دیگری نیز نقل شده است:

او مثل کسی است که در محضر پیامبر صلی الله علیه و آله شهید شده است.

او به منزله کسی است که پیش روی پیامبر صلی الله علیه و آله جهاد کند.

همانند کسی است که خورش در راه خدا ریخته باشد.^۱

امام صادق علیه السلام در روایت دیگری فرمود:

... کسی که دوست دارد از یاران «قائم» (عج) باشد، پس منتظر بماند و به پرهیزکاری و

روش‌های نیک خو بگیرد؛ اگر او بمیرد و بعد از او «قائم» (عج) قیام کند، برای او پاداش کسی

خواهد بود که آن حضرت را درک کرده باشد؛ بنابراین (در عمل به دین) جدیت و تلاش

کنید؛ و ای گروهی که مورد عنایت و رحمت خدا هستید (پاداش الهی) گوارایتان باد،

منتظر بمانید.^۲

عبارات یاد شده، روشنگر این واقعیت است که یک نوع رابطه و تشابه، میان مسأله انتظار و

جهاد وجود دارد و انتظار چنین انقلابی، همواره با جهادی وسیع و دامنه‌دار همراه است.

۱ - منتخب الاثر، ص ۴۹۸.

۲ - منتخب الاثر، ص ۴۹۷ - ۴۹۸.

فصل دوم وظایف منتظران

منتظران راستین آن حضرت علاوه بر انجام دستورهای عمومی اسلام، باید تکالیف خاصی را در مورد حضرت مهدی (عج) مراعات نمایند که به بعضی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. شناخت درست از امامت و صفات آن حضرت؛ زیرا اعتقاد به امامت ایشان از ارکان اعتقادی دین اسلام است که مرگ بدون آن از نوع مرگ ضلالت و جاهلیت است.
۲. دعا برای سلامتی آن حضرت، به گونه‌ای که ائمه علیهم‌السلام تعلیم داده‌اند.^۱
۳. صدقه دادن برای سلامتی ایشان^۲، همان‌گونه که وقتی یکی از عزیزان ما، در سفر است، صدقه می‌دهیم تا سالم بازگردد. این صدقه نوعی ابراز مودت به آن حضرت است که همهٔ اُمت بدان مأمورند.

۴. اندوهناک بودن در فراق آن حضرت؛ از این رو، سزاوار است دعای ندبه در هر صبح جمعه خوانده شود، و آن دعا نالهٔ عاشقی است که در فراق آن حضرت اشک می‌ریزد، همان‌گونه که امام صادق علیه‌السلام در فراقش اشک ریخت.

سَدیر صیرفی می‌گوید: من و مفضل و ابو بصیر و أبان بر امام صادق علیه‌السلام وارد شدیم، دیدیم روی خاک نشسته و مانند زن جوان مرده‌گریه می‌کند و حزن و اندوه از چهره‌اش نمایان است، در حالی که می‌فرماید:

آقای من! غیبت تو خوابم را ربوده، بستم را بر من تنگ کرده، آرامش قلبی‌ام را گرفته و مصیبتم را ابدی کرده است. جز این مصیبت عظیم [غیبت تو] که در برابر دیدگانم مجسم است و از همه مصایب بزرگتر، جانگدازتر، سخت‌تر و ناآشنا تر است، چیزی را احساس نمی‌کنم، نه اشکی را که از دیدگانم روان است و نه ناله‌ای را که از سینه‌ام برمی‌خیزد.

۲- همان، ص ۵۰۲.

۱- منتخب الاثر، ص ۵۰۳.

سدیر می‌گوید: با دیدن این منظره، عقل از سر ما پرید و گمان کردیم، حادثه‌ای برای آن حضرت پیش آمده است. عرض کردیم: ای پسر بهترین آفریدگان! خداوند چشمانتان را نگریاند، چه حادثه‌ای پیش آمده که اشک شما روان است؟ در این هنگام آن حضرت نفس عمیقی کشید و فرمود:

امروز صبح در کتاب جفر نگاه می‌کردم، کتابی که شامل بر حوادث گذشته و آینده تا روز قیامت است و خداوند آن را به محمد ﷺ و امامان بعد از او اختصاص داده است. در آن جابه اخبار قائم (عج) برخورددم و درباره غیبت و طول عمر او و آزمایش مؤمنان در فکر فرو رفتم که چگونه طول غیبتش موجب شک و تردید آنان و ارتداد عده زیادی می‌شود، از این رو، غم و اندوه بر من غلبه کرد و متأثر شدم...^۱

۵. انجام طواف و حج مستحبی به نیابت از ایشان.

موسی بن قاسم می‌گوید: به امام جواد ﷺ عرض کردم: می‌خواهم به نیابت از طرف شما و پدرتان طواف کنم، اما به من می‌گویند نباید به نیابت از طرف او صیا طواف کرد. آن حضرت در پاسخ فرمود:

نه این چنین نیست، هر چه برایت امکان دارد طواف کن.^۲

۶. توسل و استغاثه به آن حضرت؛ چرا که او فریادرس بیچارگان و در ماندگان است و چه بسیار مشکلات و نیازهایی که بر اثر استغاثه به آن حضرت رفع شده است.^۳

۷. هنگامی که نام آن حضرت [قائم آل محمد ﷺ] برده می‌شود، همه برای تعظیم و تکریمش به پا خیزند، چنان که روایت شده که حضرت رضا ﷺ در مجلسی در خراسان وقتی نام «قائم» (عج) برده شد، ایستاد و دست بر سرش نهاد و فرمود:

اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَ سَهِّلْ مَخْرَجَهُ.^۴

۸. آشنا کردن مردم با امامت آن حضرت و راهنمایی آنان به لزوم پیروی از ایشان که نوعی

«تواصی به حق» است.^۵

۹. بزرگداشت و تجلیل از مقام افرادی که منسوب به آن حضرت هستند، از قبیل سادات، علما

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲- ۱، ص ۳۵۳-۳۵۴. ۲- وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۱۴۱ و ۱۳۸.

۳- ر.ک: نجم الثاقب یا زندگانی مهدی موعود (عج)، ص ۵۳۱-۵۳۸.

۴- منتخب الاثر، ص ۵۰۶. ۵- ر.ک: عصر (۱۰۳)، آیه ۴.

و صالحان که از خاندان آن حضرت یا شاگردان و جانشینان اویند.

۱۰. برای ثبات عقیده و ایمان خود به خواندن دعای زیر مداومت نماید.

زراره می‌گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: فدایت شوم، اگر زمان غیبت را درک نمودم، چه

کنم؟ آن حضرت فرمود:

ای زراره! اگر آن زمان را درک کردی، این دعا را بخوان:

اللَّهُمَّ عَرَّفَنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنَّمَا تَعَرَّفَنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ، اللَّهُمَّ عَرَّفَنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ
إِنَّمَا تَعَرَّفَنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ، اللَّهُمَّ عَرَّفَنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنَّمَا تَعَرَّفَنِي حُجَّتَكَ
صَلَّلْتُ عَنْ دِينِي.^۱

خداوند! خودت را به من بشناسان؛ زیرا اگر خودت را به من نشناسانی، پیامبرت را نخواهم شناخت. پروردگارا! فرستاده‌ات را به من بشناسان؛ چون اگر او را به من معرفی نکنی، حجت تو را نخواهم شناخت. بار الها! حجت (امام وقت) خود را به من معرفی کن؛ چرا که اگر او را به من نشناسانی، در دینم گمراه خواهم شد.

فصل سوم

در محضر امام عصر (عج)

یکی از وظایف منتظران، عمل به دستورها و رهنمودهای آن حضرت است. از امام عصر (عج) در دوران کوتاه حضور (پنج سال دوران پدر و در طول دوره غیبت صغری یعنی از سال ۲۵۵ هـ. ق تا سال ۳۲۹ هـ. ق) سخنان و نامه‌هایی به دست ما رسیده که شامل دستورالعمل‌های مهمی است و ما به عنوان منتظران امام باید در عمل به دستورهای آن حضرت اهتمام فوق‌العاده داشته باشیم. از این رو، در اینجا چند دستورالعمل امام را مطرح می‌کنیم:

عرضه هدایای پاک به محضر امام

مطابق احکام اسلام، واجب است که خمس (در مواردی که خمس تعلق می‌گیرد) را در زمان حضور امام به ایشان و در زمان غیبت به نمایان ایشان تحویل داد. علاوه بر آن یک شیعه منتظر هدایا، پیشکش و نذرهای دیگری را نیز به محضر امام عرضه می‌کند و شایسته است که در انتخاب هدایا از اموال پاک و حلال سعی فراوان داشته باشد و بسیار ناپسند است که شیعه منتظری خمس، وجوهات یا نذرهای خود برای امام زمان را از اموال شبهه‌آلود یا حرامی انتخاب کند که وقتی امام علیه السلام با نظر ولایت، باطن ناپاک آن‌ها را دید، از پذیرفتن آن‌ها امتناع ورزد.

سعد بن عبدالله اشعری قمی گوید: به همراه احمد بن اسحاق به محضر امام عسکری علیه السلام رسیده و در محضر ایشان نوباوه‌ای را در کمال حسن و جمال دیدم. احمد بن اسحاق اموال و وجوه شرعی و هدایای شیعیان را به محضر امام عسکری علیه السلام عرضه کرد. امام خطاب به فرزند بزرگوارش فرمود:

از اموال و هدایای شیعیان مُهر بگیر. (آنان را تحویل بگیر).

امام زمان (عج) به پدر عرض کرد:

مولای من! آیا جایز است که دست پاکم را به سوی هدایای ناپاک و اموال نجس دراز کنم؟

سپس امام عسکری علیه السلام خطاب به احمد بن اسحاق فرمود:

اموال را عرضه کن تا حلال و حرام آن‌ها را تعیین کند.

احمد بن اسحاق اموال را در محضر امام قرار داد و امام عصر (عج) حلال و حرام و مقدار حرام

را از هر کدام معین فرمود، از جمله با اشاره به یکی از اموال فرمود:

در این کیسه پول، دیناری است که در فلان تاریخ در ری ضرب شده و نصف نقش سکه

رفته است به اضافه سه قطعه قراضه زر به وزن یک دانگ و نیم که حرام می‌باشد. صاحب

این کیسه پول، در فلان ماه از فلان سال، یک من و یک چهارم من رشته پیش یکی از

همسایگانش که بافنده بود، گذاشت. همسایه‌اش ادعا کرد که رشته‌ها به سرقت رفته است،

ولی او ادعای همسایه را نپذیرفت و غرامت گرفت رشته‌ای را که نازک‌تر و یک من و نیم بود.

بعد دستور داد رشته‌ها را ببافد و این دینار و این خرده از قیمت آن پارچه است.

آن‌گاه امام با اشاره به یکی دیگر از اموال فرمود:

این پنجاه دینار است که برای ما دست زدن به آن (قبول آن) سزاوار نیست؛ زیرا آن‌ها پول

و بهای گندمی است که از شراکت صاحب مال با کشتکارانش نصیب او شده است. او به

هنگام تقسیم، سهم دوستانش را با کیل ناقص پرداخته و سهم خود را با کیل کامل

گرفته است.^۱

هدیه به امام، پاک‌کننده نفوس است

متأسفانه انسان‌ها در باب انفاق و ادای حقوق واجب و مستحب مالی، سست و ضعیف‌اند. آنان

گمان می‌کنند اموالی که به دست آورده‌اند، واقعاً محصول فکر، تلاش و تدبیر خودشان است و

مالکیتشان بر آن اموال صد در صد و قطعی است و هیچ کس - حتی خدا و پیامبر - در آن اموال

حقی ندارد و حال آن‌که آنان به کمک قوای جسمی و عقل خدادادی از سفره گسترده طبیعت

خداوندی استفاده کرده، قسمتی از مواهب طبیعت را به خود اختصاص داده‌اند و خداوند متعال

نیز به فضل و کرم خود این اختصاص دادن را امضا کرده و مالکیت آنان را با شرایطی تأیید کرده

است که از جمله آن شرایط، پرداخت حقوق واجب و مستحب مالی مانند خمس است. خداوند پیامبرش را مأمور کرده این حقوق واجب و مستحب را از آنان تحویل بگیرد و بدین وسیله روح و روان آنان را تزکیه کند:

خُدُّ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَ تُزَكِّيهِمْ بِهَا.^۱

از اموال آنان صدقه‌ای بگیر تا به وسیله آن پاک و پاکیزه‌شان سازی.

امام زمان (عج) به یکی از شیعیان می‌نویسد:

أَمَّا أَمْوَالُكُمْ فَلَا تَقْبَلُهَا إِلَّا لِتُطَهَّرُوا فَمَنْ شَاءَ فَلْيَصِلْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيَقْطَعْ فَمَا أَنَا اللَّهُ خَيْرٌ مِمَّا
أَنَاكُمْ.^۲

ما اموالتان (خمس، زکات، هدایا و نذورات شما) را قبول نمی‌کنیم جز برای این که شما پاکیزه شوید (پس شما به خاطر ادای حقوق واجب و مستحب مالی بر ما منت ندارید، بلکه ما هستیم که بر شما منت داریم که با پذیرفتن این اموال نفوس شما را تزکیه می‌کنیم) بنابراین هر کس می‌خواهد، بدهد و هر کس نمی‌خواهد، ندهد و قطع کند و (بدانید) آنچه خدا به ما داده است (نعمت و لایب و تقرب خاص به درگاه خدا) از آنچه به شما داده است (از اموال و مواهب دنیا)، برتر است.

بنابراین امام به شیعیان درس می‌دهد که با اهدای نذرها، هدایا و حقوق واجب مالی به محضر آن بزرگوار به خدا، پیامبر و امامان تقرب بجویند و زمینه طهارت روح خود را آماده کنند تا به سعادت واقعی نایل آیند.

اولویت خویشاوندان در صدقات

پرداختن صدقات واجب و مستحب به همه نیازمندان جایز است، ولی پرداخت آن به نیازمندان خویشاوند اولویت دارد؛ چون هم مصداق صدقه است و هم مصداق صله رحم و خویشاوندان بر انسان بیشتر حق دارند تا دیگر مؤمنان، مسلمانان و انسان‌ها؛ بلکه بنا بر روایتی از امام معصوم:

لَا صَدَقَةَ وَ ذُو رَحِمٍ مُّحْتَاَجٌ.^۳

صدقه [قبول یا کامل] نیست، در حالی که خویشاوند، نیازمند باشد.

۲- احتجاج، طبرسی، ج ۲، ص ۴۷۰.

۱- توبه (۹)، آیه ۱۰۳.

۳- بحار الانوار، ج ۲۰، ص ۳۹.

محمد بن عبدالله حمیری در نامه‌ای از محضر امام زمان (عج) می‌پرسد:

فردی نیت می‌کند مبلغی به یکی از برادران دینی‌اش کمک کند و قبل از این که اقدام نماید می‌بیند در بین خویشاوندان خودش فردی نیازمند است. آیا باید او آن پول را به نیازمند خویشاوند بدهد و از پرداختن آن به فردی که نیت کرده بود، منصرف شود؟

امام در جواب می‌نویسد:

پول را به آن یکی بدهد که او را به مذهب خودش نزدیک‌تر می‌بیند و اگر می‌خواهد به کلام معصوم عمل کند که فرمود: «لَا صَدَقَةَ وَ ذُو رَحِمٍ مُّحْتَأَجٌّ»، پس آن پول را بین خویشاوند محتاج و آن برادر دینی تقسیم کند تا به تمام فضیلت (فضیلت عمل به کلام معصوم و کمک به خویشاوند و فضیلت کمک به برادر دینی) دست یابد.^۱

نماز؛ بهترین به خاک مالنده بینی شیطان

نماز، برترین عبادت است و در اسلام به آن اهمیت زیادی داده شده است. در کلام امام زمان (عج) نیز نماز مورد عنایت ویژه قرار گرفته است. دو کلام از امام زمان (عج) نشان دهنده اهمیت فوق‌العاده نماز است.

اهل سنت نماز خواندن هنگام طلوع آفتاب و غروب آفتاب را جایز نمی‌دانند و مستند آنان روایاتی از رسول خدا به این مضمون است:

هنگام طلوع و غروب خورشید نماز نخوانید؛ زیرا آفتاب بین دو شاخ شیطان طلوع و غروب می‌کند.^۲

از طریق امامان شیعه نیز روایاتی به همین مضمون رسیده است و هم‌چنین روایاتی داریم که نماز خواندن هنگام طلوع و غروب خورشید را جایز شمرده‌اند.^۳ در جمع این روایات گفته‌اند ممکن است روایات منع از باب «تقیّه» صادر شده باشد و یا روایات منع دلالت بر کراهت دارد؛ زیرا نماز خواندن در این ساعات مشابهت به عمل خورشید پرستان دارد و از این رو، مورد منع قرار گرفته است و یا ممکن است منظور از روایات منع، نهی از به تأخیر انداختن نماز صبح و

۱- احتجاج، ج ۲، ص ۴۹۱.

۲- المختار من کلمات الامام المهدي (عج)، محمد غروی، ج ۲، ص ۱۱۲ به نقل از صحیح مسلم، ج ۲، ص ۲۱۰-۲۱۱.

۳- همان.

عصر تا هنگام طلوع و غروب آفتاب باشد.^۱ در هر حال، با توجه به اعتقاد مشهور بر ممنوع بودن نماز در این دو وقت، یکی از شیعیان از محضر امام علیه السلام در مورد نماز خواندن در این دو وقت پرسید و امام در جواب نوشت:

أَمَّا مَا سَأَلْتَ عَنْهُ مِنَ الصَّلَاةِ عِنْدَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَ عِنْدَ غُرُوبِهَا فَلَيْنُ كَانَ كَمَا يَقُولُونَ: إِنَّ الشَّمْسَ تَطْلُعُ بَيْنَ قَرْنَيْ الشَّيْطَانِ وَ تَغْرُبُ بَيْنَ قَرْنَيْ الشَّيْطَانِ، فَمَا أَرْغَمَ أَنْفَ الشَّيْطَانِ شَيْءٌ أَفْضَلَ مِنَ الصَّلَاةِ فَصَلِّهَا وَ أَرْغِمِ الشَّيْطَانَ أَنْفَهُ.^۲

و اما سؤال از نماز هنگام طلوع و غروب خورشید، پس اگر چنان باشد که می‌گویند: «خورشید از بین دو شاخ شیطان طلوع می‌کند و در بین دو شاخ شیطان غروب می‌کند»، (ولی) هیچ چیز بهتر از نماز، بینی شیطان را به خاک نمی‌مالد (و او را خوار و ذلیل نمی‌کند) پس در آن زمان‌ها هم نماز بگزار و بینی شیطان را به خاک بمال.

جمله آخر روایت حکایت از اهمیت و اثر فوق‌العاده نماز دارد. نماز، برترین عبادت و بهترین وسیله نشان دادن خضوع و خشوع در محضر خدا و به خاک مالیدن بینی شیطان نفس و شیطان جن است. انسان نمازگزار با اظهار عبودیت، بندگی، ضعف و ناتوانی خویش و با اقرار به ربوبیت، قدرت و رحمت و هدایت پروردگار و نفی آلهه‌های دیگر، عاجزانه دست نیاز به سوی خدای بی‌نیاز دراز می‌کند و با تعظیم و پیشانی‌ساییدن بر خاک درگاه او، جبروت نفس را می‌شکند و آن را به تسلیم در برابر اراده الهی وامی‌دارد و بدین وسیله شیطان را که به گمراه کردن او دل بسته بود، نا امید می‌گرداند و ادعای شیطان مبنی بر گمراه کردن همه انسان‌ها را باطل می‌کند و او را خوار و ذلیل می‌گرداند.

طور موسی برتر از میقات نماز نیست

حضرت موسی علیه السلام از مدین به سوی مصر روان بود. در طول سفر، شب هنگام در تاریکی، سرما و وحشت بیابان، در دور دست آتشی مشاهده کرد. خانواده را در آن بیابان تاریک، رها کرد و خود برای آوردن آتش گیرانه یا راهنمایی گرفتن از افراد کنار آتش، به سوی آن روان شد. هنگامی که به طور رسید مشاهده کرد نور آتش نیست، بلکه تجلی خداوند بر درخت است که آن را نورانی کرده و از دور آتش نمایانده است. به ناگاه سروش غیبی به گوشش رسید که:

يَا مُوسَىٰ ۝ اِنَّا رُبُّكَ فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ اِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى^۱.

ای موسی! این منم پروردگار تو، پای پوش خود را بیرون آر که در وادی مقدس «طوی» هستی.

گروهی - به ویژه اهل سنت - روایت کرده اند که موسی از آن جهت مأمور شد پا پوش خود را در آورد که آن‌ها از پوست مردار و نجس بودند و طور، محل تکلم با خدا و مقدس بود و نباید با پا پوش نجس بر آن قدم گذارد. سعد بن عبدالله اشعری گوید: وقتی به محضر امام زمان (عج) رسیدم و پرسیدم:

آقای من! درباره امر خدا به پیامبرش موسی به من خبر ده (که چرا مأمور به کندن پا پوش خود شد؟) چه این که فقهای شیعه و سنی گمان می‌کنند که نعلین حضرت از پوست مردار بود (و از این جهت مأمور به کندن آن شد).

امام در پاسخ فرمود:

هر کس چنین بگوید، بر موسی افترا بسته و او را در حال نبوت، جاهل شمرده است؛ زیرا یا نماز خواندن موسی با آن پا پوش جایز بوده، یا جایز نبوده است. اگر جایز بوده است که با آن‌ها نماز بخواند پس (نجس نبوده‌اند و) جایز بوده که با آن‌ها در وادی طوی نیز حاضر شود؛ چون گرچه آن وادی پاک و مقدس بوده، ولی مقدس تر و پاک تر از نماز نبوده است و اگر جایز نبوده در آن‌ها نماز بخواند (به خاطر نجس و از اجزای مردار بودن) پس باید مدعی بپذیرد که از نظر او موسی حلال و حرام را نمی‌شناخته و نمی‌دانسته پوشیدن چه چیزهایی در نماز جایز است و چه چیزهایی جایز نیست! داشتن چنین اعتقادی درباره پیامبران کفر است.

سعد گوید: از امام پرسیدم: تأویل و معنای واقعی آیه را برایم بگو.

امام فرمود:

موسی در وادی مقدس طوی با خدا مناجات کرد و عرضه داشت: خدایا! من محبت‌م را فقط به تو اختصاص داده‌ام و قلبم را از محبت غیر تو شسته‌ام در حالی که به اهل و عیال خود علاقه و افری داشت (و حواسش متوجه آنان بود). خدای تعالی فرمود: «فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ» اگر

محبتت را فقط به من اختصاص داده‌ای و قلبت را از میل به غیر من شسته‌ای، پس محبت اهل و عیال را از قلبت بیرون کن^۱ (و فقط متوجه من باش).

در این کلام، امام علیه السلام وادی طوی و کوه طور و محلّ میقات موسی با خدا را با نماز مقایسه می‌کند و آن را مقدس‌تر از نماز نمی‌شمرد؛ زیرا وادی مقدس، محل ملاقات و مکالمه موسی با محبوب مطلق بود، میقات نماز نیز محل ملاقات و مکالمه مؤمن با خداست و همچنان که موسی نباید با پاپوش و پای بند ظاهر بر طور قدم بگذارد و نباید هیچ تعلق خاطر دیگری داشته باشد و باید همه تعلقات خود را به کنار نهاده و آن‌گاه به وادی مقدس قدم گذارد، مؤمن نیز باید هنگام نماز، همه تعلقات دنیوی را به کنار نهاده، با قلبی فارغ از تعلقات به محضر خدا رو کند. کوه طور و وادی طوی گرچه مقدس و طاهراند، ولی پاک‌تر و مقدس‌تر از نماز (میقات مؤمن با خدا) نیستند.

ردّ بر اهل غلو

بعضی از انسان‌ها متأسفانه اهل تعادل نیستند و از جاده عدالت و طریق وسطی منحرف شده، به چپ یا راست می‌گرایند و افراط یا تفریط می‌کنند. نمونه افراط و تفریط انسان‌ها را در برابر اولیای خدا می‌توانیم مشاهده کنیم. پیامبران و امامان علیهم السلام با این دو گروه مواجه بودند. وقتی پیامبر یا ولی خدا به اوج فضایل و کمالات می‌رسد، دشمنان که نسبت به آنان جانب تفریط را گرفته‌اند و بغض و کینه دارند، با مشاهده آن کمالات و اخلاق متعالی، به جای متنه شدن و گرایش یافتن، بر عناد و لجاج خود می‌افزایند و بغض و کینه را بروز می‌دهند و اولیای خدا را ساحر، شیاد و جادوگر معرفی می‌کنند. در مقابل این دشمنان، دوستان افراطی نیز پیامبران و امامان را از ساحت بندگی بالا برده، به مقام ربوبیت می‌رسانند و محبت افراطی آنان را گمراه می‌کند.

ضرر این دوستان ناآگاه به مراتب بیشتر از آن دشمنان مغرض و کینه‌توز است؛ از این رو، می‌بینیم که معصومان «صلوات الله علیهم اجمعین» با غلو به شدت مبارزه کرده‌اند و از جمله امام زمان (عج) نسبت به این پدیده موضع‌گیری شدیدی دارد.

در دوره غیبت صغری بین شیعیان اختلاف افتاد و گروهی قائل شدند که خداوند بزرگ آفریدن و روزی دادن را به امامان واگذار و تفویض کرده است و این امامانند که مخلوقات را می‌آفرینند و روزی می‌دهند. در مقابل گروهی دیگر گفتند: تفویض بر خدای تعالی محال است و

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۶۰.

غیر خدا، قدرت بر خلقت ندارد. نزاع و اختلاف این دو گروه شدید شد و در نهایت بنا گذاشتند از محضر نایب امام زمان (عج)، محمد بن عثمان بیان حق را بخواهند. مطلب خود را به محضر ایشان نوشتند و توقیع و جواب امام به شرح زیر به دست آنان رسید:

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى هُوَ الَّذِي خَلَقَ الْأَجْسَامَ وَ قَسَمَ الْأَرْزَاقَ لِأَنَّهُ لَيْسَ بِجِسْمٍ وَلَا خَالٌ فِي جِسْمٍ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ وَ أَمَّا الْأَيْمَةُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ فَإِنَّهُمْ يَسْأَلُونَ اللَّهَ تَعَالَى فَيَخْلُقُ وَ يَسْأَلُونَهُ فَيَزُوقُ إِيجاباً لِمَسْأَلَتِهِمْ وَ إِعْظاماً لِحَقِّهِمْ.^۱

همانا خدای تعالی که خالق اجسام و تقسیم‌کننده روزی‌ها است، نه جسم می‌باشد و نه در جسم حلول کرده است. ماندنی برای او نیست و او شنوای بی‌نا است؛ اما امامان علیهم‌السلام؛ آنان از خداوند (خلقتی را) طلب می‌کنند و خداوند به اجابت طلب آنان می‌آفریند و آنان از خداوند برای کسی طلب روزی می‌کنند و خداوند به اجابت دعای آنان و برای بزرگداشت حقشان، او را روزی می‌دهد.

در نامه دیگری از امام زمان (عج) خطاب به محمد بن علی بن هلال کرخی در رد غلات و مفوضه شیعه^۲ چنین آمده است:

يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ تَعَالَى اللَّهُ وَ جَلَّ عَمَّا يَصِفُونَ، سُبْحَانَهُ وَ بِحَمْدِهِ، لَيْسَ نَحْنُ شُرَكَاءُ فِي عَمَلِهِ وَ لَا فِي قُدْرَتِهِ بَلْ لَا يَعْلَمُ الْغَيْبَ غَيْرُهُ كَمَا قَالَ فِي مُحْكَمِ كِتَابِهِ تَبَارَكَتْ أَسْمَاؤُهُ: «قُلْ لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ»^۳

اَنَا وَ جَمِيعُ آبَائِي مِنَ الْأَوَّلِينَ: أَدَمَ وَ نُوحَ وَ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَى وَ غَيْرِهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَ مِنَ الْأَخْرِيْنَ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ وَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَ غَيْرِهِمْ مِمَّنْ مَضَى مِنَ الْأَيْمَةِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، إِلَى مَبْلَغِ آيَاتِي وَ مُنْتَهَى عَصْرِ عِبِيدُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ...

۱- احتجاج، ج ۲، ص ۴۷۱.

۲- در قبال مفوضه که فائند خدا امر خلقت را به امامان واگذارده، محققان شیعه معتقدند پیامبر و امامان معصوم صلوات‌الله‌علیهم‌اجمعین بندگان خاص خدا هستند و مسیر عبودیت را طی کرده‌اند و از نردبان بندگی بالا رفته، به اوج رسیده‌اند و در خدا فانی شده‌اند. آنها دیگر از خود هیچ ندارند و فهم و دست و چشم و گوش آنان الهی شده است. خداوند آنان را برگزیده و به خود اختصاص داده است و آنها مظهر و خلیفه خدا شده‌اند و فعل آنان فعل خداست. خداوند به دست آنان روزی می‌دهد و به دست آنان تدبیر می‌کند و آنان واسطه فیض حق گشته‌اند و این مطلب غیر از تفویض باطل است. آیت‌الله جوادی آملی در این زمینه بیان مفصل و رسایی دارند که پژوهندگان را به آن ارجاع می‌دهیم: تفسیر موضوعی قرآن مجید، ج ۸، ص ۱۸۳-۱۸۵.

۳- نمل (۲۷)، آیه ۶۵.

يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ قَدْ آذَانَا جُهْلَاءُ الشَّيْبَعَةِ وَ حُمَقَاءُ هُمْ وَ مَنْ دَبَّتْهُ جَنَاحُ الْبُعُوضَةِ أَرْجَحُ مِنْهُ فَأَشْهَدُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَ كَفَى بِهِ شَهِيداً وَ رَسُولَهُ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ مَلَائِكَتَهُ وَ أَنْبِيََاءَهُ وَ أَوْلِيَائَهُ وَ أَشْهَدُكَ وَ أَشْهَدُ كُلَّ مَنْ سَمِعَ كِتَابِي هَذَا أَنِّي بَرِيءٌ إِلَى اللَّهِ وَ إِلَى رَسُولِهِ مِمَّنْ يَقُولُ إِنَّا نَعْلَمُ الْغَيْبَ^۱ وَ نُشَارِكُهُ فِي مُلْكِهِ أَوْ يُحِلُّنَا مَحَلًّا سِوَى الْمَحَلِّ الَّذِي رَضِيَ اللَّهُ لَنَا وَ خَلَقْنَا لَهُ أَوْ يَتَّعِدِي بِنَا عَمَّا قَدْ فَسَّرْتَهُ لَكَ وَ بَيَّنَّتُهُ فِي كِتَابِي. وَ أَشْهَدُكُمْ أَنَّ كُلَّ مَنْ نَبَرَأُ مِنْهُ فَإِنَّ اللَّهَ يَبْرَأُ مِنْهُ وَ مَلَائِكَتُهُ وَ رُسُلُهُ وَ أَوْلِيَائُهُ وَ جَعَلْتُ هَذَا التَّوْقِيعَ الَّذِي فِي هَذَا الْكِتَابِ أَمَانَةً فِي عُنُقِكَ وَ عُنُقِي مَنْ سَمِعَهُ أَنْ لَا يَكْتُمَهُ لِأَحَدٍ مِنْ مَوَالِي وَ شَيْعَتِي حَتَّى يَظْهَرَ عَلَيَّ هَذَا التَّوْقِيعَ الْكُلُّ مِنْ الْمَوَالِي لَعَلَّ اللَّهَ يَتَلَفَّاهُمْ فَيَرْجِعُونَ إِلَى دِينِ اللَّهِ الْحَقِّ وَ يَنْتَهُونَ عَمَّا لَا يَعْلَمُونَ مُنْتَهَى أَمْرِهِ وَ لَا يَبْلُغُ مُنْتَهَاهُ فَكُلُّ مَنْ فِيهِمْ كِتَابِي وَ لَا يَرْجِعُ إِلَى مَا قَدْ أَمَرْتَهُ وَ نَهَيْتُهُ، فَقَدْ حَلَّتْ عَلَيْهِ اللَّعْنَةُ مِنَ اللَّهِ وَ مِمَّنْ ذَكَرْتُ مِنْ عِبَادِهِ الصَّالِحِينَ.^۲

ای محمد بن علی! خداوند برتر و متعالی تر از توصیف آنان است. تسبیح و حمد او (می‌کنم). ما شریک‌های خدا در کارش و در قدرتش نیستیم و غیب را غیر او نمی‌دانند، همچنان که در کتاب محکم خود فرموده است: بگو کسانی که در آسمان و زمین هستند، جز خدا، غیب را نمی‌دانند. من و همه پدرانم از اولین: آدم، نوح، ابراهیم، موسی و پیامبران دیگر و از آخرین: محمد، علی بن ابی‌طالب و دیگر امامان گذشته تا امروز - صلوات خدا بر آنان -، بندگان خدای تعالی هستیم. ...

ای محمد بن علی! جاهلان شیعه و احمقانی که پر پشه‌ای از دیانت آنان سنگین تر است، ما را آزار می‌دهند. من خدایی را که جز او خدایی نیست به شهادت می‌گیرم - و شهادت او کافی است - و فرستاده‌اش محمد - صلی‌الله‌علیه‌وآله - و ملائکه‌اش و اولیائش و تورا و همه

۱ - درباره علم غیب امامان، بنابر آیات قرآن علم غیب اختصاص به خداوند دارد و هیچ کس دیگری علم غیب ندارد و بنابر بعضی آیات دیگر بعضی از بندگان خدا به اذن او علم غیب دارند و این آیات با هم منافات و مخالفت ندارند؛ چون علم غیب دیگران - پیامبران و امامان - به اراده و اذن خداست و به خود آنان استناد ذاتی ندارد. آنان به خودی خود علم غیب ندارند، بلکه خداوند - که عالم مطلق است - آنان را به غیب آگاه کرده است. آنچه امام در حدیث یاد شده در صدد انکار آن است، استناد علم غیب به خود امامان است. می‌فرماید: ما به خودی خود هیچ نداریم از جمله علم به غیب و فقط خداست که همه چیز از جمله علم به غیب دارد. کسانی که امامان را عالم به غیب بدانند و این علم را به خود امامان استناد دهند، آنان را در ردیف خدا و شریک او قرار داده‌اند و این غلو و کفر است و امام از چنین جهالت‌هایی در رنج و عذاب است. ۲ - احتجاج، ج ۲، ص ۴۷۳ - ۴۷۴.

آنان را که این نامه به گوششان خواهد خورد، که من به سوی خدا و رسولش بیزاری می‌جویم از هر کس که بگوید «ما علم غیب داریم و در ملک خدا با او شریکیم» یا ما را در جایگاهی قرار دهد غیر آن جایگاهی که خدا برای ما پسندیده و برای آن آفریده است و (نسبت به ما) از این مقامی که برایت تفسیر کردم و در این نامه بیان نمودم، تجاوز کند. و شما را گواه می‌گیرم که خداوند، ملائکه، رسولان و اولیای او بیزارند از هر کس که ما از او تبری بجویم. این توقیع را که در این نامه نوشته‌ام امانتی برگردن تو و هر کس که بشنود، قرار دادم (و شما را متعهد نمودم) که آن را از هیچ کدام از دوستان و شیعیان ما کتمان نکند و همه آنان را بر مضمون آن آگاه گرداند، شاید خداوند (به وسیله این توقیع گذشته) آنان را جبران کند و آنان به دین حق خدایی برگردند و از آنچه (غلو) نسبت به سرانجامش جاهلند، دست بکشند. پس هر کس که این نامه را بفهمد و به سوی آنچه او را بدان امر کردم بازنگردد و از آنچه از آن نهی نمودم دست نکشد، لعنت خدا، پیامبران، ملائکه، اولیا و بندگان صالح بر او واقع شده است.

خداوند با کسی خویشاوندی ندارد

اسحاق بن یعقوب گوید مسائلی را در نامه‌ای نوشته بودم و به نایب امام زمان (عج)، محمد بن عثمان عمری دادم تا به امام برساند و جواب آن‌ها را برایم بگیرد. امام جواب مسائل را به خط خود نوشت؛ از جمله:

أَمَا مَا سَأَلْتَ عَنْهُ أَرَشَدَكَ اللَّهُ وَ تَبَيَّنَكَ مِنَ أَمْرِ الْمُتَكْرِپِينَ لِي مِنْ أَهْلِ بَيْتِنَا وَ بَنِي عَمَّنَا
فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَيْسَ بَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ بَيْنَ أَحَدٍ قَرَابَةٌ وَ مَنْ أَنْكَرَنِي فَلَيْسَ مِنِّي وَ سَبِيلُهُ سَبِيلُ
ابْنِ نُوحٍ.^۱

خدا تو را ارشاد کند و بر حق ثابت قدم بدارد، سؤالی که درباره افرادی از خانواده‌ام و عموزادگانم مطرح کردی که منکر امامت هستند (که با توجه به انکارشان و این‌که از ذریه فاطمه زهرا و رسول الله هستند، عاقبتشان چگونه است؟) بدان که خداوند با کسی خویشاوندی ندارد. هر کس مرا انکار کند، از من نیست و به راه فرزند نوح رفته است (که با

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۸۴.

کفر و انکارش رابطهٔ نسبی اش را قطع کرد و این ارتباط نسبی برایش فایده نداشت و در قیامت سبب نجاتش نخواهد شد.

امام زمان (عج) در این جواب هشدار می‌دهد که به روابط نسبی و سببی دنیایی دل‌خوش نباشید و بدانید آنچه نجات‌بخش است، ایمان و عمل صالح می‌باشد. اگر ایمان و عمل صالح به روابط نسبی و سببی ضمیمه شد، آن روابط ماندگار بوده و در قیامت نیز دوام خواهد داشت، ولی اگر ایمان و عمل صالح به آن روابط ضمیمه نشد، آن روابط باطل شده و برای آن افراد منشأ اثر مثبتی نخواهد بود، بلکه باعث سنگین‌تر شدن گناه آنان می‌گردد.

همهٔ انسان‌ها در محکمهٔ عدل الهی با یک میزان سنجیده می‌شوند و به یک قانون محاکمه می‌گردند، پس باید به این هشدار توجه کرد و به پیوندهای ظاهری دنیایی مغرور نشد و از اصلاح نفس و تحصیل ایمان غفلت نوزید.

این‌ها برخی درس‌های مهمی بود که شایسته است یک شیعهٔ منتظر از محضر امام زمان (عج) فراگیرد.

بخش ششم
عصر ظهور

فصل اول

علائم ظهور

برای ظهور حضرت مهدی (عج) نشانه‌هایی قرار داده شده تا حق طلبان با تحقق هر یک از آن‌ها، مژده نزدیکی ظهورش را دریافت کنند و نیز حجتی برای عموم باشد تا مبادا فریب مدعیان دروغین مهدویت را خورده، گمراه شوند و این جدا از ویژگی‌های جسمی و نسبی حضرت مهدی (عج) است که در درس‌های گذشته یادآور شدیم.

و باید توجه داشت که بیشتر شرایط و علائم ظهور،* اموری هستند که پیدایش هر یک از آن‌ها بیانگر آن است که ظهور تا اندازه‌ای نزدیک شده است، اما دلیل آن نخواهد بود که بعد از وقوع آن‌ها، بلافاصله حضرت مهدی (عج) ظهور می‌کند؛ البته درباره بعضی از علائم تصریح شده که مقارن ظهور واقع می‌شوند.

از روایات اهل بیت علیهم‌السلام استفاده می‌شود برخی علائم ظهور حضرت مهدی (عج) «حتمی» و بعضی «غیر حتمی» است.

علائم حتمی حوادثی هستند که به طور حتم قبل از ظهور واقع می‌شوند و مشروط به شرط یا قیدی نیستند.

* - ممکن است بین شرایط ظهور و علائم آن فرق بگذاریم، بدین معنی که شرایط ظهور اموری باشد که در زمره علل ظهور آن حضرت است و ظهور متوقف بر تحقق آن‌هاست، چنان که ممکن است پیدایش عدد کافی از یاران خالص آن حضرت را از جمله شرایط ظهور بدانیم که تعدادشان در روایات ۳۱۳ نفر مشخص شده است، اما علائم ظهور اموری هستند که حکایت از نزدیکی ظهور دارند، بدون این که ظهور متوقف بر آن‌ها باشد. البته نقطه اشتراک علائم و شرایط در این خواهد بود که هر دو قبل از ظهور واقع می‌شوند، اما تشخیص این که کدام یک از آنچه در روایات بیان شده از شرایط یا علائم است، کار مشکلی است، بلکه ممکن است همه حوادث قبل از ظهور، به گونه‌ای در نزدیکی و تحقق ظهور مؤثر باشند که ما از آن‌ها آگاهی نداریم. (ر.ک: تاریخ الغیبة الکبری، سید محمد صدر، ج ۲، ص ۳۹۵).

علائم غیر حتمی اموری هستند که مشروط به شرط یا شرایطی هستند که اگر آنها تحقق یابند، «مشروط» نیز واقع خواهد شد و مصلحت بوده که به طور اجمال از علائم ظهور شمرده شوند. معلی بن خنیس می‌گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: بعضی از امور (ی که از علائم ظهورند) حتمی و بعضی غیر حتمی است از جمله امور حتمی خروج سفیانی در ماه رجب است.^۱

علائم حتمی

بعضی از نشانه‌های حتمی ظهور امام زمان علیه السلام براساس روایات^۲ به قرار زیر است:

۱. خروج سفیانی و یمانی: در روایات آمده که سفیانی از نسل ابوسفیان و نامش عثمان بن عنبسه است، پنج شهر شام - دمشق، حمص، فلسطین، اردن و قنسرین - را به تصرف خود درمی‌آورد.^۳ امام صادق علیه السلام فرمود:

ما و خاندان ابو سفیان دو اهل بیته هستیم که در مورد خداوند با همدیگر دشمنی کردیم، ما گفتیم خداوند راست می‌فرماید و آنان گفتند دروغ می‌گوید. ابوسفیان با پیامبر صلی الله علیه و آله، معاویه با علی علیه السلام و یزید بن معاویه با حسین علیه السلام جنگیدند و سفیانی با قائم (عج) می‌جنگد.^۴ یمانی نیز شخصی از اهل یمن است که از دوستان اهل بیت علیهم السلام است و برای یاری آنان قیام می‌کند.^۵

۲. خروج دجال: نزال بن سبره می‌گوید: صعصعة بن صوحان از حضرت علی علیه السلام سؤال کرد: دجال کی خروج می‌کند؟ آن حضرت در پاسخ فرمود:

... سوگند به خدا، کسی که از او سؤال کردی (در این زمینه) داناتر از سؤال کننده نیست، ولی (خروج دجال) علائمی دارد که پشت سر هم ظاهر می‌شوند. اگر بخواهی از آنها خبر دهی...^۶

۳. صیحة آسمانی: منظور از صیحه، ندایی آسمانی است که نام حضرت مهدی (عج) را می‌برد و همه ساکنان زمین، آن را به زبان خودشان، می‌شنوند.

۲- همان، ص ۲۰۴.

۱- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۹.

۴- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۰.

۳- ر.ک: منتخب‌الاثار، ص ۴۵۷.

۶- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۳.

۵- همان، ص ۲۷۵.

زراره می‌گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

کسی نام قائم (عج) را (در جهان) می‌برد، عرض کردم: آیا این صدا را افراد خاصی می‌شنوند یا همگانی است؟ فرمود: این صدا عمومی است و هر کس به زبان خودش آن را می‌شنود...^۱

۴. فرو رفتن لشکر سفیانی در صحرا: حضرت علی علیه السلام در این زمینه فرمود:

نزدیک زمان قیام مهدی (عج) سفیانی خارج می‌شود و نه ماه به اندازه دوران حاملگی زن، فرمانروایی می‌کند. لشکر او به سوی مدینه می‌آید تا این‌که وقتی به صحرا رسید، خداوند آن را در زمین فرو می‌برد.^۲

باید توجه داشت که سفیانی لشکر خودش را برای جنگ با حضرت مهدی (عج) به سوی مدینه گسیل می‌دارد؛ ناگهان متوجه می‌شود که آن حضرت به سوی مکه روانه شده است؛ لشکر او به دنبال آن حضرت راهی مکه می‌شود، اما در بین راه به امر الهی در زمین فرو می‌رود.^۳

۵. کشته شدن «نفس زکیه»: امام باقر علیه السلام فرمود:

قائم (عج) به یارانش می‌گوید: ای اصحاب من! اهل مکه مرا نمی‌خواهند، اما من کسی را به سوی آنان خواهم فرستاد تا حجت را بر آنان تمام کنم. پس مردی از یاران خود را فراخوانده و به او می‌گوید: به سوی مکه رفته و اعلام کن ای اهالی مکه! من فرستاده مهدی (عج) به سوی شما هستم. و او خطاب به اهل مکه چنین اظهار می‌دارد: ما اهل بیت رحمت و معدن رسالت و خلافتیم، ما ذریه محمد و از نسل پیامبرانیم، از هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله از دنیا رفته، ما مورد ظلم و ستم قرار گرفته‌ایم، از شما یاری می‌طلبم مرا یاری کنید. اما اهل مکه او را در بین رکن (حجر الاسود) و مقام (ابراهیم علیه السلام) سر می‌برند و او دارای نفسی پاک است. (زیرا بدون هیچ گناهی کشته می‌شود).^۴

امام صادق علیه السلام فرمود:

بین قیام قائم آل محمد علیهم السلام و کشته شدن «نفس زکیه» پانزده شب بیشتر فاصله نمی‌افتد.^۵

در بعضی از روایات امور دیگری از علائم حتمی شمرده شده است:

۱- منتخب الاثر، ص ۴۵۰، ۴۵۳ و ۴۵۵. ۲- همان، ص ۴۵۵.

۳- ر.ک: الامام المهدی من المهدی الی الظهور، سید محمدکاظم قزوینی، ص ۴-۳۶۳.

۴- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷. ۵- همان، ص ۱۹۲.

عبدالله بن سنان از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمود:

... و دستی که از طرف آسمان آشکار می‌شود، از جمله امور حتمی است.^۱

ثمالی از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود:

... و اختلاف و انقراض فرزندان عباس از امور حتمی است...^۲

علائم دیگر

امور و حوادث زیادی به عنوان علائم ظهور در روایات مطرح شده بدون این که به حتمی بودن آن‌ها تصریح شود که به بعضی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. گرفتن خورشید و ماه در ماه رمضان: عبید بن خلیل می‌گوید: امام باقر علیه السلام فرمود:

دو چیز قبل از قیام قائم (عج) خواهد بود که از زمان آدم تا آن روز نبوده است: گرفتگی خورشید در وسط ماه رمضان و ماه در آخرش.^۳

۲. خرابی دیوار مسجد کوفه: از امام حسین علیه السلام نقل شده که فرمود:

هنگامی که دیوار مسجد کوفه از طرف خانه عبدالله بن مسعود خراب شد، سلطنت ستمکاران پایان می‌پذیرد و مهدی (عج) خروج می‌کند.^۴

۳. هلاکت بسیاری از مردم: از حضرت علی علیه السلام نقل شده که فرمود:

مهدی خروج نمی‌کند مگر این که $\frac{1}{3}$ مردم کشته شوند، $\frac{1}{3}$ بمیرند و $\frac{1}{3}$ باقی بمانند.^۵ ممکن است در اثر جنگ‌های جهانی و وقوع زلزله‌ها یا حوادث دیگری بیشتر مردم از بین بروند.

۴. ظهور علم و دانش در قم: از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود:

به زودی کوفه از مؤمنان خالی می‌شود و علم و دانش از آن فروکش می‌کند، آن گونه که مار در لانه‌اش فرو می‌رود، سپس علم و دانش در شهری که قم نامیده می‌شود، آشکار می‌گردد و آن شهر منبع علم و دانش خواهد شد، به گونه‌ای که همه حتی زنان پشت پرده از دین آگاه می‌گردند و این امور نزدیک ظهور قائم ما خواهد بود...^۶

۱- همان، ص ۲۳۳.

۲- همان، ص ۲۰۶.

۳- غیبت نعمانی، ص ۱۸۱.

۴- عقد الدرر فی اخبار المنتظر، ص ۵۱.

۵- همان، ص ۶۳؛ منتخب الاثر، ص ۴۵۳؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۷.

۶- منتخب الاثر، ص ۴۴۳.

۵. فراگیر شدن ظلم و فساد در جامعه: روایات زیادی بیانگر آن است^۱ که قبل از ظهور حضرت مهدی (عج) جهان از ظلم و فساد پر می‌گردد، ولی باید توجه داشت که در عین حال، جناح حق و عدل از بین نمی‌رود و جامعه مؤمنان گرچه به صورت اقلیت باقی خواهد بود و قیام مهدی (عج) نیز برای یاری این گروه است که مستحق یاری هستند.^۲

بخشی از علائم ذکر شده واقع گردیده و درباره برخی دیگر باید در انتظار وقوعش بود. توجه به مطالب یاد شده ما را به این نتیجه می‌رساند که در روایات، فقط علائم ظهور حضرت مهدی (عج) بیان شده، و وقت ظهور نه تنها تعیین نشده، بلکه تعیین کننده آن دروغگو شمرده شده است.

ابو بصیر می‌گوید: از امام صادق علیه السلام درباره (وقت ظهور) قائم (عج) پرسیدم، فرمود: آنان که وقت تعیین می‌کنند، دروغ می‌گویند، ما اهل بیتی هستیم که برای ظهور وقتی مشخص نمی‌کنیم.^۳

فضیل می‌گوید: از امام باقر علیه السلام پرسیدم، آیا برای این امر (ظهور حضرت مهدی) وقت مشخصی هست؟ فرمود:

آنان که وقت تعیین می‌کنند دروغ می‌گویند، دروغ می‌گویند، دروغ می‌گویند.^۴

۱- ر.ک: همان، ص ۴۲۸-۴۳۲.

۲- ر.ک: قیام و انقلاب مهدی (عج)، شهید مطهری، ص ۶۴-۶۸.

۳- غیبت نعمانی، ص ۱۹۸. ۴- کتاب الغیبة، شیخ طوسی، ص ۲۶۲.

فصل دوم ظهور

منتظران حضرت مهدی (عج) می آیند و می روند و سالها و قرن‌ها سپری می‌شود و آن حضرت همچنان در پرده غیبت به سر می‌برد، اما این وضعیت برای همیشه ادامه نخواهد داشت؛ پایان انتظار فراخواهد رسید و مردم جهان روزی شاهد طلوع ستاره ولایت در سپیده دم این شب ظلمانی خواهند بود و زمین با تابش نور معنویت امام مهدی (عج) درخشش نوینی خواهد یافت. برای آگاهی از حوادث آن ایام به سخنان اهل بیت علیهم‌السلام توجه می‌کنیم. از امام باقر علیه‌السلام روایت شده که فرمود:

مهدی (عج) از گردنه کوه طوی با ۳۱۳ مرد به عدد رزمندگان بدر فرود می‌آید تا آن که وارد مسجد الحرام می‌شود و چهار رکعت نماز در مقام ابراهیم می‌خواند. سپس با تکیه بر حجر الاسود، حمد و ثنای الهی به جا آورده و بر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم درود می‌فرستد و به گونه‌ای سخن می‌گوید که تا به حال کسی آن‌گونه سخن نگفته باشد. نخستین کسانی که با او دست بیعت می‌دهند، جبرئیل و میکائیل خواهند بود.^۱

طبق روایات، یاران حضرت مهدی (عج) شبانگاه به اذن الهی از بستر بیرون آمده، همگی در یک ساعت نزد آن حضرت در مکه اجتماع می‌کنند. سپس ایشان ظهور می‌کند و با یارانش وارد مسجد الحرام می‌شود. آنان پس از بیعت جبرئیل، با آن حضرت بیعت می‌کنند و با حضرت مهدی (عج) رسالت انقلابی خود را اعلام می‌کند تا این که تعداد یارانش افزایش می‌یابد؛ وقتی که به ده هزار نفر رسیدند، آن حضرت از مکه خارج می‌شود^۲ تا زمین را از لوث و جود تبه‌کاران و ستمکاران پاکسازی کند.

۲- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷.

۱- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷.

امام صادق علیه السلام فرمود:

آیة «أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً»^۱ درباره یاران قائم (عج) نازل شده، آنان شب از بسترشان بیرون می آیند، در حالی که صبح در مکه هستند...^۲

عبدالعظیم حسنی از امام جواد علیه السلام نقل می کند که فرمود:

وقتی ۳۱۳ نفر از اهل اخلاص نزد مهدی (عج) اجتماع کردند، او ظهور می کند و هنگامی که تعداد یارانش به ده هزار نفر رسید، به اذن خداوند خروج می کند، سپس به حدی از دشمنان خدا را می کشد که خداوند از او خشنود گردد...^۳

ویژگی های یاران حضرت مهدی (عج)

امام صادق علیه السلام در حدیثی، خصوصیات یاران حضرت مهدی (عج) را این چنین یاد آور می شود:
... مردانی که قلب هایشان همانند تکه های آهن است (از ایمانی راسخ برخوردارند)، هرگز در مورد خدا شکی به دلشان راه نیافته است. اگر به کوه ها حمله کنند، آن ها را از جایشان می کنند، با پرچم های خود وارد شهری (از شهرهای کفار) نمی شوند، مگر آن را ویران می سازند، برای تیمن و تبرک به اسب امام مهدی (عج) دست می مالند، آنان گرد امام مهدی (عج) را گرفته و در جنگ ها خود را سپر بلای ایشان می کنند و آنچه از آنان بخواهد به طور رسا و کامل انجام می دهند، مردانی که شب را نمی خوابند و در نمازشان زمزمه های همانند زمزمه زنبوران دارند، شب را به عبادت سپری کرده، صبحگاهان بر اسب های خود سوارند، راهبان شب و شیران روزند، آنان نسبت به قائم (عج) مطیع تر از کنیز نسبت به آقایش هستند، برافروخته و نورانی هستند، انگار در قلبشان چراغی است، از خداوند بیمناکند، برای شهادت دعا می کنند و آرزو می کنند که در راه خدا کشته شوند، شعارشان خونخواهی امام حسین علیه السلام است. وقتی که سیر می کنند رعب و وحشت تا مسافت یک ماه راه، در پیشاپیش آن ها در حرکت است (تبهکاران از مسافت های دور از آنان می ترسند) خداوند امام مهدی (عج) را به وسیله آنان یاری می کند.^۴

۱- بقره (۲)، آیه ۱۴۸. یعنی: هر کجا باشید خداوند همگی شما را می آورد.

۲- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۶.

۳- همان، ص ۲۸۳، ۳۰۶-۳۰۷.

۴- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.

اگر ما بخواهیم از یاوران حضرت مهدی (عج) باشیم، نخست باید از چهره‌های مصمم و با ایمانی باشیم که در بیان فوق ترسیم شده‌اند.

سؤال: با وجود سلاح‌های مدرن و پیشرفته کنونی، چگونه حضرت مهدی (عج) پیروز می‌شود؟

پاسخ:

الف - همان‌طور که گفته شد، ممکن است فرود حضرت عیسی علیه السلام از آسمان و بیعتش با حضرت مهدی (عج) موجب شود که دولت‌های مسیحی نشین همچون اروپا و آمریکا، بدون جنگ مهمتی تسلیم شوند و بنابر روایات، حضرت مهدی (عج) تورات را از غاری بیرون می‌آورد^۱ و امکان دارد یهودیان نیز با مشاهده تورات اصلی، به آن حضرت ایمان بیاورند و جنگی میان حضرت و آنان واقع نشود و تسلیم شدن جهان مسیحیت و یهودیان البته تأثیر عمیقی بر دیگر کشورها خواهد گذاشت و شاید آنان با احساس رعب و وحشت، راهی جز تسلیم در برابر رهبر جدید جهان نداشته باشند. امام باقر علیه السلام در این باره فرمود:

... رعب و وحشت، پیشاپیش مهدی (عج) در حرکت است...^۲

قرآن کریم نیز درباره پیامبر صلی الله علیه و آله چنین می‌فرماید: رسول خدا صلی الله علیه و آله با ایجاد رعب در دل دشمنانش، یاری شد.^۳

ب - ممکن است بر اثر وقوع جنگ‌های جهانی، سلاح‌های پیشرفته نابود گردد.

در روایات از کشتارهای دسته جمعی و وسیع خبر داده شده است، چنان‌که پیشتر از حضرت علی علیه السلام نقل شد که:

مهدی (عج) خروج نمی‌کند، مگر این‌که للم (مردم) کشته شوند و للم بمیرند و للم باقی بمانند.^۴

ج - نمونه پیروزی بر سلاح‌های مدرن را همه ملت‌های جهان در پیروزی انقلاب اسلامی ایران بر رژیم ستمشاهی و هشت سال دفاع مقدس مشاهده کردند و بر همگان ثابت شد که پیروزی تنها مرهون داشتن سلاح مدرن نیست، بلکه اراده‌های استوار و مقاومی می‌طلبد که بتوانند از آن‌ها استفاده کنند. پس چه مانع دارد، همان‌گونه که ملت ایران توانست با سلاح‌های معمولی برابر تمام جهان کفر بایستد و پیروز شود، امام زمان (عج) و یارانش نیز با استقامت بی‌نظیر بتوانند سلاح‌های مدرن جهان را به غنیمت گرفته و پیروز شوند؟ البته در این میان از

۱ - غیبت نعمانی، ص ۱۵۷.

۲ - همان، ص ۱۵۵.

۳ - ر.ک: احزاب (۳۳)، آیه ۲۶؛ حشر (۵۹)، آیه ۲.

۴ - منتخب الاثر، ص ۴۵۳.

امدادهای ویژه الهی که نصیب آنان می شود نیز نباید غفلت کرد. روایات نیز مؤید این مطلب است. مفضل از یاران امام صادق علیه السلام نقل می کند که روزی در حضور ایشان سخن از قائم (عج) پیش آمد و من گفتم: امیدوارم کارش به آسانی پیش رود. امام علیه السلام فرمود: چنین نخواهد بود و این پیروزی دست نخواهد داد، جز در غرقاب خون و عرق بدن.^۱

بنابر روایت دیگری یکی از یاران امام باقر علیه السلام به ایشان عرض کرد: می گویند وقتی مهدی علیه السلام قیام کند، همه کارها برایش خود به خود رو به راه می شود، بی آنکه قطره خونی ریخته شود.

امام فرمود:

ابدا چنین نیست. به حق آن که جانم در دست اوست، اگر بنا بود کارها بدین آسانی پاگیرد، برای پیامبر اسلام چنین می شد؛ پس چرا در راه مبارزاتش دندانش شکست و صورتش زخم برداشت. نه چنین نیست به خدا قسم (پیروزی حاصل نخواهد شد) جز این که ما و شما در عرق و خون زخم های خود غرق گردیم.^۲

در بیانی دیگر امام صادق علیه السلام فرمود:

گویا قائم علیه السلام و یارانش را می بینم که خطر از هر سو بر سرشان سایه انداخته، توشه های آنان تمام شده، جامه هایشان فرسوده گشته، سجده بر پیشانی آنان اثر گذارده است، روزها همچون شیر ژیان و شب هنگام نیایشگر حق و دل هایش چون پاره های آهن است...^۳

د- در روایات از افراد و گروه هایی یاد شده که زمینه سازان ظهور هستند و چه بسا آنان در قسمتی از جهان حکومت تشکیل دهند و با تهیه کردن سلاح های مدرن در انتظار ظهور امام باشند و امام بعد از ظهور، رهبری آنان را به عهده گرفته با امکانات مدرن آنها به جنگ با دشمنان پردازد و آنان را شکست دهد.

البته در روایات، از سلاح او به شمشیر تعبیر شده که ممکن است یک تعبیر سمبلیک باشد، یعنی شمشیر کنایه از قدرت و منظور از قیام به شمشیر، اتکای به قدرت باشد.

۲- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۸.

۱- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۸.

۳- همان، ص ۳۸۶.

فصل سوم

شیوه حکومت امام مهدی (عج)

برآورده شدن تمام آمال و خواسته‌های طبیعی و فطری انسان‌ها و تکامل فطری و روحی آنان در تمام ابعاد، تنها در سایه حکمرانی امام معصوم امکان‌پذیر است. این ایده با ظهور حضرت مهدی (عج) جامعه عمل خواهد پوشید و جامعه بشری بار دیگر و این بار به طور کامل شیوه حکمرانی معصوم را تجربه خواهد کرد.

روش حکمرانی آن حضرت براساس اصول و محورهایی خواهد بود که به بعضی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱. اجرای صحیح و دقیق قوانین الهی

مشکلات عمده مادی و معنوی مردم، معلول عملی شدن قوانین نادرستی است که از مغز بشر تراوش می‌کند و مستند به وحی الهی و جهان غیب نیست و یا اگر قانون درست در دسترس هست، اما مجریان لایق و شایسته‌ای نیستند که بتوانند آن را اجرا کنند. حضرت مهدی (عج) به عنوان آخرین خلیفه پیامبر ﷺ با آگاهی کامل به شریعت رسول خدا ﷺ و به عنوان فردی معصوم، قوانین اسلام را در تمام زمینه‌های مادی و معنوی، فردی و اجتماعی زنده کرده و به مرحله عمل می‌گذارد تا جایی که گفته می‌شود او دین جدیدی آورده است؛^۱ چراکه حتی جامعه‌های اسلامی نیز فاصله زیادی با اسلام واقعی دارند و عادت آنان به وضع موجود و حکمرانی افراد فاسد و تبه‌کار، این تفکر را در آن‌ها تقویت کرده که دین اسلام همان است که آنان فهمیده‌اند^۲ و در کشورشان عملی می‌شود.

۱- ر.ک: بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۸ و ۳۵۳. ۲- ر.ک: بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۲.

امام صادق علیه السلام فرمود:

مهدی (عج) به روش پیامبر صلی الله علیه و آله عمل می‌کند، هر چه (از عادات و سنت‌های نامشروع) بوده، آن‌ها را محو می‌نماید، چنان‌که پیامبر صلی الله علیه و آله امور (رایج در) جاهلیت را از بین برد. او اسلام را از نو آغاز می‌کند (قوانین تعطیل شده آن را پیاده می‌کند).^۱

۲. قضاوت به روش حضرت داوود علیه السلام

اغلب قضاوت‌ها در محاکم بشری براساس شهادت شهود و جمع‌آوری قراین انجام می‌گیرد. حضرت مهدی (عج) براساس علم خود و به روش داوود علیه السلام در منازعات قضاوت می‌کند. امام صادق علیه السلام فرمود:

وقتی قائم آل محمد علیه السلام قیام می‌کند، همانند حضرت داوود در بین مردم داوری می‌کند، احتیاجی به بیّنه (شهود عادل) ندارد، خداوند به او الهام می‌کند و به هر کس از آنچه پنهان کرده و انجام داده، خبر می‌دهد...^۲

۳. تقسیم عادلانه ثروت

یکی از روش‌های نادرست حکومت‌های بشری، تقسیم غیر عادلانه ثروت‌های عمومی است که موجب پیدایش فقر و فاصله طبقاتی در جامعه می‌گردد. حضرت مهدی (عج) ثروت را به‌طور مساوی تقسیم می‌کند و به گونه‌ای فقر را ریشه‌کن می‌نماید که برای مصرف صدقه موردی نمی‌ماند. ابو سعید خدری از رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین نقل می‌کند:

در پایان (عمر) ائمتّم، مهدی (عج) خروج می‌کند، در دوران او باران (به حدّ کافی) می‌بارد و زمین گیاه خود را می‌رویاند و مهدی (عج) مال را به‌طور مساوی و درست به مردم می‌دهد...^۳ هم او از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده که فرمود:

مهدی (عج) به عنوان دادگری عادل خروج می‌کند، صلیب را می‌شکنند... و مال و ثروت در میان مردم گردانده می‌شود، ولی کسی پیدا نمی‌شود که آن را قبول کند (همه بی‌نیاز می‌شوند).^۴

۱- منتخب الاثر، ص ۳۰۵

۲- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۵ و ۳۳۹.

۳- منتخب الاثر، ص ۴۷۳؛ عقدالدرر، یوسف بن یحیی شافعی سلمی، ص ۱۶۴.

۴- عقدالدرر، ص ۱۶۶ و ۱۷۱.

۴. ساده‌زیستی

حضرت مهدی (عج) به عنوان رهبر حکومت اسلامی با آنکه ثروت‌های زمین را در اختیار دارد، از غذا و لباس ساده استفاده خواهد کرد تا الگویی برای زهد و بی‌اعتنایی به دنیا باشد.

امام صادق علیه السلام در این زمینه فرمود:

مهدی جز جامه زبر و خشن نمی‌پوشد و جز غذای خشک و سخت نمی‌خورد.^۱
عمر و بن شمر می‌گوید: در خانه امام صادق علیه السلام بودم؛ مردم از چیزی نمی‌پرسیدند، مگر این که آن حضرت پاسخ می‌داد؛ من به گریه افتادم. فرمود: ای عمر و! چرا گریه می‌کنی؟
گفتم: چگونه گریه نکنم؛ در میان امت، مثل تو نیست، اما در به رویت بسته است (یعنی از مقام اجتماعی و ثروت و مکنت برخوردار نیستی!). امام علیه السلام فرمود:

ای عمر و! گریه نکن؛ بیشترین غذاهای پاکیزه و لذیذ را می‌خوریم و لباس نرم می‌پوشیم و حال آن که اگر چنان شود که تو می‌گویی (رهبری امت به دست ما بیفتد)، همانند امیر مؤمنان علیه السلام جز غذاهای سخت و لباس خشن نخواهد بود و اگر جز این باشد عاقبتی جز غل و زنجیر آتشین نخواهد داشت.^۲

از این روایات استفاده می‌شود که هر چند در زمان ظهور زمینه برای استفاده از هر نوع لذت مادی فراهم می‌شود، اما اهل بیت پیامبر کسانی هستند که اگر به زعامت برسند، بیشتر از گذشته به دنیا پشت پا می‌زنند و این از وظایف و ویژگی‌های رهبری امام معصوم است.

۲- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۰.

۱- منتخب الاثر، ص ۳۰۷.

فصل چهارم

ترسیمی از حکومت جهانی حضرت مهدی (عج)

با ظهور حضرت مهدی (عج) مسیر تاریخ دگرگون شده و فصل نوینی در زندگی انسان‌ها گشوده می‌شود. آن روز اوج اقتدار مستضعفان مؤمن و خواریِ ستمگران است. با تحقق ظهور، صلح و صفا، امنیت و عدالت، رشد و شکوفایی، توحید و یکتاپرستی با جنگ و خونریزی، ظلم و ستم و شرک و خرافه پرستی مبادله می‌شوند و ثمرهٔ تلاش تمام پیامبران، اولیا و اوصیا در آن روز آشکار می‌گردد.

در این جا به بررسی بخشی از ابعاد حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) از دیدگاه روایات می‌پردازیم.

پاک شدن زمین از ستمگران

با ظهور حضرت مهدی (عج) دوران ستمگران به سر رسیده و زمین از لوٹ و جودشان پاکسازی می‌شود.

امام جواد علیه السلام در این باره فرمود:

وقتی شمار لشکر مهدی (عج) به ده هزار نفر رسید، به فرمان خدا خروج می‌کند و پیوسته دشمنان خدا را از دم تیغ می‌گذرانند تا آن که خداوند از او خشنود شود.^۱

حاکمیت مطلق بر جهان

تمام نقاط زمین در سیطرهٔ حکومت امام مهدی (عج) قرار می‌گیرد و عدالتش بر همه جا سایه می‌افکند.

۱- بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۷.

امام باقر علیه السلام در مورد آیه «الَّذِينَ إِن مَكَانَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ»^۱ فرمود:

این آیه درباره خاندان محمد صلی الله علیه و آله است؛ در مورد مهدی (عج) و یارانش می باشد، خداوند آنان را فرمانروای شرق و غرب زمین قرار می دهد و دین آشکار می گردد، خداوند به وسیله مهدی (عج) و یارانش بدعت ها و باطل را می میراند، همان گونه که سفیهان حق را می راند بودند تا این که نشانه های از ستم باقی نماند. آنان به معروف، فرمان داده، از زشتی باز می دارند و پایان امور از آن خداست.^۲

برقراری امنیت

از ضروری ترین نیازهای انسان، برقراری امنیت و صلح و صفادر جامعه است. زندگی در محیط نا امن، تلخ و دشوار است. با استقرار حکومت امام مهدی (عج) و سرکوبی اشرار و تبهکاران، امنیت در حد عالی در سراسر گیتی برقرار می شود و ثبات و آرامش روانی، جای اضطراب حاصل از نا امنی می نشیند.

امام باقر علیه السلام فرمود:

قائم (عج) و یارانش می جنگند تا همه به توحید و یکتاپرستی رو آورند و چیزی را شریک خدا قرار ندهند. پیرزن ناتوان از شرق زمین به غرب آن مسافرت می کند، بدون این که از ناحیه کسی آسیب ببیند...^۳

پیشرفت برق آسای علم

علم و دانش بشری با تمام دستاوردها و مظاهر شگفت انگیزش، هنوز دوران کودکی خود را سپری می کند و با تحقق ظهور امام مهدی (عج) به بلوغ کامل می رسد.

امام صادق علیه السلام فرمود:

علم و دانش ۲۷ حرف (شعبه و شاخه) است و مجموع آنچه پیامبران آورده اند، دو حرف است. مردم تا روز ظهور بیش از آن دو حرف را نمی دانند، وقتی قائم (عج) قیام کند، ۲۵

۱- حج (۲۲)، آیه ۴۱. (آن ها که اگر در زمین استقرارشان بخشیم (به حاکمیت برسند)، نماز را به پا می دارند و زکات می دهند، به معروف امر کرده و از زشتی باز می دارند و پایان امور از آن خداوند است.)

۲- منتخب الاثر، ص ۴۷۰.

۳- همان، ص ۳۰۸.

حرف بقیه را بیرون آورده و در میان مردم منتشر می‌سازد و بدین سان مجموع ۲۷ جزء دانش را نشر می‌دهد.^۱

امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

... مردم در زمان قائم (عج) از حکمت برخوردار می‌شوند تا آن جا که زن در خانه‌اش به کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله قضاوت می‌کند.^۲

و نیز فرمود:

هنگامی که قائم ما قیام کند، دستش را بر سر بندگان می‌نهد و به آن، عقل‌هاشان جمع شده و افکار و اندیشه‌شان کامل می‌شود.^۳

به طور خلاصه، در پرتو هدایت امام مهدی (عج) مردم با افکاری باز، همتی والا و بینشی وسیع پرورش می‌یابند و یک انقلاب فکری و علمی با امواجی گسترده در همه قشرهای جامعه به وقوع می‌پیوندد.

رشد مواد غذایی و گیاهی

هم‌اکنون رشد جمعیت کره زمین، زمزمه کمبود مواد غذایی در آینده را به وجود آورده است، در زمان امام مهدی (عج) خداوند برکات آسمان و زمین را به روی مردم می‌گشاید و هیچ نوع قحطی در هیچ نقطه‌ای از زمین مشاهده نمی‌شود.

حدیفه از پیامبر صلی الله علیه و آله این گونه نقل می‌کند:

آب‌ها در دوران حکومت مهدی (عج) فراوان می‌شود، نهرها پر آب می‌گردند، زمین خوراکی‌های خود را چند برابر می‌کند و گنج‌های خود را بیرون می‌دهد.^۴

و نیز فرموده است:

زمین گنج‌هایش را برای او (مهدی (عج)) خارج می‌کند و وی مال و سرمایه بی‌شمار بین مردم پخش می‌کند.^۵

هم‌چنین از آن حضرت نقل شده است که فرمود:

باران به‌طور فراوان فرود می‌آید و زمین انواع گیاهان خود را می‌رویاند.^۶

۱- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶.
۲- غیبت نعمانی، ص ۱۵۸.
۳- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۸.
۴- منتخب الاثر، ص ۴۷۲.
۵- بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۶۸.
۶- عقد الدرر فی اخبار المنتظر، ص ۶۰.

آبادانی شهرها و گسترش مساجد

در عصر حکومت امام مهدی (عج) شهرهای وسیع و آباد، جاده‌های پهن و مساجد بزرگ اما ساده و بدون زرق و برق ساخته می‌شود.

امام باقر علیه السلام فرمود:

گنج‌های زمین برای قائم (عج) آشکار می‌شود، سلطنت و حکومتش شرق و غرب زمین را فرا می‌گیرد، خداوند به وسیله او دینش را بر تمام ادیان چیره می‌گرداند، گرچه برای مشرکان ناپسند باشد و همه خرابی‌های زمین آباد می‌گردد...^۱
مفضل می‌گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود:

وقتی قائم آل محمد (عج) قیام کند، در پشت کوفه مسجدی بنا می‌کند که دارای هزار در است و خانه‌های کوفه به رودخانه کربلا می‌پیوندند.^۲

ابو بصیر از امام باقر علیه السلام چنین نقل کرده است:

هنگامی که قائم قیام کند... مساجد در عصر او همگی دارای دیوارهای کوتاه و بدون کنگره خواهد بود، همان‌گونه که در عصر رسول خدا صلی الله علیه و آله بود. او جاده‌های بزرگ و اصلی را توسعه می‌دهد و به شصت ذراع می‌رساند و تمام مساجدی را که در مسیر راه قرار گیرند، خراب می‌کند...^۳

از این روایات استفاده می‌شود که در زمان قائم (عج)؛ در کنار آبادانی شهرها و راه‌ها، مساجد نیز توسعه یافته و آباد می‌گردد؛ چرا که با رهبری آن حضرت، مردم در مسیر بندگی که هدف آفرینش انسان است، قرار می‌گیرند و رفاه و آبادانی در خدمت فضایل و کمالات انسانی درمی‌آید.

شکوفایی روحیه برادری و مساوات

در پرتو ارشاد و تربیت امام مهدی (عج)، نفوس انسانی رشد و تکامل پیدا کرده و ارزش‌های اخلاقی به اوج خود می‌رسد.

شیعیان به امام باقر علیه السلام عرض کردند: مادر کوفه گروه بسیاری هستیم. اگر شما فرمان دهی، همه

۱- کمال‌الدین و تمام النعمه، ج ۲- ۱، ص ۳۳۱.

۲- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۷.

۳- کتاب الغیبه، شیخ طوسی، ص ۲۸۳.

فرمان برند و از شما پشتیبانی و حمایت خواهند کرد. آن حضرت در پاسخ فرمود:
 آیا چنین هست که یکی از این گروه بیاید و آنچه نیاز دارد، از جیب برادرش بردارد؟
 گفتند: نه. فرمود:

پس این گروه (که در راه دادن مال به یکدیگر این گونه بخل می‌ورزند) برای دادن خون
 خویش (در راه اصلاح جامعه) بخیل تر خواهند بود. مردم هم اکنون در صلح و زندگی
 مسالمت‌آمیزند؛ از مردم همسر می‌گیریم و به آنان همسر می‌دهیم، از یکدیگر ارث
 می‌بریم، حدود را بر آنان اقامه می‌کنیم؛ امانتشان را باز می‌گردانیم (یعنی زندگی مردم در
 همین حد است و نه کاملاً اسلامی) اما با قیام قائم (عج) آنچه هست، دوستی و یگانگی
 است تا آن جاکه هر کس هر چه نیاز دارد، از جیب برادرش بدون هیچ ممانعتی
 برمی‌دارد.^۱

اسحاق بن عمار می‌گوید: نزد امام صادق علیه السلام بودم که درباره تساوی مردم با دیگر برادرانشان
 و حقی که هر کس بر دیگری دارد، سخن می‌گفت: من سخت در شگفت شدم و برایم وظیفه
 خطیری جلوه کرد. آن حضرت فرمود:

این، در وقت قیام قائم ماست که در آن روزگار بر هر کس واجب است برادران مؤمنش را
 تقویت و یاری کند و وسائل لازم را در اختیار آنان قرار دهد.^۲
 راوی گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم که این روایت: «سود گرفتن مؤمن، از مؤمن ریاست.»
 معنایش چیست؟ فرمود:

این، به هنگام قیام قائم اهل بیت و ظهور حق است، اما اکنون اگر کالایی بفروشید و سود
 بگیرید، اشکالی ندارد.^۳

گفتاری از علی علیه السلام

امیر مؤمنان علیه السلام زمان پس از ظهور را در گفتاری چنین ترسیم کرده، می‌فرماید:
 حضرت مهدی (عج) امیرانش را به تمام کشورها می‌فرستد تا عدالت را پیاده کنند. [در آن
 زمان:]

۲- وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۴۱۵.

۱- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۲.

۳- همان، ج ۱۲، ص ۲۹۴.

- گوسفند در کنار گری می چرد.
- کودکان با مارها و عقرب‌ها بازی می‌کنند و هیچ آسیبی به آن‌ها نمی‌رسد.
- شر برداشته شده و خیر می‌ماند.
- انسان یک مدّ (کمتر از یک کیلو) می‌کارد و هفتصد مدّ محصول برداشت می‌کند، همان‌گونه که قرآن می‌فرماید: «همانند یک دانه که از آن هفت سنبل برآید و در هر سنبل صد دانه باشد.»
- ربا و زنا برداشته می‌شود و اثری از شراب‌خواری و ربا و خودنمایی باقی نمی‌ماند.
- مردم به اطاعت و عبادت و نماز جماعت رو می‌آورند.
- عمرها طولانی می‌شود.
- امانت‌ها رعایت می‌شود.
- درختان پرثمر و برکات افزون می‌گردد.
- اشرار هلاک شده و نیکان می‌مانند.
- از دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام کسی باقی نمی‌ماند.^۱

گفتنی است، همان قدر که ترسیم چنین جهانی در افق خیال آسان است، از نظر عمل فوق‌العاده مشکل و طاقت‌فرساست، اما حضرت مهدی (عج) به عنوان معمار این جامعه نوین، به قدری از توانایی‌های روحی و معنوی برخوردار است که می‌تواند جهانی را که از ظلم و جور پر شده است، از عدل و داد پر کند و فراتر از مدینه فاضله‌ای که فلاسفه و دانشمندان ترسیم کرده‌اند، به وجود آورد.

۱ - عقد الدرر فی اخبار المنتظر، ص ۱۵۹.

منابع و مأخذ

قرآن كريم

- نهج البلاغه، فيض الاسلام، مركز نشر آثار فيض الاسلام.
نهج البلاغه، شهيدى، انتشارات آموزش انقلاب اسلامى.
البيان فى اخبار صاحب الزمان، محمد بن يوسف گنجى شافعى، مؤسسة الهادى للمطبوعات.
اثبات الهداة، شيخ حرّ عاملى، دارالكتب الاسلاميه.
احتجاج، طبرسى، مؤسسة اعلمى بيروت.
اديان و مهدويت، محمد بهشتى، مؤسسة انتشارات امير كبير.
الاذاعه، سيد محمد صديق حسن، مصر.
ارشاد، شيخ مفيد، مؤسسة الاعلمى بيروت.
الاشاعه لاشراط الساعه، شريف برزنجى، مصر.
اصول كافي، شيخ كلينى، با حواشى على اڪبر غفارى، دارالكتب الاسلاميه، چاپ سوم.
الامام المهدي من المهد الى الظهور، سيد محمد كاظم قزوینی، مؤسسة النور للمطبوعات، بيروت.
الامام المهدي عند اهل السنه، مهدي فقيه ايمانى، كتابخانه اميرالمؤمنين اصفهان.
بحار الانوار، علامه مجلسى، مؤسسة الوفا بيروت.
تاريخ ابن خلدون، اعلمى بيروت.
تاريخ الغيبة الصغرى، سيد محمد صدر، مكتبة الامام على عليه السلام.
تذكرة الخواص، سبط ابن جوزى، انتشارات مروى.
تفسير نمونه، با همكارى جمعى از دانشمندان، دارالكتب الاسلاميه.
تفسير موضوعى قرآن مجيد، جوادى آملی، مركز نشر فرهنگى رجاء.
خورشيد مغرب، محمدرضا حكيمى، دفتر نشر فرهنگ اسلامى.

- دايرة المعارف القرن العشرون، محمد فريد وجدى، بيروت.
- ديوان حافظ، به اهتمام سيد ابوالقاسم انجوى شيرازى، سازمان انتشارات جاويدان، چاپ چهارم.
- زند و هومن يسن (مسأله رجعت و ظهور در آيين زرتشت)، انتشارات امير كبير، ۱۳۴۲.
- سنن ابن ماجه، با حواشى محمد فؤاد عبدالباقي، دار احياء التراث العربى.
- سنن ابى داوود، با حواشى محمد محيى الدين عبدالحميد، نشر دار احياء السنة النبويه.
- سنن ترمذى، ناشر محمد عبدالحسين الكتبى، چاپ الغجالة الجديده.
- شرح نهج البلاغه، ابن ابى الحديد، دار احياء التراث العربى.
- شرح مقاصد، تفتازانى، منشورات الرضى قم.
- صحيح بخارى، دارالقلم بيروت.
- صحيح مسلم، دارالمعرفه بيروت.
- ظهور نور، على سعادت پرور، ترجمه سيد محمدجواد وزيرى فرد، قم.
- عقد الدرر فى اخبار المنتظر، يوسف بن يحيى شافعى سلمى، مكتبة عالم الفكر، قاهره.
- عهد عتيق، كتاب مزامير داوود، انجمن پخش كتب مقدسه.
- عهد جديد، انجيل متى، انجمن پخش كتب مقدسه.
- الفتوحات المكيه، محى الدين عربى، دار صادر بيروت.
- فرائد السمطين، جوينى، بيروت.
- فرق الشيعه، ابى محمد حسن بن موسى نوبختى، المطبعة الحيدريه نجف.
- فيض القدير، مناوى، بيروت.
- قيام و انقلاب مهدي، شهيد مطهرى، انتشارات حكمت.
- كتاب الغيبه، شيخ طوسى، تهران، مكتبة نينوى.
- كتاب غيبه، محمد بن ابراهيم بن جعفر نعمانى معروف به ابن ابى زينب، ترجمه احمد فهري زنجانى، دارالكتب الاسلاميه تهران.
- كشف المراد فى شرح تجريد الاعتقاد، مكتبه المصطفوى قم.
- كفاية الموحدين، آقا سيد اسماعيل طبرسى نورى، انتشارات اسلاميه.
- كليات فى علم الرجال، جعفر سبحانى، انتشارات مركز مديريت حوزه علميه قم.
- كمال الدين و تمام النعمه، شيخ صدوق، تصحيح و حواشى على اكبر غفارى، مؤسسة النشر الاسلامى التابعة لجماعة المدرسين بقم.
- لسان العرب، دار صادر بيروت.
- مجموعه آثار، شهيد مطهرى، انتشارات صدرا.
- مجمع البيان، طبرسى، دارالمعرفه بيروت.
- المختار من كلمات الامام المهدي، محمد غروى، مهر قم.

- المستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری، دارالفکر بیروت.
مسند احمد حنبل، دارالفکر.
مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی.
مقاتل الطالبیین، ابی الفرج اصفهانی، مؤسسه دارالکتاب للطباعة والنشر قم-ایران.
المنار المنیف فی الصحیح والضعیف، ابن قیّم، سوریه، ١٣٩١ هـ.ق.
منتخب الاثر، لطف الله صافی گلپایگانی، انتشارات مکتبه الصدر، چاپ سوم.
منتهی الآمال، شیخ عباس قمی، انتشارات کتابفروشی اسلامیه.
مهدي انقلابی بزرگ، ناصر مکارم شیرازی، انتشارات هدف قم.
المهدي الموعود المنتظر، شیخ نجم الدین جعفر بن محمد عسکری، نشر مؤسسه امام المهدي.
موسوعه اطراف الحديث النبوی شریف، محمد سعید زغلول، دارالفکر.
نجم الثاقب یا زندگانی مهدي موعود، حاج میرزا حسین نوری، انتشارات علمیه اسلامیه.
نظم المتناثر من الحديث المتواتر، محمد بن جعفر کتّانی، فاس، ١٣٢٨ هـ.ق.
نهايه، ابن اثیر، مکتبه الاسلامیه.
ینابیع الموده، شیخ سلیمان قندوزی حنفی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات بیروت.
وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، المکتبه الاسلامیه.